

برای حمایت از حقوق پدیدآوران



قوه قضائیه
دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

دانشکده حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان:

سیاست جنایی قضایی و اجرایی ایران در مورد عدم رعایت حجاب

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر امیر مسعود مظاهری سیچانی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر جعفر حسنی

نگارنده:

اسماعیل کوهی

زمستان ۱۳۹۸



توقفتاری
دانشگاه علوم قضایی و خدمات قضایی

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب.....اسماعیل کوهی..... دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد پیوسته به شماره دانشجویی.....۹۲۱۴۰۱۸۳۷.. در رشته.....علوم قضاییگرایشحقوق جزا و جرم شناسی..... که در تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۲ از پایان نامه خود تحت عنوان: سیاست جنایی قضایی و اجرایی ایران در مورد عدم رعایت حجاب با کسب نمره ۱۹,۲۵ و درجه.....عالیدفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و.....) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط ومقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

با سپاس از ۳ وجود مقدس

آنانکه که موهایشان سپید شد تا ما روسفید شویم..... پدر و مادر عزیزم

آنانکه که ناتوان شدند تا ما به توانایی برسیم اساتید بزرگوار

و او که عاشقانه سوخت تا گرما بخش و روشنی بخش راهم باشد همسر فداکارم

فهرست مطالب

۲	طرح پژوهش
۲	مقدمه
۳	بیان مساله
۴	اهمیت و ضرورت تحقیق
۵	سوالات تحقیق
۶	فرضیات تحقیق
۶	اهداف تحقیق
۷	پیشینه تحقیق
۱۰	جنبه نوآوری تحقیق
۱۰	سازماندهی تحقیق
۱۱	فصل اول : مفاهیم و مبانی
۱۲	مبحث اول: مفهوم حجاب
۱۲	گفتار اول: مفهوم لغوی حجاب
۱۴	گفتار دوم: مفهوم اصطلاحی حجاب
۱۶	گفتار سوم: حجاب از منظر حقوق عرفی
۱۷	گفتار چهارم: حجاب از منظر حقوق شرعی
۲۱	مبحث دوم: پیشینه قانون گذاری حجاب در ایران
۲۱	گفتار اول: مفهوم بی حجابی
۲۱	گفتار دوم: قبل از انقلاب اسلامی ایران
۲۳	گفتار سوم: بعد از انقلاب اسلامی ایران
۲۶	فصل دوم: سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران در قبال حجاب
۲۷	مبحث اول: حجاب و سیاست های حکومتی ایران
۲۷	گفتار اول: ادله حقوقی - سیاسی

گفتار دوم: ادله جامعه‌شناسی-فرهنگی	۲۷
گفتار سوم: ادله اسلامی-انسانی	۲۸
مبحث دوم: سیاست جنایی ایران در خصوص حجاب	۲۹
گفتار اول: سیاست جنائی	۳۰
گفتار دوم: پاسخ‌های کنشی	۳۲
گفتار سوم: پاسخ‌های واکنشی	۳۲
مبحث سوم: ضرورت استفاده از قانون در امر بی‌حجابی	۳۴۴
گفتار اول: هنجار و الگوی قانونی	۳۴
گفتار دوم: حجاب در سایه قوانین خاص	۳۶۶
گفتار سوم: تکیه حجاب بر تعزیرات	۳۸
مبحث چهارم: مجازات بی‌حجابی در قوانین جمهوری اسلامی	۴۱
گفتار اول: قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲	۴۱
گفتار دوم: قانون نحوه رسیدگی به تخلفات فروشندگان لباس بی‌حجاب مصوب ۱۳۶۵	۴۱
گفتار سوم: ماده ۶۳۸ ق.م.ا در جرم انگاری بدحجابی	۴۲
فصل سوم: سیاست جنایی قضایی در قبال حجاب	۴۴
مبحث اول: تحلیل و نقد ادله فردی بودن حجاب	۴۵
گفتار اول: ادله فقهی و حقوقی	۴۵
گفتار دوم: ادله قرآنی	۵۳
مبحث دوم: تشخیص قضایی در قبال بدحجابی	۵۷
گفتار اول: مجازات عمل حرام و تعارض آن با جمهوری اسلامی	۵۷
گفتار دوم: مرجع تشخیص و تعیین مجازات بدحجابی	۵۸
گفتار سوم: نقد متن ماده ۶۳۸ ق.م.ا.	۶۰
مبحث سوم: آیین دادرسی بزه بی‌حجابی	۶۴
گفتار اول: مرحله کشف	۶۴

گفتار دوم: مرحله تعقیب و تحقیق	۶۷۷
گفتار سوم: مرحله دادرسی	۶۹
گفتار چهارم: مرحله اجرای احکام	۷۰
گفتار پنجم: تحلیلی بر نمونه آراء قضایی	۷۰
مبحث چهارم: سیاستهای پیشگیرانه از بی حجابی	۷۸
گفتار اول: اقدامات پیشگیرانه	۷۸
گفتار دوم: اقدامات اداری و انضباطی	۸۳
فصل چهارم: سیاستهای اجرایی و مشارکتی جمهوری اسلامی ایران در قبال بی حجابی	۸۷
مبحث اول: سیاستهای اجرایی جمهوری اسلامی ایران	۸۸
گفتار اول: دیدگاه امام در رابطه با بدحجابی	۸۸
گفتار دوم: موضع مقام معظم جمهوری اسلامی در قبال مسئله حجاب	۸۸
گفتار سوم: حجاب اسلامی و سیاست های آموزش همگانی	۸۹
مبحث دوم: فرایند نظام سازی در حوزه حجاب	۹۰
گفتار اول: نهادهای سیاستگذاری فرهنگی در قبال حجاب	۹۰
گفتار سوم: نقش و اهمیت نهادهای آموزشی	۹۲
مبحث سوم: مسئولیت نهادها در قبال بی حجابی	۹۴
گفتار اول: مجلس شورای اسلامی و طرح سامان دهی مد و لباس	۹۴
گفتار دوم: سیاست های کلان فرهنگی و مسئله حجاب	۹۶
گفتار سوم: رسانه های ارتباطی و مسئله حجاب	۹۷
گفتار چهارم: نیروی انتظامی و مقابله با بی حجابی	۹۸
گفتار پنجم: بسیج همگانی و اصلاح وضع بی حجابی	۱۰۰
نتیجه گیری	۱۰۱
پیشنهادهای	۱۰۳
منابع	۱۰۵

چکیده:

از جمله دغدغه های اساسی انقلاب اسلامی از که از همان سالهای شکوفایی انقلاب نظام اسلامی تا به امروز وجود داشته مساله حجاب بوده است مولفه هایی مثل واجب و ضروری بودن حجاب و اینکه جز ملاک ها و معیار های بنیادین عفاف و اخلاق اسلامی نیز میباشد موجب الزامی شدن حجاب و بقای قانون آن تا به امروز بوده است. طی سال های اخیر انتقادهایی به این حجاب اجباری در سطح جامعه صورت گرفته است و گاهی منجر به افول حجاب شده است. بر این اساس هدف ما از انجام این پژوهش بررسی سیاست جنائی تقنینی، قضایی و اجرایی جمهوری اسلامی ایران در قبال حجاب است. لذا در راستای دستیابی به این هدف از روش توصیفی تحلیلی بهره گرفته ایم. نتایج بدست آمده از این تحلیل حاکی از این امر است که مهمترین راهکار نظام سیاست جنایی کشورمان برای اجرایی نمودن بیشینه ای حجاب روی آوردن به هنگام به پاسخ های کنشی و یا سزادهی و نیز افزایش نظارت های نهادهایی مانند پلیس فتا در دنیای مجازی است. در این راستا ضروریست تا با توجه به اهمیت موضوع حجاب در کشور ما به عنوان ارزشی شناخته شده و دارای اهمیت قانونی فراگیر و روزآمد در این باره تصویب شود.

کلمات کلیدی: حجاب و عفاف، سیاست جنایی، سیاست قضایی، سیاست اجرایی

طرح پژوهش

مقدمه

پس از انقلاب سال ۵۷ برچیده شدن نظام طاغوت و برپایی نظام جمهوری اسلامی به زعامت امام خمینی ره سعی بر آن شد که از فقه امامیه و احکام اسلام در سیاست گذاری جنایب بهره لازم و کافی برده شود ک این تاثیر هم در قانون اساسی و هم در قوانین عادی رخ نموده است. اما در تحقق این مهم غفلتهایی صورت گرفت که ریشه در کم توجهی های قانون گذار به فقه پویای شیعه دارد. در ما نحن فیه که در باب حجاب است روشن است که حجاب در میان فقهای اهل سنت و شیعه از واجبات و رعایت ان ضروریست. و هیچ تردیدی در واجب بودن ان نیست البته که بحث حجاب علاوه بر اسلام در ایین های ملی ایرانیان نیز مورد تاکید قرار گرفته و عدم رعایت ان علاوه بر حرمت در اسلام بی احترامی به ارزش های ملی نیز تلقی شده و این موضوع در وجوه تاریخ این سرزمین از ادبیات گرفته تا سنگواره های ان به وضوح نمایان است. و حجاب در میان زنان ایرانی همواره به عنوان هنجار و ارزشی پذیرفته شده مطرح بوده است^۱.

با توجه به گسترش فضای مجازی در جامعه امروز و کشاندن اختلاف نظر ها د رمورد حجاب به میان جامعه، موضع پوشش را داغ تر کرده است البته موضوع حجاب در جوامع گذشته و حال، در جوامع اسلامی و غیراسلامی، در کشور ایران و سایر کشورهای اسلامی و ... وجود دارد. به نظر می رسد متولیان و مسئولان جامعه هنوز نتوانسته اند پاسخ مطلوب و قانع کننده ای برای حجاب، به عنوان یک موضوع مورد مناقشه عمومی ارائه کنند؛ چرا که پس از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی وضعیت پوشش و حجاب بخشی از جامعه نه تنها بر اساس «حجاب شرعی» نیست، بلکه به سمت بی حجابی نیز پیش می رود. از این

^۱شاهیوند، عذرا، علیزاده، فاطمه، ۱۳۹۵، بررسی مفاد فقهی و حقوقی جرم بی حجابی، اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی، ص ۳۴.

رو سیاست گذاران باید با برنامه های هدفمند و وروش های عقلانی که در آن ها حساسیت های جامعه امروز ایران در نظر گرفته شده باشد ، به سمت ریشه کن کردن این ناهنجاری اخلاقی ودینی در جامعه حرکت نمایند.

بیان مساله

پوشش و حجاب در متن فرهنگ ایرانی از اهمیت خاصی برخوردار است ودینی بودن جامعه ایرانی اهمیت آن را دو چندان کرده است.البته حجاب یک مسئله خاص مربوط به یک کشور ویا .مذهب نیست ودر تمامی ادیان موردتوجه قرار گرفته است ولی در اسلام با حساسیت بیشتری راجع به ان بحث شده است که همین باعث شده رکنی مهم از هویت اعتقادی واجتماعی زنان ایرانی می باشد. ضرورت حجاب ووتاکید بر ان در جهت جلوگیری از اثار سوء ومفاسد بی حجابی همواره در جمهوری اسلامی مورد توجه قانونگذار بوده است.واین موضوع خودرا در متن قانون و در حکمت تقنین بعضی قوانین نشان داده است.ومهم تر اینکه این مسئله ریشه در دین ما نیز دارد ودر نظرات فقها مبسوط به ان پرداخته شده است وبیان شده که رعیت حجاب واجب وترک ان نیز دارای حرمت شرعی می باشد ودر قانون مجازات اسلامی در کتاب پنجم د رماده ۶۳۸ مستحق تعزیر شناخته شده است وهمچنین قانون حمایت از امران به معروف وناهیان از منکر مقرراتی دیگر در این زمینه به تصویب رسیده است. اما مساله سیاست جنایی همانطور که واضح است در معنای اعم خود از قانون فراتر رفته وحتى گام در حصار فرهنگ نیز میگذازد واین خود چند بعدی بودن مساله حجاب را میرساند که در صورت وجود اراده ی برخورد با بی حجابی باید در عرصه های گوناگونی فعالیت نمود ودر معنای اخص به مجموعه تدابیر وواکنش هایی گفته میشود که قانونگذار برای پدیده ای در نظر میگیرد. سیاست های قضایی نیز از این دامنه خارج نیستند به طوریکه شیره وثمره ی حکمت ومصالح در نظر گرفته شده توسط قانون گذار در تقنین در سیاست های قضایی رخ می نمایند که این جامعیت و متصل بودن به حوزه های گوناگون حجاب , مارا به سمت بررسی و واکاوی سیاست های جنایی تقنینی

قضای جمهوری اسلامی در برابر بی حجابی سوق داده است چرا که از طرفی در جامعه امروزی تا حدی رنگ از رخ جرم انگاری این ناهنجاری پریده است و از طرفی یکی از موضوعات نیازمند مذاقه بیشتر در جامعه امروز است چرا که جامعه ایرانی_اسلامی به طور امروزه به طور جدی با این مساله مواجه شده است و متاسفانه آسیب های این مساله بیش از پیش دامنگیر جامعه میشود. ولی با این وجود هنوز یک رویکرد واحد بین سیاست های تقنینی و اجرایی و قضایی وجود ندارد و به کرات هم در رویه قضایی و هم در حوزه اجرایی شاهد برخوردهای متفاوتی بوده ایم که این خود میتواند به افزایش جرم در این زمینه منجر شود هدف این تحقیق تبیین جامعی از سیاست هاست های کیفری در این زمینه و بررسی تحولات پدید آمده در این عرصه است و این که سیاست های کیفری در این زمینه تا چه حد با یکدیگر هم خوانی داشته و هماهنگ عمل کرده اند و در صورت وجود یک عملکرد منسجم در این زمینه چه پیامدهای مثبتی به دنبال دارد. که این خود میتواند در یچه ای تازه را در این زمینه به روی بازیگران این حوزه باز نماید و موجب عملکرد بهتر دستگاه های متولی اعم از اجرایی، تقنینی و قضایی در این مورد گردد. چرا که از چالش های اساسی موجود در این حوزه اختلاف اندیشه قضات و تهاافت آراء قضایی در تشخیص حجاب شرعی و تنوع و اعمال سلیقه در نحوه برخورد با مساله حجاب و عفاف در حوزه اجرا توسط پلیس میباشد که این مسائل همگی در صورت یک سیاست کیفری متقن در این زمینه از بین خواهند رفت.

اهمیت و ضرورت تحقیق

حجاب نقش حیاتی را در تکامل جامعه و رسیدن امت اسلامی به هدف آفرینش که همان پاکی، عفت، اصالت و هویت فرهنگی است، ایفا می کند و از آن نظر اهمیت دارد که نه تنها حافظ اخلاق و تجسم تقوا و عفت در سطح جامعه است بلکه وجود چنین حکمی در اسلام، نوعی بزرگداشت زن مسلمان و محفوظ نگهداشتن وی از نگاه های مردان است. بنابراین اسلام با طرح پوشش زن در حقیقت جواز حضور او را در اجتماع رقم زده است و با دستوره های حکیمانه و راهگشا این نیروی عظیم را از تباه شدن و در گوشه ای بی

هدف ماندن نجات داده است. بنابراین باید این ارزش و سنت حسنه مورد تاکید قرار گرفته و واز برکات و پیامدهای مثبت آن سخن گفته و واز آن حمایت گردد.

یکی از مهمترین مسائلی که میتواند امنیت اخلاقی و اجتماعی را تامین کند مسأله حجاب و پوشش زنان در جامعه است. بی حجابی و عدم پوشش در جامعه به دنبال خود پیامدهایی ناگوار چون آرایش، خود آرایی و عشوه گری را به همراه دارد و مردان به ویژه جوانان را در معرض تحریک دایم عصبی و ایجاد التهاب و هیجان دروغین زودگذر در جامعه قرار میدهد. همچنین آسیب اجتماعی مهم دیگری که ناشی از بی حجابی در جامعه ظهور پیدا می کند، سست شدن بنیان خانواده و تزلزل آن است. شکستن حریم خانواده و برهنگی روزافزون در جامعه ی انسانی، جدایی و از هم گسیختگی خانواده ها را در پی خواهد داشت زیرا در بازار آزاد برهنگی، زنان به صورت کالای مشترک به شمار می آیند و دیگر پیوند زناشویی قداست و پاکی خاص خویش را میان دو نفر که به یکدیگر تعلق دارند از بین میبرد و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می شود. در مقابل حفظ حجاب موجب تحکیم روابط خانواده و آرامش روانی اعضای خانواده می گردد. لذا باتوجه به به آنچه که مطرح گشت اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع حجاب در سایه سیاست های دولت امری مشخص شده است.

سوالات تحقیق

سوال اصلی:

چه رویکرد منسجم و هماهنگی به لحاظ قانونی، قضایی و اجرایی در قبال مساله حجاب در نظام جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؟

سوالات فرعی

۱- ملاک حجاب شرعی با حجاب عرفی چه تفاوت هایی دارد؟

۲- چگونه میتوان میان ملاک های قانونی، قضایی و اجرایی در تشخیص بی حجابی تناسب ایجاد کرد؟

۳- واکنش های قانونی، قضایی و اجرایی در قبال حمایت از حجاب شرعی کارآمد بوده است؟

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی:

تفاوت آراء قضایی و نبود یک رویه منسجم و هماهنگ در سیاست جنایی، تقنینی و اجرایی جمهوری اسلامی در قبال مسئله حجاب موجب افزایش روزافزون بی حجابی و بد حجابی شده است.

فرضیه های فرعی:

۱- عرف مسلم سنتی جامعه ایران در مورد حجاب به عنوان حجاب شرعی قابل پذیرش می باشد.

۲- ایجاد رویه ای یکسان در برخورد با مسئله حجاب موجب کنترل و کاهش جرم در این زمینه میشود.

۳- نبود یک ملاک ثابت و واحد برای حدود حجاب در جامعه خود موجب ناکارآمدی سیاست جنایی در این زمینه می شود.

اهداف تحقیق

هدف اصلی:

بررسی سیاست جنائی تقنینی، قضایی و اجرایی جمهوری اسلامی ایران در قبال حجاب

اهداف فرعی:

بررسی مقایسه ای ملاک حجاب شرعی با حجاب عرفی

بررسی تناسب میان ملاک های قانونی، قضایی و اجرایی در تشخیص بی حجابی

بررسی واکنش های قانونی، قضایی و اجرایی در قبال حمایت از حجاب شرعی

پیشینه تحقیق

مقدم (۱۳۹۶)، طی مطالعه ای به نقد و بررسی جرم انگاری بدحجابی در مقررات کیفری ایران پرداختند. امروزه با تحول جوامع و گسترش ارتباطات و تنوع سلیقه ها، گاهی شاهد اقبشاری از مردم هستیم که با دلائل مختلف تمایل به رعایت شئونات فرهنگی و عرفی و اعتقادی جامعه خود ندارند این عدم رعایت گاه در پوشش افراد متبلور است، اگر چه در حقیقت افراد در اعمال سلیقه های خود آزاد هستند و این حق از جمله حقوق اساسی شناخته شده برای آنهاست اما این آزادی بی حد و حصر نبوده و این اعمال سلیقه ها نباید با فرهنگ های مورد احترام مردم جامعه در تعارض باشد. وقتی که در جامعه ای حکومتی مردم سالار در حاکمیت آن جامعه قرار میگیرد هنگامی که مردم خود با رای خود همه ی مسند های این حکومت را تعیین میکنند طبیعی است که همگان برای هنجارها و باید و نباید های این مقنن احترام قائل بوده و آن را مظهر خواست خود می دانند لذا قانونگذار با وضع مقرراتی به تدوین اندیشه ها و آرمان ها جامعه و اعلام آن به افراد می پردازد. اما آیا این وضع مقررات در طی اعصار گذشته و حال همواره به درستی و موافق با فرهنگ و اراده ملت صورت می پذیرد؟ این تحقیق در بردارنده گفتمان قانونگذار ایران در خصوص پوشش مردم و بیانگر مبانی جرم انگاری بدحجابی به عنوان پوششی ناهنجار در جامعه ایرانی - باستانی و ایرانی - اسلامی است جامعه ای که آمیخته با فرهنگی غنی و دینی متعالی است. در همین راستا کلیات و مبانی دخالت حکومت در نحوه پوشش مردم مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه نیز به مبانی جرم انگاری پوشش در نظام کیفری ایران است.

شاهپوند و علیزاده (۱۳۹۵)، طی مطالعه ای به بررسی مفاد فقهی و حقوقی جرم بی حجابی پرداختند. بی حجابی در قانون مجازات اسلامی به عنوان جرم مطرح گشته و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است.

هم چنین در بعضی قوانین و مقررات به این مسئله اشاره شده، ولی در هیچ قانونی، مسئله به طور مشخص و شفاف بیان نشده است. به استناد مواد قانونی که درباره وظیفه قاضی هنگام ابهام، اجمال، سکوت و تناقض قوانین وجود دارد، با مراجعه به منابع معتبر اسلامی، از جمله قرآن، حدیث و نظریه ها و فتاوی فقیهان، به حدود، کیفیت و مصداق های حجاب می پردازیم. حجاب اسلامی باید دارای دو ویژگی باشد: حدود شرعی پوشش که شامل پوشش تمامی بدن به جز صورت و دستان است، در آن رعایت شده باشد. به جز آن، با خودنمایی و جلب نظر نامحرم همراه نباشد. از طرف دیگر، با تعریف حجاب به طور کامل، به این نتیجه می رسیم که حجاب، مفهومی تشکیکی نیست و واژه بدحجابی غلط است. رابطه حجاب شرعی با بی حجابی نیز رابطه متناقضی است و مفهوم سومی وجود ندارد. سپس با بیان محدوده اجرای حکم، به طور مختصر، موانع اجرای حکم بررسی می شود.^۲

حسینی و جهان دیده (۱۳۹۶)، طی مطالعه ای به بررسی کیفیت حمایت از کاهش آسیب های اجتماعی بی حجابی در قلمروی قوانین کیفری پرداخته است. یکی از آسیب های اجتماعی پدیده بی حجابی است که میتواند با نتایج منفی متعددی همراه باشد و شیوع آن باعث بروز پیامدهای بعضاً غیر قابل جبران می گردد. در این میان قوانین میتوانند در راستای کاهش آسیبهای اجتماعی نقش مؤثری ایفا نمایند. در قوانین جزایی کشور ما به این مهم توجه شده و فقدان حجاب و عفاف به عنوان یکی از جلوه های آسیب اجتماعی با ضمانت اجرای کیفری همراه شده است، چرا که بزه هایی که دارای منشاء آسیب اجتماعی هستند از ارزش و اهمیت والایی برخوردارند. هدف قانونگذار از این رویکرد حمایتی، کاهش آسیب های اجتماعی است، که کیفیت این حمایت از نقایصی بی بهره نشده است. به طوری که رفع این نقایص میتواند بر کارآمدی نقش حمایت های قانونی در جلوگیری از بروز آسیبهای اجتماعی ناشی از بی حجابی و بی عفاف بیافزاید. در واقع یکی از راهکارهایی که جهت فراگیر شدن تفکر حجاب و عفاف می تواند در حوزه حقوق مطرح شود

^۲شاهپوند، عذرا، عزیزاده، فاطمه، ۱۳۹۵، بررسی مفاد فقهی و حقوقی جرم بی حجابی، اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی.

پیش بینی ضمانت اجرای کیفی مناسب برای جلوگیری اعمال خلاف فرهنگ عفاف و حجاب است که در انظار عمومی نمایان میگردد.^۳

باقری میاب و باقری، ۱۳۹۲، طی مطالعه ای به بررسی لزوم هماهنگی سازمان ها و متولیان سیاست گذاری و متولیان عرصه ی اجرا در پروسه خط دهی فرهنگی مربوط به عفاف و حجاب اقدام نموده اند. بدیهی است که سیاست گذاری و تعیین مشی از اقدامات بنیادین در تعیین ساختار نظام اجتماعی است. سیاست گذاران با تدوین افق و چشم انداز آینده، مسیر پیش رو را مشخص می نمایند. این مقاله، ضمن مفروض انگاشتن تمایز عرصه سخت افزاری و نرم افزاری خط مشی گذاری فرهنگ به دلیل افزایش قدرت تحلیل موضوع، بر آن است که این تفاوت و تمایز را آشکار سازد و هماهنگی به وجود آمده را ناشی از این تفاوت بداند و در پایان راهکار های خود را برای افزایش هماهنگی و کاهش ناکارآمدی ناشی از این موضوع ارائه دهد.^۴

نمازی فر و سعادت (۱۳۸۹)، طی مطالعه ای به بررسی فقهی و حقوقی حجاب شرعی با رویکردی بر آرای امام خمینی پرداختند. حجاب یکی از مسلمات دین و ضرورت های شریعت اسلامی است که در جامعه اسلامی ما، علاوه بر جنبه اعتقادی و دینی آن، به صورت قانونی که برای همه بانوان با اعتقادات متفاوت لازم الاجرا است، درآمده است. البته این مساله امروزه با انگیزه ها و شیوه های گوناگونی مورد چالش قرار گرفته است. یکی از این چالش ها این است که در قانون ایران با آن که حجاب برای زنان اجباری بوده و بی حجابی نوعی جرم محسوب می شود اما فاقد تعریفی مشخص و بدون ضابطه معین بوده و تاکنون حدود و ثغور حجاب مدنظر نظام به صورت قانونی تعریف و تبیین نشده است. لذا این تحقیق درصدد است که با بررسی ماهیت و دلایل حجاب اسلامی از آیات و روایات، و الهام گیری از مبانی فکری حضرت امام خمینی ضمن ارائه طرحی برای پوشش بانوان در دولت اسلامی که منبعت از متون و نصوص دینی

^۳ حسینی، حسین، جهان دیده، زهیر، ۱۳۹۵، کیفیت حمایت از کاهش آسیب های اجتماعی بی حجابی در قلمروی قوانین کیفی، اولین همایش ملی آینده پژوهشی، علوح انسانی و امنیت اجتماعی

^۴ باقری میاب، شهلا، باقری، محمدرضا، ۱۳۹۲، الزامات همسویی نهادهای سیاست گذار و اجرایی در فرایند خط مشی گذاری فرهنگی عفاف و حجاب، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۳

است، با تعریف روشن و جامع از حجاب، از قوانین موضوعه رفع ابهام و اجمال کرده و در کنار آن با تبیین عناصر تشکیل دهنده این جرم آن را جرمی مسلم قلمدا کند^۹.

جنبه نوآوری تحقیق

با مروری بر پژوهش های صورت گرفته مشخص می گردد که تحقیقاتی زیادی در زمینه ی حجاب و پوشش به صورت دو بعدی مد نظر بوده اند. ولی کمتر پژوهشی به بررسی چند بعدی امر حجاب پرداخته است. با توجه به این که حجاب در جامعه به شکل سیستمی بوده و به صورت چندجانبه بر جامعه تاثیرگذار هستند. در این پژوهش به بررسی چند بعدی حجاب پرداخته خواهد شد و از این حیث پژوهش حاضر دارای جنبه نوآوری است.

سازماندهی تحقیق

در راستای دستیابی به هدف اصلی پژوهش حاضر، در پنج فصل تدوین گشته است. بدین صورت که فصل ابتدایی با عنوان طرح پژوهش بیان گشته که شامل کلیاتی درخصوص بیان مساله، اهداف، فرضیات و ضرورت تحقیق است، فصل بعدی که همان فصل اول تحقیق است با عنوان مفاهیم و مبانی مطرح شده و فصل دوم با عنوان سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران در قبال حجاب تدوین گشته همچنین در فصل سوم به بیان سیاست جنایی قضایی در قبال حجاب پرداخته و اما در فصل چهارم به بررسی سیاستهای اجرایی و مشارکتی جمهوری اسلامی ایران در قبال بی حجابی پرداخته و درنهایت به جمع بندی و نتیجه گیری و همچنین اثبات فرضیات پژوهش پرداخته ایم.

^۹ نمازی فر، حسین، سعادت، صالح، ۱۳۸۹، بررسی فقهی و حقوقی حجاب شرعی با رویکردی بر آرای امام خمینی، پژوهشنامه متین، شماره ۴۹.

فصل اول : مفاهیم و مبانی

مبحث اول: مفهوم حجاب

شارع مقدس جهت ایجاد جامعه سالم انسانی و هماهنگ با نظام هستی، شاخصه هایی را برای رفتار و روحيات بشر بیان کرده و آنان را به سوی بایدها و نبایدهایی دعوت می کند. از جمله این بایدها حفظ حدود و حریم های عمومی و خصوصی است که حجاب یکی از مصادیق بارز آن است.

گفتار اول: مفهوم لغوی حجاب

لغت شناسان این واژه را متعدی دانسته و آن را در معنای در پرده نهادن به کار برده اند. آنان بیان میدارند: «حجاب، یعنی پوشش و پرده که وقتی روی چیزی قرار میگیرد مانع رویت آن میشود.» همچنین بیان میدارند مانند زمانی که خورشید در ابر فرو می رود، که عرب می گوید: احتجب الشمس فی السحاب»^۶.

فیومی نیز این واژه را متعدی دانسته و آن را بیشتر به مانع معنا کرده برای مثال بیان میدارد به نگهبان حاجب میگویند چون مانع ورود است و در اصل حجاب به موانع جسمانی و مادی مثل پرده و ابر (که مانع دیدن افتاب است) گفته میشود هر چند که بر خی مواقع به موانع غیر مادی نیز اطلاق میشود.^۷

از توضیحات بالا میتوان فهمید که در میان اعراب، حجاب اولاً پوشش است دوماً مانع دیدن است. در این میان نظر علامه مطهری این فهم را تایید میکند بطوریکه ایشان میفرماید که حجاب هم معنای پوشیدن

^۶ابن درید، محمد، ۱۹۸۷، جمهره اللغة، بیروت، دارالعلم للملایین، ص ۳۲۷.

^۷فیومی، احمدین محمد، بی تا، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، بی جا، موششه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت، ص ۲۴۹.

میدهد و هم معنای مانع و پرده، هرچند که معنای اخیر بیشترین کاربرد را در استفاده از حجاب دارد. شهید مطهری این احتمال را مطرح میکند که ممکن است معنای پوشش داشتن این کلمه از آن جهت باشد که پرده وسیله پوشش است و بر همین مبنا بیان نموده که هرپوششی حجاب نیست و پوششی را میتوان حجاب دانست که شیئی پشت آن قرار گیرد و به عبارت دیگر پوششی که پرده باشد را حجاب میدانند.^۸

حجاب در لغت به معنای مانع، پرده، پوشش و ستر آمده است.^۹ دکتر معین در معنای حجاب این معانی را ذکر کرده است: ۱- پرده و ستر ۲- نقابی که زنان چهره‌ی خود را بدان پوشانند ۳- چادری که زنان سر تا پای خود را بدان پوشانند.^{۱۰}

این کلمه در قرآن و حدیث نیز در همین معانی فوق به کار رفته و معنایی جدای از موارد فوق الذکر به خود نگرفته. شهید مطهری می‌فرماید در قرآن کریم، غروب خورشید را در داستان سلیمان این گونه توصیف می‌کند: «حتی توارث بالحجاب»؛ یعنی تا آن وقتی که خورشید در پیش پرده مخفی شد. تعبیر حجاب با همین معنا در آیه ۵۱ سوره شوری و نیز در آیه ۵۳ سوره احزاب به کار برده شده است. در دستوری که امیرالمومنین علی به مالک اشتر نوشته است، می‌فرماید: «در میان مردم باش، کمتر خود را در اندرون خانه از مردم پنهان کن. حاجب و دربان تو را از مردم جدا نکند، بلکه خودت را در معرض ملاقات و تمام مردم قرار ده».^{۱۱}

^۸ مطهری، ۱۳۶۷، ص ۳۸۶.

^۹ جوهری، ۱۴۱۸، ص ۱۰۷.

^{۱۰} معین، ۱۳۷۱، ص ۱۳۴۰.

^{۱۱} شریف الرضی، محمدبن حسن، ۱۳۹۰، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، نامه ۵۳.

گفتار دوم: مفهوم اصطلاحی حجاب

این واژه در علوم دیگر از جمله پزشکی و عرفان معانی خاص دیگری دارد. حجاب از احکام ضروری اسلام است که عموم مسلمین در آن اتفاق نظر دارند. کتاب و سنت و فقه و سیره اسلامی بر حجاب صراحت دارند و منکر آن از صفوف مسلمین خارج است.

میتوان گفت حجاب به این معناست که زن را و او می دارد تا هرآنچه را که از وی برای شهوات و غرائز مردان جذاب و محرک باشد را از آنان بازدارد خواه از جسم وی یا رفتار وی. به عبارت دیگر حجاب خواسته ای فطری در درون زن برای پوشاندن مظاهر زنانگی است. حجاب امری است که در شریعت مقدس اسلامی بر آن تاکید فراوانی شده و به صورت نماد زندگی اجتماع یک زن مسلمان در آمده است. این موضوع درباره تبیین مفهوم جنسیت و تمایزات ذاتی میان مردان و زنان در مسائلی مانند نوع پوشش آنها به چشم می خورد. زیرا جنسیت به مثابه جنبه های روان شناختی، اجتماع و فرهنگی مرد بودن و زن بودن انگاشته می شود.^{۱۲}

یکی از ظرایف فرهنگ اسلامی که موجب استحکام و گرمی خانواده و مانع رشد فساد و تباهی جامعه می شود و جریان زندگی بشر را در مسیر اصلی خود قرار می دهد، حجاب اسلامی است. پوشش ظاهری زن مسلمان بخشی از حقیقت باطنی و بیان گر اندیشه ها و نظام ارزش های درونی اوست. هنگامی که این اندیشه در چارچوب نظام حاکم بر جامعه دینی کشورمان نمود می یابند، در صورت لزوم از نوعی حمایت کیفی نیز برخوردارند.

معنای اصطلاحی جدید حجاب آن را بیشتر در پوشاندن جسم و اعضا و جوارح زن متمایل میکند به این معنا که زنان باید در حدود مشخصی بدن خود را از کسانی که نامحرم شناخته شده میشوند بپوشانند. بی شک

^{۱۲} شاهپوند، عذرا، عزیزاده، فاطمه، ۱۳۹۵، بررسی مفاد فقهی و حقوقی جرم بی حجابی، اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی، ص ۱۴.

حجاب در این معنا از دستورات همه ی ادیان الهی بوده و از ضروریات دین مبین اسلام شناخته میشود که مورد نظر و اتفاق همه ی مذاهب اسلامی است.^{۱۳}

برخی معتقدند حجاب بر دو نوع است: حجاب ظاهری و حیا و عفت که حجاب باطنی است.^{۱۴} تقسیم بندی دیگری برای حجاب ذکر می کنند: ۱- حجاب به معنای مستوری ۲- حجاب چشم ۳- حجاب باب آرایش و عطریات ۴- حجاب راه رفتن ۵- حجاب در گفتار و صدای زن ۶- حجاب تبرج.

حجاب اسلامی صرفاً پارچه ای نیست که اندام را بپوشاند بلکه وسیله ای برای مصونیت زن و جامعه است. هدف از پوشاندن، حفظ کردن است البته حفظ کردن بدون پوشاندن نیز بی معناست. بنابراین حجاب مجموعه ای از رفتارهای ارتباطی است که پوشش صحیح نخستین مرحله آن است.

پدیده حجاب و پوشش از سه منظر دینی، هویتی و سیاسی قابل بررسی است چرا که از یک سو دستور اکید و صریح دین مبین اسلام است و از سوی دیگر نماد فرهنگ و هویت ایرانی می باشد و به همین خاطر همواره ظرفیت سیاسی شدن را دارد. سیاسی شدن مسأله حجاب یکی از مسائلی است که نظام جمهوری اسلامی ایران بایستی همواره از آن پرهیز کند، چرا که محور و ثقل نظام سیاسی بر اساس ارزش های دینی است و لذا به دنبال سیاسی شدن مسأله حجاب امکان تبدیل شدن آن به مسأله امنیتی افزایش می یابد بدون شک جهان بینی و انسان شناسی هر فرهنگ و مکتبی در انتخاب نوع و کیفیت پوشش پیروان تأثیر بسزایی دارد. جهان بینی هر فرهنگ که همان بیش و نگرش ما به هستی و پیرامون است آن قدر نقش دارد که تمام ارزش ها و الگوها و رفتارهای فردی و اجتماعی را در بر می گیرد.^{۱۵}

اما پوشش زن از احکام مشترک همه ادیان (یهودیت، مسیحیت، اسلام و...) است که هر کدام اهمیت و جایگاه آن را مورد توجه و تأکید قرار داده است. در متون یهود و مسیح نکته های زیادی در باب حدود و

^{۱۳} علیمردادی، مهناز، مهدی، محمد، ۱۳۸۹، حجاب و پوشش در ادیان زرتشت، یهود و مسیحیت، فصلنامه معرفت ادیان، شماره ۳، ص ۱۱۹

^{۱۴} اشغیعی مازندرانی، سیدمحمد، ۱۳۹۰، چیستی حجاب اسلامی-معناسناسی حجاب از منظر آیات حجاب، مجله علمی پژوهشی پژوهش های فقهی، ص ۵۴.

^{۱۵} ذوالفقاری، حسین، ۱۳۸۵، موانع و مشکلات ناجا در کنترل بدحجابی، فصلنامه مطالعات مدیریت انظامی، شماره ۱۲، ص ۶۵.

حریم زن یهودی و مسیحی که در ارتباط با اجتماع باید مورد توجه قرار دهد حائز اهمیت است تا جایی که رعایت نکردن آن نکته‌ها موجب بطلان ازدواج‌هایشان خواهد شد. حجاب تنها مسأله‌ای مربوط به اسلام نیست، مسأله‌ای فطری است.^{۱۶}

گفتار سوم: حجاب از منظر حقوق عرفی

در معنای عرفی حجاب نیز میتوان از معنای لغوی تبعیت کرده و گفت: از نظر عرف پوشش به این معناست که زن در مواجهه خود با نامحرمان، قسمت‌هایی از جسم خود را از آنان پوشانده و از هرگونه عشوه‌گری نیز خودداری نماید. حجاب در اصطلاح اهل عرفان عبارت است از آنچه حایل و مانع میان طالب و مطلوب باشد و آنچه مانع تجلی حقایق شود.

پوشش عرفی؛ یک نوع منش است که بدون دخالت حاکمیت به مرور زمان و به طور خود به خودی در میان همه‌ی افراد یا دسته‌ای از افراد متداول میشود و به آن عمل مینمایند و در میان خود آنان نوعی الزام را به همراه دارد. وقتی مقنن قانونی وضع میکند که باید بر جامعه اعمال و در آن اجرا شود باید در تدوین آن ملاک‌های عرفی را که در جامعه وجود دارد در نظر بگیرد تا نتیجه مورد نظر حاصل شود در غیر این صورت قطعاً در عرصه اعمال و اجرا با مشکل مواجه میشود و نتیجه مورد نظر حاصل نمیکرد. در تمیز بین قانون و عرف میتوان به ضمانت اجرای آن دو نظر داشت. در عرف افکار عمومی خود مسئول حراست از ارزش‌های عرفی می‌باشند بطوریکه اگر این ارزش‌ها مورد تعرض و نافرمانی قرار گیرند منجر به طرد فرد خاطی می‌شود اما در مورد قانون این گونه نیست و در مجازات افراد نافرمان نسبت به قانون حکومت دخالت میکند و مجازات با استفاده از قوه قهری اعمال میشود در مقام مقایسه بین این دو عرف حوزه

^{۱۶} بیگی، جمال، حیدرقلی زاده، جعفر، ۱۳۹۲، ممنوعیت حجاب زنان مسلمان در کشورهای غربی و مغایرت آن با موازین حقوق بشری، دوفصلنامه حقوق بشر اسلامی، ص ۴۳.

گسترده تری دارد چرا که افراد بیشتری در آن وجود داشته و به پاسداری از ارزش های خود میپردازند این در حالی است که معمولاً حکومت ها از دایره محدود تری برخوردار هستند.^{۱۷}

گفتار چهارم: حجاب از منظر حقوق شرعی

در فقه، این واژه به معنای لغوی خود که همان پرده حائل میان دو چیز باشد، به کار رفته است و معنای جدیدی برای آن ایجاد نشده است. در دوران متاخر، این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده است و به پوشش خاص زنان اطلاق گردیده است. شهید مطهری در این باره می گوید: استعمال کلمه حجاب درباره پوشش زن است، اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها، کلمه ستر که به معنی پوشش است به کار می رفته است.^{۱۸}

فقها چه در کتاب النکاح که معترض این مطلب شده اند، کلمه ستر را به کار برده اند، نه کلمه حجاب را. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می بردیم؛ زیرا چنان که گفتیم، معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در باب پوشش به کار برده می شود، به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوط نیز همین معنی را ذکر می کند و فتوای فقها هم موید همین مطلب است.^{۱۹}

^{۱۷}مقدم، ابراهیم، ۱۳۹۶، نقد و بررسی جرم انگاری بدحجابی در مقررات کیفری ایران، فصلنامه دانش انتظامی خوزستان، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان خوزستان، سال ۵، شماره ۱۸، ص ۱۲۵.

^{۱۸}مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ص ۱۰۷.

^{۱۹}فتاحی زاده، فتحیه، ۱۳۷۸، حجاب از دیدگاه قران و روایات، قم، نشر بوستان کتاب، ص ۶۴.

در آیات مربوط، لغت حجاب به کار نرفته است. آیاتی که در این باره هست، چه در سوره مبارکه نور، چه در سوره مبارکه احزاب، حدود پوشش و تماس های زن و مرد را ذکر کرده است، بی آنکه کلمه حجاب را به کار برده باشد. آیه ای که در آن کلمه حجاب به کار رفته است، مربوط به زنان پیغمبر اسلام است.

اما از لحاظ حقوقی و قانونی، قانونگذار در هیچ یک از متون و مواد قانونی حجاب شرعی را تعریف نکرده و علمای حقوق در بیان تعریف آن، به آیات قرآن و فقه مراجعه کردند. وجوب حجاب شرعی برای زنان از مسائلی است که تمام فقهای شیعه و اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند. دلیل اصلی فقها بر ضرورت حجاب برای زنان نصوص صریح کتاب الهی است که به بیان بهترین آیات وارد در این باب می پردازیم:

شارع مقدس در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور در کنار بیان ضرورت وجوب حجاب به عنوان یک تکلیف شرعی، به بیان حدود این پوشش نیز پرداخته و مردان و زنان را به غضّ بصر امر کرده است. غضّ (بر وزن خز) در لغت به معنی فرو کاستن و در اصطلاح به معنای کاهش دادن نگاه و ترک النظر است یعنی خیره نگاه نکنند. در واقع این آیات زن و مرد را از نگاه خیره و تند شهوانی که همراه با ریه است، نهی می نماید.^{۲۰}

پوشش شرعی؛ برخاسته از احکام دین است. داشتن حجاب برای زنان در دین مبین اسلام به گونه ای که غیر از صورت و کفین جای دیگری از بدن نمایان نباشد یا حرمت پوشیدن لباس زربفت برای مردان از این گونه است. گاه پوشش شرعی و عرفی بر یکدیگر منطبق هستند؛ به عنوان مثال استفاده از چادر به عنوان پوشش شرعی در عرف نیز مورد پذیرش قرار گرفته است.^{۲۱}

در کل باتوجه به شان نزول آیه و مطالب مذکور درباره اثرها، به این نتیجه می رسیم که قبل از نزول آیه زنان سرپوش های خود را به پشت سر می انداخته اند، که با این نحو پوشاندن سر، سینه ها و گردن هایشان

^{۲۰}نجفی، محمدبن حسن، ۱۳۶۸، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، به تحقیق شیخ علی آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ نهم، ص

۲۰۳.

^{۲۱}مقدم، ابراهیم، ۱۳۹۶، منبع پیشین، ص ۱۲۷.

ظاهر و آشکار بوده است، که با نزول این آیه مامور شدند سرپوش های خود را طوری ببندازند که موها و گردن ها و سینه ها نیز پوشانده شود.

با این توضیح پاسخ این شبهه نیز داده می شود که بعضی گفته اند، در آیات حجاب هیچ گاه مساله پوشش مو مطرح نگردیده است و شاید خواسته اند بگویند که پوشاندن مو امری الزامی نیست، اما مطابق آنچه در تفاسیر این آیه آورده شد قبل از نزول آیه، زنان موهای خود را می پوشانده اند، ولی اطراف روسری های خود را پشت سر می انداخته اند که با آمدن این آیه علاوه بر پوشاندن مو، موظف به پوشاندن گردن ها و سینه ها نیز شدند.

واژه جلاب در آیه ۵۹ سوره احزاب، در تعیین حدود حجاب شرعی نقش مهمی دارد و بازشناسی دقیق آن به چگونگی بحث در محدوده پوشش تاثیر فراوانی خواهد داشت. برای جلاب معانی مختلفی در کتاب های لغت و تفاسیر ذکر شده است برای مثال: آنچه از بالا تا پایین را بپوشاند مانند چادر، یا هر لباسی که زن آن را روی لباس هایش بپوشد مانند روپوش. پس جلاب، ملحفه و لباس بالایی و چادر مانند است، نه فقط روسری و خمار. برخی گفته اند جلاب لباسی است واسع که اوسع از خمار بوده و کمتر از ردا، که زن آن را بر سر خود می پیچد و فاضل آن را بر سینه فرود می آورد. پس جلاب، لباس گشاد و پارچه ای اسن که همه بدن را پوشانده و پوششی است که روی سرتاسر بدن را می پوشاند. همچنین گفته شده جلاب به روسری خاصی که بانوان در حین کار خارج از منزل، سر و روی خود را با آن می پوشاند اطلاق می شود.^{۲۲}

نکته قابل توجه در این آیه این است که خداوند حدود پوششی بیش از آنچه در سوره نور آمده را بیان می دارد. گویا خداوند برای همسران و دختران پیامبر و همسران مومنین، حجابی کامل تر و با دقت بیش تر را توصیه می نماید و آن پوششی سرتاسری است که از آن در تفاسیر به روپوش یا ملحفه یا چیزی همانند چادر تعبیر شده که به وسیله آن به طور سرتاسری اندام زن پوشیده شود و علاوه بر آن، می گوید که این

^{۲۲} طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۳، مجمع البیان، تهران، مکتبه الاسلامیه، ص ۹۳.

پوشش سراسری را رها نکنند، بلکه آن را به خود نزدیک کنند و به تعبیر ما، خود را به طور کامل بپوشانند تا به عفت و پاکی شناخته شوند و مورد آزار فاسقان قرار نگیرند. این همان حجاب برتر و کامل تر است که زنان با ایمان که در امر پوشش خود دقت بیشتری دارند آن را رعایت کنند. همچنین براساس آیه ۳۳ سوره احزاب، حجاب و پوشش زن باید به صورتی باشد که در برابر اجنبی منجر به خودنمایی و جلب توجه نشود و هرآنچه منجر به فتنه و فساد می شود بایستی از آن اجتناب شود. فقها در این مورد گفته اند: حجاب زن نباید لباس شهرت باشد و منظور از لباس شهرت لباسی است که پوشیدن آن برای شخص به خاطر رنگ یا کیفیت دوخت یا مندرس بودن آن و علل دیگر، مناسب نیست، به طوری که اگر آن را در برابر مردم بپوشد، توجه آنان را به خود جلب نموده و انگشت نما می شود. به عبارتی یعنی نه تنها پوششی برای زن محسوب نشده بلکه موجب جذب نگاه های افراد نامحرم نیز می شود و ملاک تعیین کننده در لباس شهرت عرف آن زمان و مکان است؛ یعنی ملاک تعیین کننده این است که پوشش در نظر عرف جلب توجه کننده و مفسده برانگیز باشد.^{۲۳}

بنابراین از نظر این آیه حجاب یک نوع پوشش اسلامی است که زن نباید در هنگام معاشرت با نامحرمان بدن خود را پنهان کرده و به جلوه گری یا خودنمایی نپردازد. حجاب اسلامی در این آیه می تواند دارای دو بعد باشد: ایجابی و سلبی. این دو حتما باید باهم و در کنار یکدیگر باشند تا حجاب مدنظر محقق شود. به طور کلی، در حجاب اسلامی باید در معاشرت زنان با مردان نامحرم یک حریمی به نام پوشش و حجاب وجود داشته باشد.^{۲۴}

^{۲۳} صانعی، یوسف، احکام بانوان، قم، انتشارات میثم تمار، ص ۸۲.

^{۲۴} حسینی زبیدی، محمدمرتضی، ۱۳۸۶، تاج العروس، دارالهدایه، ص ۱۴۲.

مبحث دوم: پیشینه قانون گذاری حجاب در ایران

گفتار اول: مفهوم بی حجابی

با توجه به مباحث یادشده، بی حجابی به معنای عدم رعایت پوشش در جامعه با در نظر گرفتن معیار های عرفی و در چارچوب احکام دینی است. از این رو، پوشیدن لباس های تنگ، بدن نما، تحریک کننده و بدشکل، پوشیده نبودن برخی مواضع نیازمند پوشش، آرایش نامناسب و نداشتن وقار لازم در اجتماع را می توان در مقوله بدحجابی گنجانده. در این میان بارزترین مفهوم بی حجابی در نظر مردم به پوشش بر میگردد.. به عبارت بهتر، چنانچه بی حجابی به گونه های مختلفی بروز یابد، عریان ترین مفهوم آن، نداشتن پوشش است^{۲۵}.

بی حجابی یکی از عوامل کم کاری و مانع فعالیت های اجتماعی است. حضور بی بندوبار زن در جامعه مانع حضور موثر و مفید زنان و مردان در اجتماع است. همچنین عدم پوشش مناسب مانع رسیدن به پیشرفتهای علمی و فرهنگی می گردد. اگر زنان یک جامعه به فلسفه حجاب پی ببرند و با اعتقاد به قبول منافع بی شمار حجاب اسلامی و عقلایی به آن پایبند باشند، افکار انسانها از هوسرانی منقطع گردیده و به تعالی هر چه بیشتر مدارج علمی و فرهنگی می انجامد.

گفتار دوم: قبل از انقلاب اسلامی ایران

دوران پهلوی اول نخستین بزنگاه تاریخی ایران است که حکومت درباره ی نوع پوشش زنان اعمال قدرت می نماید. مهم ترین ویژگی اعمال قدرت در این دوره، استفاده از اجبار در حذف چادر و پوشش در مورد زنان است که با نام «کشف حجاب» از آن یاد می شود.

^{۲۵} وردان، نرگس، ۱۳۹۳، رابطه و اثرات بدحجابی و بی حجابی در جوامع و پیگیری علت بروز آن، اولین همایش ملی فرهنگ عفاف و حجاب، بندر گز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر گز

کشف حجاب، واقعه‌ای که به دنبال تصویب قانونی در ۱۷ دی ۱۳۱۴ در ایران رخ داد و به موجب آن، زنان و دختران ایرانی از چادر، روبنده و روسری منع شدند. این قانون اوج سیاست‌های رضاخان در زمینه تغییر لباس بود که از سال ۱۳۰۷ آغاز شده بود. این سیاست‌ها واکنش‌هایی از جمله قیام مسجد گوهرشاد را در پی داشت. با درخواست علما، این قانون در سال ۱۳۲۳ در دوره حکومت محمدرضا پهلوی لغو شد.

پس از شهریور ۱۳۲۰ و ورود متفکین به خاک ایران و بر کناری رضا شاه و جایگزینی محمدرضا به جای وی اوضاع کمی تغییر یافت چار که شاه جوان از یک طرف پایه های حکومت نوپای خویش را سست می دید و از طرف دیگر از شدت انزجار و مخالفت مردم و خصوصاً روحانیون از قانون کشف حجاب مطلع بود فلذا چندان مایل به تداوم سخت گیری های پدرش در این مورد نبود در این میان نامه ایت الله سید ابوالقاسم کاشانی و ایت الله سید حسین طباطبایی قمی نیز در طی نامه هایی جداگانه از وی خواستند که سیاست های اعمال شده را تعدیل نماید همین فشارها و انگیزه های دینی نهایتاً منجر به لغو قانون کشف حجاب اجباری در سال ۱۳۲۳ گردید. انتشار دو فتوای «حاج حسین آقا بروجردی» و «حاج سید محمدتقی خوانساری» که دال بر لزوم حجاب و تحریم بی حجابی بود در آن روزها منتشر شد و از نظر فرهنگی و دینی مردم را به سمت حجاب تشویق کرد^{۲۶}.

البته پهلوی دوم در این نسبت به پهلوی اول با سیاست بیشتری رفتار مینماد چرا که وی نیز اهداف رضا شاه را دنبال مینمود ولی با این تفاوت که در واقع، پهلوی دوم با برنامه های حساب شده تلاش کرد تا فرهنگ غالب بر جامعه را به تدریج عوض نماید وی در این راه به جای استفاده از قهر و غلبه به ابزارهای فرهنگی که در آن روزگاران وام گرفته شده از غرب بودند برای مردم جذاب می نمود مانند سینما و تئاتر و موسیقی استفاده میکرد درواقع وی با این کار هم نظر اربابان غربی خود را در جهت همسو شدن فرهنگی جلب مینمود و هم چهره ای طرفدار حقوق زن و روشن فکر از خود به نمایش میگذاشت این در حالی بود

^{۲۶} باقری، شهلا، ۱۳۸۶، زن، دین، جامعه: تحلیل جامعه شناختی از مسائل زنان و خانواده، تهران، محراب، ص ۴۳.

که زنان در آن دوران از حقوق ابتدایی خود از جمله شرکت در انتخابات و حق تعیین سرنوشت محروم بودند.

قاعدتاً باید جرم انگاری در رفتارهایی به وجود آید که به فاصله گرفتن از هنجارهای جامعه متمایل می شوند. حکومت پهلوی در جهت عکس این قاعده به جرم انگاری هنجار پرداخت. مردم ایران همواره به دلایلی چون وجود تمدن و داشتن اصوات فرهنگی از یک طرف و از طرف دیگر وجود ارزش های پررنگ دینی در بطن مردم همواره به حجاب به عنوان ارزشی تغییر ناپذیر نگریده اند این در حالی بود که حکومت شاهنشاهی کاملاً در جهت خلاف این باور دینی و تاریخی مردم قدم برداشت و در صدد زایل کردن این ارزش ها در بین جامعه بدون در نظر گرفتن هیچ سیاست مقدماتی و به تبعیت صرف از غرب و بدون در نظر گرفتن سایر عوامل موثر در جامعه پرداخت.^{۲۷}

در سال ۱۳۰۷ اساسنامه لباس رسمی مأموران کشوری با هدف یکدست شدن لباس رسمی کارکنان دولتی به تصویب مجلس شورای ملی رسید، در همین سال قانون متحدالشکل نمودن البسه اتباع ایرانی در داخل مملکت نیز به تصویب رسید. علاوه بر اینها در سال ۱۳۱۴ از سوی رضا شاه پهلوی فرمان کشف حجاب صادر گردید، یک فرمان حکومتی که بر مبنای آن تمام پوشش زنان دچار تغییر و به گونه ای غرب گرایانه گشتند.

گفتار سوم: بعد از انقلاب اسلامی ایران

امام خمینی رحمه الله در بیان ارزش های غلط حاکم در زمان طاغوت گله مندی خود را این گونه بیان میکند:^{۲۸} در رژیم سابق شأن و مرتبت عبارت از آرایش مهوع و لباسهای کذا و کذا بود... آن روز بانوان اسلامی خجالت می کشیدند که با لباس اسلامی و لباسی که در آن مراعات شده باشد، [ظاهر بشوند] طبقات ضعیف هم اگر این کار را می کردند خجالت می کشیدند در بین قشرهای فاسد و مرفه بودند.

^{۲۷} نورزاد، مجتبی، ۱۳۷۸، دخالت دولتها در امر پوشش مردم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ص ۹۱.

^{۲۸} شکوری، محمد، ۱۳۹۰، حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه حجاب، مجله فرهنگ دانشگاه علم و صنعت، شماره ۹، ص ۷.

به طور کلی، غربی‌ها چون حامیان همه‌جانبه رژیم حاکم در ایران بودند فرصت حضور همه‌جانبه نیز در ایران پیدا کردند این حضور صرفاً به حضور نظامی و فیزیکی خلاصه نمی‌شود و فرهنگ آن زمان ایرانیان را نیز بشدت تحت تاثیر قرار داده بود به طوری‌که سبک زندگی ایرانی-اسلامی هرروز کم‌رنگ‌تر و سبک زندگی غربی هر روز بیشتر رخ می‌نمود. به همین خاطر هم هست که وقتی یک نویسنده آمریکایی یعنی خانم رایت به ایران سفر می‌کند در باب ایران مینویسد که انگار در خیابان‌های آمریکا قدم می‌زدم و همه چیز برایم آشنا بود و اصلاً احساس حضور در مملکتی غریب را نداشتم. وی حتی احساس راحتی خود را در ایران گاهی بیشتر از خود ایرانیان میدانند بطوریکه بیان می‌کند من در ایران هر کاری که می‌خواستم می‌توانستم انجام دهم و می‌توانستم هر لباسی بپوشم. این‌ها همه نشان از عمق فاجعه‌ای فرهنگی می‌دهد که چطور می‌شود که سردمداران یک ملتی که خود را وارثان شکوه تمدن پیشینیان آن سرزمین میدانند دچار خود باختگی شده و یک فرهنگ غنی را به تاراج دهند.

پانزده اسفند پنجاه و هفت، یک ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، زمانی که هنوز قانون اساسی تدوین نشده و به تصویب نرسیده بود، امام خمینی (ره) نسبت به وضعیت حضور زنان در ادارات دولتی انتقاد کرده و فرمودند: «که در ادارات اسلامی نباید حرامی رخ دهد نباید گناهی انجام شود. ما با فعالیت زنان در این وزارتخانه‌ها مشکلی نداریم بشرطی که حدود اسلامی رعایت شود زنان نباید برهنه باشند باید پوشش اسلامی رعایت شود» در واقع این تاکید بود بر سخنان امام (ره) در مصاحبه‌ای که در تاریخ هفتم دی همان سال، در پاریس فرمودند: «زن هرگز با مردی فرقی ندارد. دقیقاً به خاطر پایداری بر سر همان اصول است که در تیر ماه ۱۳۵۹، طی پیامی در پاسخ استعلام در مورد تعرض عده‌ای از افراد ناآگاه و احياناً ضدانقلاب، به بانوان بی‌حجاب، اعلام داشتند: «که این امکان وجود دارد که تعرض به خانم‌ها در جامعه از طرف منحرفین و ضد انقلاب باشد و این قبیل اقدامات برای مسلمانان از نظر شرعی حرام است و وظیفه نهاد های قانونی است که باین قبیل مسائل برخورد نمایند»^{۲۹}.

^{۲۹} همان، ص ۱۰.

قانون اساسی در هر نظامی چارچوب و شاکله اصلی آن نظام را مشخص میکند در جمهوری اسلامی نیز در مقدمه قانون اساسی این نظام را نظامی مکتبی و اسلامی میدانند. در قانون اساسی ایران اصل تفکیک قوا پذیرفته شده ب طوری که وظیفه قانون گذاری را به عهده قوه مقننه یعنی مجلس شورای اسلامی که متشکل از نمایندگان مردم است گذاشته است و این موضوع موجب شده که این نهاد به تدوین و تصویب قوانینی در خصوص نحوه پوشش افراد جامعه اسلامی اقدام نماید چرا که این موضوع همانطور که قبلا بیان شد از واجبات و ضروریات جامعه است. این تقنین ابتدا در ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات سال ۶۲ رخ نمود و این در واقع اولین قانونگذاری در راستای پوشش زنان به شمار می آمد که اکنون بصورت تبصره ای به ماده ۶۳۸ قانون مجازات سال ۷۵ اضافه شده است. همچنین در سال ۱۳۶۵ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندهگان لباسها نیز تصویب شد.

فصل دوم: سیاست جنایی تقنینی ایران در مورد عدم رعایت حجاب

مبحث اول: حجاب و سیاست های حکومتی ایران

در مورد دلیل ورود حاکمیت در مورد حجاب تا کنون بحث هایی شده و جواب های گوناگونی به این موضوع داده شده که میتوان این ادله را در سه دسته تفکیک کرد که در ادامه به آن میپردازیم.

گفتار اول: ادله حقوقی - سیاسی

در یک نظام سیاسی که همه ی ارکان آن توسط مردم بنیان نهاده شده بدیهی است که اقتدار و حاکمیت حاصل از این مشارکت مردمی در جهت حمایت از ارزش های همین جامعه به کار گرفته شود به عبارت بهتر این حاکمیت که قوه مقننه نیز جزئی از آن است باید در جهت همگانی کردن ارزش های مورد احترام اکثریت گام بردارد و نباید و نباید های اکثریت را مورد حمایت قانون قرار دهد. در واقع اگر حاکمیت به نحوه پوشش افراد ورود پیدا میکند به این دلیل است که آن را جزء حقوق عمومی تلقی می کند. بنابراین، اجبار قانونی حجاب، ولو مستند و محمل دینی هم نداشته باشد، بنیان دمکراتیک مبتنی بر حاکمیت قانون را داراست.^{۳۰}

گفتار دوم: ادله جامعه شناسی - فرهنگی

با در نظر گرفتن معیار های فرهنگی، حجاب دارای الزام قانونی است. بدین معنی که عرف جامعه به جهت احترام و مطلوب شمردن مسئله حجاب، که پیشینه ای تاریخی در فرهنگ و آداب ایرانی داشته، از آن استقبال و دفاع می کنند و به جهت جامعه شناختی و با مدنظر قرار دادن اصل احترام به آداب و رسوم ایرانی در زمینه فرهنگ بومی، حجاب شرعی موضوع ملزم به قانون است.^{۳۱}

^{۳۰} باقری میاب، شهلا، باقری، محمدرضا، ۱۳۹۲، الزامات همسویی نهادهای سیاست گذار و اجرایی در فرایند خط مشی گذاری فرهنگی عفاف و حجاب، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۳، ص ۵۶.

^{۳۱} قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ص ۸۹.

از دیدگاه جامعه شناختی کجروی های اجتماعی، انحراف دربردارنده دو بعد عملی و ذهنی هستند؛ در بعد عملی با رفتارهای کجروانه روبه رو هستیم بدین معنی که فرد قصد دارد رفتاری نو پدید آورد و نظم رفتاری جامعه را با هنجاری جدید باز تعریف کند، پدیده حجاب نیز می تواند در قالب چنی رفتارهای ناسازگاری در سطح جامعه نمایان شود.

در این ادله جامعه شناسی حجاب سعی بر این شده که از دیدگاه فرهنگی و تاریخی به این پدیده نگریسته شود و اساس ملزم قانونی حجاب را در پیشینه تاریخی اش مطرح گردد چرا که هر جامعه دربردارنده فرهنگ خاص خود است و اگر پدیده حجاب با فرهنگ دیگری در هم آمیزد، فرهنگ میزبان با فرهنگ مهمان در تعارض قرار گرفته و درنهایت نظم جامعه و خرده فرهنگ های سطح جامعه میزبان دچار دستخوش و تغییر می گردند.

در جامعه ای چون ایران به این قدمت و ریشه دار بودن این مسئله در ادوار تاریخی مشروعیت قانونی حجاب را دوچندان میکند چرا که به استناد سنگواره های بسیار کهن پوشش زنان همواره نزد ایرانیان دارای مرتبه ای خاص بوده است.

گفتار سوم: ادله اسلامی-انسانی

مهم ترین دلیلی که میتوان مبنای الزامی بودن و قانونی بودن حجاب قرار داد ادله اسلامی انسانی است. درست است که می توان از دلایل قبلی در جهت تبیین الزام قانونی حجاب بهره گرفت ولی هر یک نسبت را در خصوص حجاب شرعی مد نظر قرار داده و دائمی بودن آن را لحاظ نکرده اند.

مخالفین الزام قانونی حجاب معتقدند که حجاب را به دلیل فرهنگی تلقی کردن ان نباید ذیل قوانین تعریف کرد و نباید برای متخلفین ان مجازات قانونی وضع کرد چرا که حجاب برگرفته از قران به دلیل وضع خاص جامعه عرب انروز بنده است و هیچ دلیلی برای اجرای ان قوانین در جوامع مسلمان امروز وجود ندارد. حال آنکه ما به دلایلی همچون نقص عقل بشر و جاودانه بودن دین اسلام و صراحت خود قران کهدر ایه ۵۹سوره

انعام میفرماید: ((ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین)) که قران کتابی است برای همه ی دوران ها و همه زمان ها و از جهت دیگر ان امور و فلسفه ای که باعث نزول این احکام و آیات در ان زمان شده که در بالا بیان شد در زمان حال نیز وجود دارند. در اینجا نقش حاکم شرع و دولت اسلامی در قالب تعزیرات مهم جلوه می کند.

نتیجتا باید دانست که چون حجاب از ضروریات دین است و اهمیت ضروریات دین به حدی است که انکار ان به مثابه انکار دین است و در حکومت اسلامی که وظیفه اجرای حدود و احکام اسلامی را دارد و به طریق اولی باید از ارزش های اسلامی حمایت و انان را در جامعه تقویت کند و در مقابل نیز باید با مظاهر بی دینی نیز مقابله نماید فلذا از منظر کیفی ابزار این حمایت در حکومت اسلامی تعزیر است. که میزان و نحوه ان به دیدگاه حاکم و مقنن وابسته است. نتیجتا متقن ترین مبنای قانونی بودن حجاب همان مبنای اسلامی و شرعی است. از جنبه ی انسانی نیز با توجه به فطری بودن حجاب و علاقه غریزی انسان به حفظ خود از ناپاکی ها و گزند ها لزوم حفظ حجاب اشکار است هر چند ازین جنبه حدودی برای ان متصور نیست ولی همانطور که ذکر شد با توجه به سایر شاخصه ها و ادله حجاب این حدود هم مشخص است.^{۳۲}

مبحث دوم: سیاست جنایی ایران در خصوص حجاب

در این بحث، روندهای نظام سیاست نایی جمهوری اسلامی ایران در برابر موضوع حجاب و عفاف بررسی می شود. در همین راستا مفهوم شناسی سیاست جنایی خود، ضرورتی انکارناپذیر است.

^{۳۲} ایزی، محمدعلی، ۱۳۸۷، نقد و بررسی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب، حجاب و مسئولیت ها و اختیارات دولت اسلامی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ص ۳۸.

گفتار اول: سیاست جنایی

اگرچه مفهوم سیاست جنایی شناخته شده است اما تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است. این مفهوم در مسیر پیدایش خود تحول چشم گیری به خود دیده است، به نحوی که از یک مفهوم مضیق به مفهومی کاملاً وسیع تبدیل شده است. از نظر فوئرباخ سیاست جنایی عبارتست از حاکمیت تقنینی دولت و مجموعه روش های سرکوب کننده ای که دولت به وسیله ی آن ها علیه جرم واکنش نشان می دهد.

سیاست جنایی به شیوه های سرکوب گر دولت بر علیه جرم محدود شده است که دولت به وسیله ی آن در مقابل جرم واکنش نشان می دهد. بعد از جنگ جهانی دوم و تحت تاثیر ظهور مکاتب مختلف، سیاست جنایی از مفهوم مضیق کیفری خارج و مفهوم وسیع تری یافت و سیاست جنایی، واکنش سازمان یافته و سنجیده شده جامعه در مقابل اعمال مجرمانه را سامان بخشید. جامعترین و مانع ترین تعریف توسط استاد برجسته فرانسوی خانم دلمارس مارتی بیان شده است. از نظر وی سیاست جنایی عبارت است از مجموعه روش هایی که به وسیله ی آن بدنه ی اجتماعی پاسخ های خود را به پدیده ی مجرمانه سازمان دهی می کند. از نظر وی توسعه ی مفهوم سیاست جنایی به نحوی است که دخالت جامعه برای مبارزه با جرم و انحراف را شامل می شود. بنابراین باتوجه به مفهوم سیاست جنایی می توان گفت امروزه سیاست جنایی برخلاف دیدگاه دانشمندان گذشته که آن را شاخه ای از جرم شناسی یا حقوق جزای کاربردی به شمار می آوردند یک رشته ی مطالعاتی مستقل در علوم جنایی محسوب می شود که البته از یافته های سایر علوم نیز بهره می گیرد^{۳۳}.

سیاست جنایی یک کشور غالباً بدون این که مقامات مربوط متوجه آن باشند و یا قبلاً درخصوص تهیه و تدوین آن مطالعه کرده باشند پذیرفته و دنبال شده است. اما به عکس گاهی قوای عمومی آگاهانه و به منظور دستیابی به پاره ای اهداف و برحسب آن چه در یک مقطع زمانی در مورد پدیده ی مجرمانه می دانستند و باتوجه به داده هاییکه در مورد تفکر، فرایندهای روان شناختی و واکنش های بزهکاران و ابزارها

^{۳۳} نورزاد، مجتبی، ۱۳۷۸، دخالت دولتها در امر پوشش مردم، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق شهید بهشتی، ص ۷۲.

و امکانات عملی که ممکن است رفتار و کردار آنان را تحت الشعاع قرار دهد در اختیار داشته، سرکوبی جرم و مجازات را سازمان می دادند.

هرسیاست جنایی لزوماً مقطعی و مقید به زمانی خاص است. سیاست جنایی برای یک جامعه ی معین ایجاد می شود، جامعه ی امروز یا جامعه ی آینده ی نزدیک در صورتی که این جامعه قابل پیش بینی باشد. تنظیم و سازمان دادن سیاست جنایی برای نسل آینده بسیار دشوار است؛ لیکن باید از سیاست جنایی قدیمی که جرم زاست و با جامعه ی کنونی منطبق نیست اجتناب نمود. بدین سان ضرورت وجود یک سیاست جنایی در همه ی زمان ها و مکان ها، واقعه ی اجتماعی انکارناپذیر محسوب می شود. سیاست جنایی برخی اهداف را دنبال می کند، لیکن لازم است که پاسخ گوی یک هدف واحد باشد و آن هدف چیزی جز پیشگیری، کنترل و مهار بزهکاری نیست^{۳۴}.

سیاست جنایی به بیان ساده، به مفهوم پاسخ های کنشی و واکنشی در برابر پدیده بزهکاری است. کنشگران برنامه های راهبردی سیاست جنایی می کوشند تا در برابر هرگونه از بزه کاری، پاسخ های سنجیده و روزآمد را پیش بینی نمایند. این پاسخ ها به بیان ساده، به پاسخ های کنشی و واکنشی تقسیم می شوند.

بنابر این سیاست جنایی در معنایی امروزی خود ورود حکومت هارا به طور گسترده در حوزه های مختلف رد و در پی تقلیل ضمانت اجراهای دولتی در این زمینه است و بیشتر به دنبال به کار گرفتن مدل های ترمیمی است البته حاکمیت بر اساس سیاست جنایی مورد قبول خود ضمانت اجراهای لازم را تعیین و اعمال میکند^{۳۵}.

سیاست جنایی در چهارچوب یک استراتژی کلی که چیزی جز سیاست اجتماعی یک دولت معین یا مجموعه ای از دولت ها نیست، قرار می گیرد. یکی از مهمترین نمودارهای سیاست اجتماعی جمهوری

^{۳۴} باقری میاب، شهلا، باقری، محمدرضا، ۱۳۹۲، منبع پیشین، ص ۴۱.

^{۳۵} حسانی، محمدرضا، حسنی، حمید، ۱۳۹۶، منبع پیشین، ص ۵۷.

اسلامی ایران که در پرتودگرگونی های جامعه، ضرورت چاره اندیشی برای کژروی های احتمالی آن پیش می آید، بحث حجاب و عفاف است که در ادامه، پاسخ های کنشی و واکنشی در برابر آن بیان می شود.

گفتار دوم: پاسخ های کنشی

از آنجا که پیشگیری از جرم شامل هر نوع برنامه ای است که موجب کاهش سطح واقعی جرم و یا ترس از آن می شود. به نظر می رسد که با پردازش برنامه های پیشگیرنده در موضوع حجاب و عفاف، پیامدهایی پایدار و سودمند در این پهنه به وجود می آید. بنابراین طبیعی ست که پیشگیری خود بسیار بهتر از سرکوبی و پیگرد شهروندان بدحجاب و بی حجاب بتواند اهداف نظام سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران را در این باره محقق سازد.

برای نمونه، امروزه رسانه های گوناگون دیداری و شنیداری، در سرتاسر جهان گسترش یافته اند و توانسته اند بیشتر ساکنان کره زمین را در بازخورد پیام های گزینشی و غیرگزینشی خویش، از فرهنگی همسان متاثر سازند.

در همین راستا، بررسی اثرگذاری رسانه ها بر مفهوم حجاب و عفاف جامعه ایرانی خود موضوعی مهم است که مجال مستقلی را می طلبد. اما ناگفته پیداست که پخش فرآورده های جهت دار ماهواره ای برای دور ساختن شهروندان ایرانی از حجاب یکی از راهبردهای مهم برخی از آنهاست.

گفتار سوم: پاسخ های واکنشی

به دلیل ماهیت ویژه حجاب و عفاف طبیعیت است که گاه پیگیری پاسخ های کنشی و راهبردهای پیشگیرانه نتواند با کامیابی رویارو شود. از همین رو، پردازش رهیافت هایی مناسب برای سامان دهی پاسخ های مناسب واکنشی در برابر هنجار شکنی در حوزه حجاب و عفاف بسیار ضروری به نظر می رسد.

یکی از بزرگترین معضلات کشور ما طی سالیان گذشته، کم رنگ شدن تدریجی فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه و به ویژه شهر تهران به عنوان شهر الگودهنده به دیگر نقاط کشور بوده است. این واقعیت نشان می دهد که در کنار پاسخ های کنشی که در بیشتر موارد ماهیتی نرم و اقناعی دارند، ضروریست که گاه پاسخ های واکنشی سنجده و هدف مند در برابر هنجارشکنان انجام شود. نگاهی به مقدمه آیین نامه ستاد حفاظت اجتماعی، هدف تصویب آن را روشن می سازد؛ امر به معروف و نهی از منکر به عنوان ابزاری کارآمد و پیشرفته میتواند اثراتی بسزا در پیشگیری از این مسئله داشته باشد و همین مسئله ضرورت احیای امر به معروف و نهی از منکر را روشن میکند بسیار موثر و کارآمد اگر در راستای پیشگیری از جوانان و مومنین بهره برده شود که از این گناه در محلات و جامعه اطراف خود از رده خاطر میگردند بنابراین طرح در محله گروه های کوچک مردمی تشکیل میشود همچنین در کارخانجات، بازار، حوزه، دانشگاه، مدارس و اجتماعات بانوان و غیره چنین تشکیلاتی شکل می گیرد ... این گروه های کوچک به گردآوری و ارسال اطلاعات در مورد جرایم و مرتکبان آن ها مبادرت میکنند و سعی میکنند با اجرای صحیح امر به معروف و نهی از منکر، ضمن جلوگیری از وقوع جرم در جهت اصلاح اجتماعی و حراست جامعه بکوشند...»^{۳۶}.

درباره کیفرگذاری مناسب در برابر بدحجابی و بدپوششی، قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ حجاب و عفاف مصوب ۱۳۸۴ خورشیدی، قوه قضائیه را ناگزیر از پیشنهاد اصلاح قوانین، کارآمد کردن قوانین درخصوص پشتیبانی قضایی از ضابطان، برخورد با مجرمان و مقابله با باند های اشاعه دهنده فحشا، نموده است. بیان قانونگذار کشورمان به گونه ایست که جای هیچ گونه تردیدی را در لزوم پاسخ دهی شدید کیفری به گردانندگان گروه های گستراننده بی حجابی در جامعه باقی نمی گذارد.

^{۳۶} حسانی، جلال الدین، حسنی، حمید، ۱۳۹۶، نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه در پرتو رویکردهای نظام سیاست جنایی ایران، همایش ملی عفاف، حجاب و سبک زندگی، ص ۱۸.

مبحث سوم: ضرورت استفاده از قانون در امر بی حجابی

در فرهنگ اسلامی حجاب از جمله فرایض و بی حجابی گناه محسوب میشود و سعی قانونگذار بر آن است تا مقررات هر چه بیشتر بر اساس موازین و اصول فقهی تعیین شوند. ممکن است عده ای بر این باور باشند که در انجام عبادات و فرایض دینی قصد قربت مطرح است و نمی توان با قانون اشخاص را به یک فریضه دینی الزام کرد و به تعبیری دیگر نیازی به ورود قانونگذار در این عرصه احساس نمی شود.^{۳۷} به لحاظ فقهی طبق یک نظر، که مشهور فقها از آن پیروی کرده اند حاکم میتواند هر کسی را که عمل حرامی انجام داده است تعزیر (مجازات) نماید.^{۳۸} هر چند که مخالفانی هم در مقابل این نظر وجود دارند. توجه به این مسأله ضروری است که مسأله حجاب و عفاف در قلمروی مسایل فردی نمیگنجد بلکه مسأله ای عام و همگانی است. این تصور که نوع پوشش افراد، شخصی و به سلايق آنان مربوط میگردد، امری نامعقول و ناپذیرفتنی است زیرا شخص با نوع پوشش خود در جامعه و در بین آحاد مردم ظاهر شده و به تبع تاثیرات خود را اعم از مثبت یا منفی بر جای میگذارد.

گفتار اول: هنجار و الگوی قانونی

قوانین مجازات کشورها آینه ارزش های آنها محسوب می شوند، بدین صورت که جرم انگاری هر عملی به مثابه ی ضد ارزش بودن آن و شدت و حدت مجازات حاکی از ارزش والای آن است. هر چقدر مجازات سنگینتر و شدیدتر تعیین شود این معنا را خواهد داشت که ارزش بالاتری زیر پا گذاشته شده و به منظور مقابله با آن حکومت واکنش نشان می دهد. کشورهای متعددی پیرامون نحوه ی پوشش و حجاب شهروندان، متناسب با هنجارها و تفکر موجود در جامعه و سیاست کیفری حاکم بر آن، اقدام به وضع مقرراتی مینمایند.^{۳۹}

^{۳۷} مهدوی زادگان، ۱۳۹۰، ص ۷۸.

^{۳۸} نجفی، ۱۳۹۲، ص ۴۴۸.

^{۳۹} دورانت، ویل، ۱۳۶۹، تاریخ نمدن، ترجمه سهیل آذری، چاپ اول، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، ص ۸۴.

نظر به اینکه مسأله حجاب در جامعهی ایران به عنوان یک اصل فرهنگی و دینی ارزشمند مطرح است، قانونگذار در جهت حمایت از گسترش آن هنجارهای قانونی اعمال کرده است.

هرچند که دخالت قانونگذار کیفری علی القاعده آخرین اقدام در مواجهه با پدیده های ضد ارزشی است اما داشتن ماده قانونی و تعیین مجازات برای آن گاهاً ضروری به نظر میرسد. در فرایند جرم انگاری وجود نص قانونی شفاف، بدون ابهام و صریح لازمه ی حفظ حقوق شهروندی است و برای تعیین مجازات و پاسخ به ناهنجاریها از طریق قانون بایستی توجه کرد که مجازاتی که برای رفتارهای ضد ارزشی معین میشود، متناسب و به گونهای باشد که مورد پذیرش جامعه قرار گیرد چرا که در این صورت به متروک شدن آن می انجامد. قانونگذار در وضع قوانین از عرف الگو میگیرد. عرفی که در میان مردم یک جامعه به دلیل اکثریت انجام آن مورد پذیرش واقع شده و آن را به عنوان قاعده ای الزام آور تلقی می کند^{۴۰}. به تعبیری عرف اعتبار خود را از ضرورت های زندگی اجتماعی می گیرد چنانکه پس از چندی به نظر میرسد همگان بر این عادت رضایت ضمنی داشته و خلاف آن را جایز نمی دانند^{۴۱}. همان طور که گذشت در جرم انگاری و تعیین کیفر، فرهنگ حاکم بر جامعه باید لحاظ گردد چرا که چنانچه جامعه واکنش اجرای مجازات علیه رفتاری را به رسمیت نشناسد از طرق دیگری به حمایت از ارزشها اقدام نماید. در واقع اگر مؤلفه های کیفری نامطلوب به نظر بیایند در راستای کیفرزدایی باید از گزینه های مشابه دیگری استفاده کرد از جمله ضمانت اجرای اداری و انضباطی. بدین معنا که تا زمانی که امکان انتخاب راهکارهای غیر کیفری وجود دارد انتخاب شبکه ی کیفری سودمند نخواهد بود و مجازاتها تنها یکی از ابزارهایی هستند که میتوان از آنها بهره گرفت^{۴۲}.

^{۴۰} کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوق ایران، چاپ ۶۶، شرکت سهامی انتشار، ص ۱۷۸.

^{۴۱} اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، چاپ سی ام، نشر میزان، ص ۱۹۹.

^{۴۲} پرادل، ژ، ۱۳۹۲، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ هفتم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، ص ۷۰.

گفتار دوم: حجاب در سایه قوانین خاص

اولین قانونی که در آن به مسأله حجاب توجه شده بود، قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، مصوب 1360 بود که در ماده 18 آن عدم رعایت حجاب اسلامی با ضمانت اجرای توبیخ کتبی با درج در پرونده و یا اخراج و انفصال از خدمت همراه بود. دو سال بعد قانون هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری جایگزین آن شد و بی حجابی دارای ضمانت اجرای اداری در بند 13 ماده 8 قانون ذکر گردید. اما اولین قانونی که به صورت فراگیر و عمومی برای آحاد جامعه تصویب گردید قانون تعزیرات مصوب سال 1362 بود که ماده ۱۰۵ این قانون مقرر می داشت: « زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به تعزیر تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهند شد»^{۴۳}.

گاهی اوقات لباس هایی که دوخت و شکل ظاهری آن از وضعیت مناسبی برخوردار نیست، میتواند یکی از مصادیق و عوامل بی حجابی باشد از این رو قانونگذار با اقدامی جهت جلوگیری از توزیع اینگونه لباسها، قصد داشته که این نوع رفتارهای ضد ارزشی را در نطفه از بین ببرد. لذا در سال 1365 با تصویب قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباسهایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه دار میکند گامی در این راستا برداشت. در ماده ۲ این قانون بی حجابی به عنوان تخلف شمرده شد و ضمانت اجرایی از قبیل تذکر و ارشاد، توبیخ، تعطیلی محل کسب و ... برای آن پیش بینی گردید.

به نظر می رسد ضمانت اجرای پیش بینی شده توسط قانونگذار متوازن نیست به نحوی که قانونگذار ضمانت اجرایی سهل گیرانه ای از قبیل توبیخ، ارشاد و ... را در مورد تولید کنندگان لباس های غیرمعارف و در نقطه ی مقابل کیفر شلاق را برای مصرف کنندگان پیش بینی کرده است، درحالی که اهمیت رسیدگی و تعیین مجازات برای تولید کنندگان به مراتب بیشتر از مصرف کنندگان آن است. مصوبات کمیسیون سیاستگذاری در امور اجرایی مبارزه فرهنگی با مظاهر فساد وزارت کشور در سال 1371 که در راستای قانون

^{۴۳}نورزاد، مجتبی، ۱۳۷۸، دخالت دولتها در امر پوشش مردم، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق شهید بهشتی، ص ۸۲.

فوق الاشعار بود درخور توجه است. طی این مصوبه برخی از مصادیق البسه و آرایش غیر مجاز تعیین شده است.^{۴۴}

دین مبین اسلام به تعالیم اخلاقی اهتمام ویژه‌ای داشته و برای نیل به اهداف عالی و جلوگیری از بروز هنجارشکنی بر روش های تربیتی و آموزشی تأکید میکند و به شیوه های کنترل بیرونی مثل جرم انگاری نگاه مثبتی ندارد. علیرغم اینکه قوانین کیفی اگر تحت شرایط علمی، متناسب و معقول تدوین شوند میتوانند از هنجارها و ارزشها دفاع و حمایت کنند، اما اسلام در وهله ی اول آموزش را توصیه می کند و بر این است که نمیتوان از طریق جرم انگاری به آموزش فراگیر رسید و همگی را ملزم به رعایت آن کرد.^{۴۵} در واقع اگر رسانه ها و نظام آموزش و پرورش به ارزشها توجه بیشتری داشته باشند، خود در گسترش ارزشها و هنجارهای مطلوب، موثرتر خواهد بود تا اینکه قوانین به صورت اجباری و به تنهایی قصد اجرای ارزشها را داشته باشند. زیرا که قدرت مشروعیت نیافته در مواردی اثراتی را به دنبال میآورد که درست متضاد آن چیزی است که مد نظر بوده است.^{۴۶} در این راستا شورای عالی انقلاب فرهنگی در قانون راهکارهای اجرای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب مصوب 1384 کلیه ی نهادهای مرتبط با این موضوع از جمله صدا و سیما و وزارت فرهنگ و سایر ارگانها را با شرح وظایفشان در این موضوع احصا نموده است. در واقع این اقدام مطلع و نقطه ی آغاز خوبی برای حرکت به سمت نهادینه سازی فرهنگ حجاب در جامعه است و لذا مشارکت همه ی نهادها و اجرای کامل مصوبات و در عین حال نظارت دقیق بر آنان میتواند حرکت به سمت مطلوب را میسر سازد.^{۴۷}

از دیگر مصوبات میتوان به آیین نامه انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال 1374، آیین نامه اجرایی مدارس مصوب 1379 در شورای عالی آموزش و پرورش و قانون

^{۴۴} آیزی، محمدعلی، ۱۳۸۷، نقد و بررسی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب، حجاب و مسئولیت ها و اختیارات دولت اسلامی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول

^{۴۵} نوبهار، ر، ۱۳۹۰، اصل کاربرد کیمنه حقوق کیفری، مجله علمی پژوهشی آموزه های حقوق کیفری، دوره جدید، شماره ۱، ص ۱۰۷.

^{۴۶} قلی پور، آ، ۱۳۸۶، نقش دولت در نهادینه سازی حجاب، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دهم، شماره ۳۸، ص ۲۷.

^{۴۷} غلامی، علی، ۱۳۹۱، مساله حجاب در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه امام صادق، ص ۱۷۶.

رسیدگی به تخلفات اداری مصوب مجلس شورای اسلامی در سال 1372 نام برد که همگی آنها بی حجابی را به عنوان یک تخلف شناخته و ضمانت اجرای انضباطی علیه آن پیش بینی کرده اند.

گفتار سوم: تکیه حجاب بر تعزیرات

در قانون مجازات اسلامی در کتاب پنجم آن با عنوان تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده مصوب 1375، ماده 638 و تبصره ی آن به اعمال حرام و بی حجابی اختصاص یافته است. این ماده که جایگزین ماده ۱۰۵ قانون تعزیرات سابق الذکر گردیده مجازات حبس از ده روز تا دو ماه یا تا هفتاد و چهار ضربه شلاق را برای متظاهرين علنی به اعمال حرام در اماکن عمومی وانظار و معابر در نظر گرفته این مربوط به اعمالی است که خود عمل دارای کیفر باشد در غیر این صورت و در صورتی که عفت عمومی جریحه دار شود مرتکب به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.^{۴۸}

تبصره این ماده به یکی از مصادیق بارز ارتکاب حرام در علن یعنی بی حجابی میپردازد که نشان از توجه ویژه قانونگذار به این معضل رو به رشد دارد و مجازات حبس از ده روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال را برای مرتکبان مقرر میسازد. واژه ی بدون حجاب شرعی، به کار رفته در تبصره ی فوق واژه ی عامی است که کاملاً موضوع را روشن نساخته است. این چنین شرطی بدون ضابطه در قانون غیرقابل شناسایی است. در واقع مشخص نیست شخصی که اصطلاحاً بد حجاب است مشمول ماده می گردد یا اساساً هیچ گونه حجابی نباید داشته باشد. این طور ابهامات زمینه را برای سلیقه ای شدن آراء دادگاه ها مهیا می سازد.

برای نمونه در دادنامه شماره ۷۰۱۱۰۱ مورخ ۸۹/۸/۲۴ شعبه ۱۲۸ دادگاه عمومی جزایی مشهد این چنین می نویسد: « در خصوص اتهام خانم... دایر بر عدم رعایت حجاب شرعی در معابر... با توجه به گزارش

^{۴۸}شادی، صالح، ۱۳۸۹، مجموعه قوانین و مقررات پوشش در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، نشر ورجاوند، ص ۸۵.

پلیس امنیت اخلاقی و تصویر مأخوذه از متهم که حکایت از عدم رعایت حجاب شرعی است و ... اتهامش محرز می گردد».

به نظر می رسد محکومیت فرد صرفاً به دلیل ابهام در الفاظ قانونی است به شکلی که دادگاه بی حجابی را محرز دانسته و حکم مبنی بر مجرمیت وی صادر نموده است. اما در وضعیتی مشابه پرونده فوق، دادگاه بی حجاب بودن یکی از متهمین نمی برد و رأی بر برائت وی صادر می نماید.

در دادنامه شماره ۷۰۰۳۸۸ مورخ ۱۳۹۰/۲/۹ شعبه ی ۱۲۸ دادگاه عمومی جزایی مشهد مقرر می دارد: «درخصوص اتهام خانم ها... دایر بر عدم رعایت حجاب شرعی... درخصوص اتهام متهم ردیف دوم... نظر به اینکه عکس های اخذ شده از وی بی حجابی را نشان نمی دهد اتهام وی و حرز نیست...».

اینکه ضابطان دادگستری متهمین را به جرم بی حجابی دستگیر و تحویل مقامات دادسرا داده اند و همچنین اینکه مقامات دادسرا با احراز مجرمیت وی اقدام به صدور کیفرخواست علیه او نموده اند نشان از این امر دارد که از نظر آنان بی حجابی آن زن مشهود و محرز بوده است اما از طرفی مقام قضایی در دادگاه نظر به با حجاب بودن فرد می دهد و او را مجرم نمی انگارد. این اختلاف نظرها حاکی از ابهام موجود در قانون است که منتهی به رویه های غیر همسو می گردد^{۴۹}.

همچنین واژه ی عفت عمومی، مذکور در ماده ۶۳۸ علیرغم زیبایی ظاهری معنای دقیق و روشنی از آن مستفاد نمی گردد. وجود چنین شرطی در قانون میتواند به تضییع حقوق افراد جامعه و علی الخصوص متهم بیانجامد. ضرورت وجود چنین شرطی به عنوان یکی از شرایط جرم به این معنی است که ارتکاب فعل حرام لزوماً موجب جریحه دار شدن عفت عمومی نمی شود. در واقع برای قانونگذار میان ارتکاب فعل حرام و جریحه دار شدن عفت عمومی تردید وجود دارد. وجود ابهام در معنای اخلاقی در عفت عمومی راه را برای اعمال نظر شخصی باز می گذارد. مانند پرونده ی سابق الذکر که به دلیل ابهام قانونی شرط را محرز ندانسته و در عین حالی که امکان جریحه دار شدن عفت عمومی وجود داشته است حکم بر برائت متهم صادر می

^{۴۹} غلامی، علی، ۱۳۹۱، مساله حجاب در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه امام صادق، ص ۱۷۸.

کند. شاید در این فرض دلیل تبرئه فرد اشکال در ماده ی قانونی و عدم انطباق آن با مورد بوده است. نقطه ی مقابل این فرض هم قابل تصور است. شخصی که به دلیل ابهام قانونی حکم به مجرمیت او صادر می‌گردد. در چنین حالاتی منافع عمومی تامین نخواهد شد زیرا که اصالت جامعه از طریق سعادت و کرامت افراد آن میسر می‌گردد. با این اوصاف قانون ظاهراً در مقام حمایت از کاهش آسیبهای اجتماعی بوده که به نظر می‌رسد روش مناسبی نیست و قانون نیاز به بازنگری با الفاظی شفافتر و بدون ابهام دارد.^{۵۰}

در واقع رعایت اصل قانونی بودن جرایم یک مؤلفه ی مهم برای اثرگذاری هر چه بیشتر قانون محسوب میشود که مستلزم وجود جرم با ادبیات و الفاظ شفاف و قابل درک برای تمامی شهروندان است که با رعایت این اصل میتوان به تضمین حقوق شهروندان امید داشت.

از طرفی رویکرد قانونگذار در باب رسیدگی به جرایم با مجازاتهای خفیف با تحولات بسیاری همراه بوده است تا جایی که طبق ماده 34 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ رسیدگی به جرایم درجه هفت و هشت مستقیماً در دادگاه به عمل می‌آید و بر خلاف گذشته نهاد دادرسی در مورد آن اظهار نظر نخواهد کرد. اما باز هم این رویکرد در سال ۱۳۹۴ با تصویب قانون شورای حل اختلاف دستخوش تغییر شد. وفق بند ح ماده 9 قانون اخیرالذکر آن دسته از مجازاتهای تعزیری که دارای کیفر جزای نقدی درجه هشت هستند در صلاحیت رسیدگی شورا قرار خواهد گرفت و طبق تبصره 2 همان ماده شورای حل اختلاف نمی‌تواند حکم به شلاق یا حبس صادر نماید. با توجه به مجازات جرم بی‌حجابی که برابر ماده 18 قانون مجازات اسلامی درجه هشت محسوب میشود و تحولات قانونی صورت گرفته میتوان گفت عملاً مجازاتهای شلاق و حبس در مورد این جرم نسخ ضمنی شده اند و تنها ضمانت اجرای آن جزای نقدی خواهد بود که فقط از طریق شورای حل اختلاف و نه دادگاه به متهم تحمیل می‌شود.

^{۵۰}حسانی، جلال‌الدین، حسنی، حمید، ۱۳۹۶، منبع پیشین، ص ۲۷.

مبحث چهارم: مجازات بی حجابی در قوانین جمهوری اسلامی

گفتار اول: قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲

تا ابتدای سال ۱۳۶۲ قانون مدونی در رابطه با حجاب شرعی به تصویب مجلس نرسیده بود همانگونه که پیشتر مطرح گشت ابتدایی ترین قانون در این زمینه ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ بود که اکنون به صورت تبصره ای به ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ الحاق گشته است. این ماده مقرر می دارد زنانی که بدون حجاب شرعی در اماکن عمومی حضور می یابند، مستوجب تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق هستند.

این ماده قانونی کاستی های را در بردارند بدین صورت که میزان حجاب شرعی در آن توضیح داده نشده و این امر از صراحت این قانون می کاهد، همچنین قید معابر عمومی را نیز به طور واضح روشن ننموده است.

گفتار دوم: قانون نحوه رسیدگی به تخلفات فروشندگان لباس بی حجاب مصوب ۱۳۶۵

بدحجابی و میزان آن در بعد از انقلاب با فراز و فرود هایی همراه بود. وقتی که حجاب الزامی شد و به موجب قانون همگان ملزم به رعایت آن شدند بدلیل اینکه بی حجابی جای خود را به شل حجابی یا بدحجابی داد بی حجابی به اوج خود رسید در سالهای سازندگی به همین دلایل بود که دغدغه های مسائل فرهنگی پررنگ تر شد در سال ۱۳۶۵ در مصوبه قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس هایی که استفاده از آن ها در ملاعام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه دار می کند نکات بدیعی وجود دارد که ناشی از دغدغه های اوضاع جامعه آن روز بود. این قانون پوشش غیر مجاز را در دو دسته دسته بندی میکند^{۵۱}:

۱- پوشش هایی که نماد و نشان دسته جات یا سازمان های مخالف انقلاب و دین اسلام هستند:

^{۵۱} غلامی، علی، ۱۳۹۱، مساله حجاب در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه امام صادق، ص ۱۸۶.

بر مبنای ماده ۱ این قانون افرادی که عمداً لباس هایی که نشان مشخصه گروه های ضد اسلام و انقلاب را در بردارند و در ملاعام از آن استفاده کنند مجرم شناخته می شوند.

۲- لباس هایی سبب تبلیغ فساد و بی عفتی عمومی می گردند:

بر اساس ماده چهار همین قانون پوشیدن لباس هایی که خلاف حجاب شرعی باشد و موجب آسیب رساندن به عفت عمومی گردد، قابل توقیف و مجرم دانسته می شود.

در ماده ۴ در این قانون مقنن علاوه بر پوشش، آرایشی را هم که خلاف شرع یا موجب ترویج فساد یا هتک عفت عمومی باشد را مجرم شناخته و بدلیل فوریت اجتماعی داشتن محاکم را مکلف میکند که خارج از نوبت وی را محاکمه نمایند.

گفتار سوم: ماده ۶۳۸ ق.م.ا در جرم انگاری بی حجابی

بی شک در مورد جرم انگاری بی حجابی مهم ترین قانونی که میتوان پیدا کرد همین ت ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ دانست. بر مبنای این ماده هر شخصی به طور عمداً در اماکن عمومی عمل حرامی را انجام دهد، علاوه بر کیفر عمل، مستوجب شلاق و حبس نیز می گردد.

در تبصره این ماده که همان ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ است، آمده: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد».

بر مبنای دیدگاه مشهور فقها، حاکم شرع می تواند فردی را که عمل حرامی را انجام داده است، تعزیر نماید. مشهور فقها بر این نظریه تاکید دارند و در برابر آن برخی از جمله مرحوم محقق ادبیلی در اصل این حکم تردید کرده اند.^{۵۲}

^{۵۲} موسوی گلپایگانی، محمد رضا، بی تا، تقریرات الحدود و التعزیرات، چاپ سنگی، ص ۶۴.

فقهای موافق این نظر برای نظرشان دلیل شهرت عظیمه را اقامه نموده و در برخی موارد هرگونه نظر خلاف را رد کرده و دلایل لفظی و روایی خود را بیان داشته اند که به جهت رعایت اختصار در اینجا صرفاً به اشاره به آن‌ها بسنده میشود: روایاتی مانند دزدی علنی (الدغاره معلنه، کلینی، ۲۲۵/۷) و نبش قبر (ابن حیون، ۴۷۶/۲) قتل عبد (کلینی، ۲۸۳/۷) و همچنین در مورد علمای فاسق و طیبیان جاهل (ابن بابویه، ۳۱/۳) برخی از علما هم با فرض مشهور بودن این دیدگاه خود را از وادی اثبات چند چون این موضوع بی نیاز دیده و بیشتر در موضوعاتی چون حق یا تکلیف بودن تعزیر و اینکه مجری تعزیر قاضی یا امام است و یا گستره تعزیر به بحث پرداخته اند.^{۵۳}

^{۵۳} نجفی، محمدحسن، ۱۳۹۲، جواهر الکام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ص ۲۳۵.

فصل سوم: سیاست جنایی قضایی در قبال حجاب

مبحث اول: تحلیل و نقد ادله فردی بودن حجاب

گفتار اول: ادله فقهی و حقوقی

حجاب، دستوری قرآنی است که وجوب آن را نمیتوان انکار کرد و اگر شخصی از روی عمد این واجب را ترک کند، مانند بقیه گناهان عقاب خواهد شد. آنچه در این بین محل نزاع است، این است برخی گفته اند حجاب گرچه از ضروریات دین است و واجب است اما یک موضوع شخصی است و نباید برای حکومت حق ورود به آن را در قالب جعل قوانین محدود کننده و ایجاد ضمانتهای اجرایی، از جمله اعمال تعزیرات قائل شد، این نظریه، در متن خود این موضوع را مسلم فرض کرده است که حجاب از موضوعات فردی است نه اجتماعی؛ که اصولاً در دایره دخالت حکومت و حتی سایر مردم نیز قرار نمیگیرد؛ و چون تابع اراده و خواست فرد است، نمیتوان برای آن ضمانت اجرایی را از جانب غیر در نظر گرفت.

بند اول: حجاب مصداقی برای حریم خصوصی

بحث از فردی و اجتماعی بودن این حکم، پیوند ناگسستنی با حریم خصوصی دارد. حریم خصوصی را میتوان در چهار حوزه مجزا ولی مرتبط، مورد بررسی قرار داد^۴:

۱- حریم خصوصی ارضی

۲- حریم خصوصی اطلاعاتی

۳- حریم خصوصی ارتباطاتی

۴- حریم خصوصی جسمانی

^۴یازی، محمدعلی، ۱۳۸۷، نقد و بررسی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب، حجاب و مسئولیت ها و اختیارات دولت اسلامی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ص ۴۲.

براین اساس، میتوان دریافت که کسانی که بحث فردی بودن حجاب را بیان می کنند، منظورشان دقیقاً ملتزم شدن به لوازم حریم خصوصی است که قائلان به فردی بودن حجاب، میتوانند آن را در دو مصداق ذیل، عنوان کنند:

حجاب مصداقی برای حریم خصوصی اطلاعاتی: با توجه به مصادیق حریم خصوصی، شاید بتوان حجاب را جزء حریم خصوصی اطلاعاتی به شمار آورد؛ زیرا از جمله عقاید اشخاص است و بنابر آزادی عقیده نمیتوان کسی را ملزم به عقیده خاصی کرد؛ و کسی حق دخالت یا الزام، اعم از حکومت یا سایر مردم را ندارد. گاه ممکن است برای تأیید این گفتار، به ماده ۱۸ و ۱۹ اعلامیه حقوق بشر نیز تمسک کرده که به آزادی اندیشه، وجدان و دین مربوط می شود و در آن آمده کسی در برابر ابراز عقیده دیگری، حق دخالت ندارد. البته در اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تفتیش عقاید ممنوع شده است.^{۵۵}

در نقد نظر فوق نکات زیر قابل تأمل است:

اول: اظهار حجاب یا عدم آن با توجه به تعریف حریم خصوصی اطلاعاتی که به حمایت داده ها نیز تعبیر میشود، جزء مصادیق حریم خصوصی نیست؛ چرا که در تعریف آن بیان شده است: « حریمی که دربرگیرنده قواعد حاکم بر پردازش داده ها و اطلاعات مربوطه به اشخاص است».

دوم: بر فرض پذیرش حجاب به عنوانی مصداقی برای این حریم، باید فرق بین اندیشه و عقیده را دانست؛ « منظور از عقیده، اندیشه ای است که به باور تبدیل شده است و صاحب آن، به آن اندیشه، ایمان و اعتقاد دارد، به عبارت دیگر آن را به عنوان یک حقیقت پذیرفته است. در حالی که اندیشه یک تفکر صرف است که هر آن ممکن است تغییر یابد و صاحب آن به امکان و احتمال تغییر در صورت ارائه اندیشه ای بهتر اعتراف می کند». لذا باید بررسی شود عدم عقیده به حجاب، اعتقادی صحیح است یا بر اساس تقلید یا تحت

^{۵۵} اسکندری، مصطفی، ۱۳۸۹، ماهیت و اهمیت حریم خصوصی، حکومت اسلامی، سال ۱۵، شماره چهارم، ص ۶۸.

تأثیر بودن یا نداشتن شناخت و... بوجود آمده است که در این صورت باید زمینه های آگاه سازی فرد فراهم شود.^{۵۶}

سوم: بر فرض پذیرش این مطلب که بی حجابی عقیده ای مبتنی بر دلیل است، باید دانست که عقیده به حجاب یا عدم آن، با اظهار این عقیده تفاوت دارد و نظامی که بر اساس دین و اعتقاد به خدا و ماورای طبیعت پدید آمده است و حکومت آن، اسلامی است، باید در آن قوانین اسلامی هم رعایت شود، نباید تظاهر به منکرات در جامعه اسلامی انجام بگیرد. حتی در مورد اقلیتهای مذهبی هم که در کشور اسلامی هستند، یکی از شرایط عدم تظاهر به منکرات اسلامی است.

چهارم: بر فرض پذیرش آزادی ابراز عقیده برای همه، باید در نظر داشت که این حق با حق بهره مندی از فضای مناسب دینی که یکی از شاخه های حق دین و دین داری است تزاخم میکند. حق بهره مندی از فضای مناسب دینی یکی از مسلماتی است که در فقه پذیرفته شده است و اسلام گاه برای تأمین این حق مقرراتی را نیز وضع می کند؛ برای مثال، اگر کسی آشکارا در ماه مبارک رمضان روزه خواری کند، مجازات می شود؛ همچنین در ایام حج، مقررات امنیتی خاصی برای ادای این فریضه الهی از جمله حرمت حمل سلاح و... وضع گردیده است تا مسلمانان به خوبی بتوانند حج خویش را به جای آورند. حال با توجه به این حق و اینکه در جامعه اسلامی که اکثریت آن مسلمان هستند و باید به قوانین اسلامی پایبند باشند، اگر کسی حکم ضروری حجاب را نادیده بگیرد و علناً فضا را غیر اسلامی کند، حق نوعی بر حق فردی تقدم پیدا میکند؛ چراکه در همه مکاتب حقوقی، در تعارض حقوق فرد با مصالح یک جامعه، مصلحت نوعی بر مصالح شخصی و به تعبیری بر حریم خصوصی فرد، مقدم است.^{۵۷}

^{۵۶} جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، زن در آئینه جمال و جلال، محقق محمود لطیف‌ریال قم، اسراء، چاپ نوزدهم، ص ۱۲۴.

^{۵۷} زیبایی نژاد، محمدرضا، ۱۳۸۷، نظام اسلامی و مساله پوشش زنان، نظام اسلامی و مساله حجاب، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چاپ اول، ص ۵۹.

بند دوم: حق بودن حجاب برای زن

گاهی اینگونه تصور میشود که داشتن پوشش برای مرد و یا زن یک حق فردی تلقی میشود؛ و از آنجاکه حق آنهاست و با توجه به ویژگی اسقاط پذیری حق میتوانند این حق را اسقاط کنند و یا از آن به هر نحو دیگری خواستند، بهره برداری کنند.^{۵۸}

در نقد بیان فوق توجه به نکات زیر ضروری است:

نکته اول: مبنای حقوق اسلامی اراده شارع است. شارعی که خالق و حکیم است و انسان را عبث خلق نکرده است؛ و اراده شارع بر این است که هر کجا حقی است، تکلیفی نیز وجود دارد. نگرش عمیق و بی غرضانه به آیه های حجاب نیز به روشنی مینمایاند که حجاب، افزون بر اینکه حق و تکلیف شخصی بانوان مسلمان است بلکه جنبه تکلیفی آن قویتر است، جامعه دینی نیز تکلیفی در مقابل این حق دارد؛ و البته حکمت تکلیفی بودن پوشش و حجاب که در این آیات آمده است، این مطلب را تأیید می کند.^{۵۹}

نکته دوم: باید دانست که حق بودن حجاب به معنای آن نیست که میتوان آن را ساقط کرد و بدون پوشش بود؛ بلکه به این معناست که کس دیگر اعم از دولت و غیر دولت نمی تواند به نداشتن آن فرمان دهد. این حق مانند حق حیات است که کسی نمیتواند به آن تعرض کند؛ ولی صاحب حق نیز نمیتواند این حق را از خود اسقاط نماید و این اقدام مشروعیت حقوقی نخواهد داشت.

نکته سوم: هر چند میتوان پذیرفت که پوشش حق زن است؛ اما حجاب به معنای شرعی آن اصلاً جزء حقوق زن نیست که بخواهد اسقاط کند و جزء حقوق الهی است. چرا که وقتی قرآن کریم علت لزوم حجاب را در فلسفه آن بازگو میکند و میفرماید « برای اینکه شناخته نشوند و از آزار در امان باشند چرا که آنان نمود عینی عفاف در اجتماع هستند».

^{۵۸} جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، حق و تکلیف در اسلام، محقق مصطفی خلیلی، قم، اسرئیل، چاپ سوم، ص ۶۹.

^{۵۹} احزاب/ ۵۹

ایت... جوادی آملی در این خصوص مینویسد: « عصمت زن، حق الله است و به هیچ کسی ارتباط ندارد... ایشان در ادامه میفرماید که خداوند اینقدر به زن اعتماد داشته و وی را والا شمرده که او را امانتدار خود معرفی نموده و حرمت خود را که حق خود اوست به وی امانت داده و فرموده "که تو امین من هستی و این امانت حفاظت کن" ^{۶۰} »

بند سوم: عبادی بودن حجاب

برخی معتقدند که چون حجاب جزء احکام عبادی و فردی است؛ بنابراین، این مسأله، یک تکلیف شخصی محض است نه یک مسأله اجتماعی؛ و حکومت دینی حق الزام در اعمال و فرایض عبادی را ندارد؛ زیرا اعمال عبادی منوط به قصد قربت است و چنین قصدی باید از روی اعتقاد قلبی صادر شود. از جمله امور عبادی که به قصد قربت نیاز دارد، حجاب است ^{۶۱}.

این دلیل خود مشتمل بر چند مطلب است که هر یک جداگانه مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.

اول: حجاب امری عبادی است پس فردی محسوب می شود نه اجتماعی؛ دوم: حجاب چون عبادی است، نیاز به قصد قربت دارد پس نمیتوان کسی را به آن الزام کرد و این همان فردی بودن مسأله را می رساند نه اجتماعی بودن آن را ^{۶۲}.

نقد بیان اول به این است که اولاً تنها برخی اعمال که در آنها پرستش باشد، عنوان تعبدی را خواهد گرفت که مسلماً حجاب جزء اینگونه اعمال نیست. ثانیاً اگر حجاب را جزء اعمال تقریبی غیر تعبدی بدانیم باید این مسأله حل شود که آیا هر عملی که قصد قربت در آن شرط است، فردی می باشد و یا اینکه ملازم های بین این دو نیست.

^{۶۰} منبع پیشین، ص ۷۲.

^{۶۱} حکمت نیا، محمود، ۱۳۹۰، حقوق و مسئولیت های فردی و اجتماعی زن، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ص ۸۲.

^{۶۲} صدر، شادی، ۱۳۸۲، آیا حکومت مسئول بی حجابی ایت؟، ماهنامه زنان، شماره ۱۰۳، ص ۱۲۹.

با مراجعه به ابواب مختلف فقه درمی یابیم که برخی عبادات نظیر خمس و زکات هم جنبه فردی دارند و هم اجتماعی و چه بسا جنبه اجتماعی این اعمال بر جنبه فردی آن غلبه دارد؛ و حتی برخی عبادات نظیر نماز و حج که عباداتی فردی محسوب می شوند، نیز با مسائل اجتماعی و سیاسی و امور دنیایی پیوند دارند. بنابراین رابطه تساوی بین عمل تقریبی و فردی برقرار نیست و اینها لازم و ملزوم هم نیستند و حداکثر میتوان رابطه عموم و خصوص من وجه را تصور کرد.

در نقد بیان دوم باید گفت که عمل به فرایض غیرعبادی به معنای کنش غیرعبادی نیست و هرگاه به قصد تقرب و اطاعت انجام شود، تقریبی محسوب میشود؛ بنابراین این که حکومت دینی چگونه و در چه حدی میتواند اتباعش را به امری ملزم نماید؛ فرع بر پذیرش اصل موضوع الزام است که چنین چیزی عقلاً و نقلاً ممکن است. اما پاسخ اساسی تر این است که در شریعت اسلامی رعایت حجاب به قصد قربت مشروط نیست. هیچ فقیه ی رعایت حجاب اسلامی را مشروط به قصد قربت نکرده است و فقها آورده اند، زن باید بدن و موی سر غیر از صورت و دستهای خود را از مرد نامحرم بپوشاند. لذا حجاب جزء اعمال تقریبی نیست و پایه استدلال صحیح نمی باشد^{۶۳}.

بند چهارم: نبودن مجازات در صدر اسلام

گفته شده: «در مورد حجاب نه تنها شواهدی مبنی بر حکومتی بودن آن وجود ندارد، بلکه مواردی در تاریخ شیعه وجود ندارد که زنی به دلیل رعایت نکردن حجاب، مجازات شده باشد. هر جا امری، مجازاتی داشته، در کتب روایی، جزء جزء آن ذکر شده است، اما در مورد حجاب، نه تنها روایتی در این زمینه نداریم، بلکه احادیث زیادی وجود دارد که الزام زنان به رعایت حجاب و همچنین تقصیر آنان را در ترک حجاب به

^{۶۳} طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ص ۲۳۸.

گردن شوهرانشان می گذارد نه حکومت. حتی مجازات بی حجابی به عنوان تعزیر هم سابقه ندارد. احکام مربوط به حجاب هم مثل نماز و روزه و نه مثل احکام حقوقی، فاقد ضمانت اجرای اجتماعی است.^{۶۴}

«در هیچ یک از متون تاریخی نیز برخوردی از ناحیه حکومت اسلامی و یا از امام معصوم علیه السلام گزارش نشده است؛ بنابراین حکمی کاملاً خصوصی بوده که حکومت حق دخالت در آن را ندارد». این بیان دو مسأله را لازم و ملزوم یکدیگر دانسته و آن نبود مجازات ترک حجاب در صدر اسلام و اجتماعی بودن یک چیز است؛ بدین معنا که هرگاه امری فردی شد، تارک آن مجازات نخواهد شد.

در پاسخ به بیان فوق اول آنکه گزارش تاریخی یا عدم آن جزء منابع استنادی فقهی محسوب نمیشود؛ چراکه فقیه پس از دستیابی به ادله لفظیه قانع کننده، هیچ گاه به انتظار سندی تاریخی از اجرای حکم نمی نشیند مگر بنابر این بوده است که تمام فعالیت های اجتماعی به کل اسناد تاریخی منتقل شوند.

در ضمن اگر ادعا شود این مسأله به عنوان سیره متشرعه مطرح است که یکی از منابع اصیل فقهی است و از آنجا که در زمان پیامبر و ائمه (علیهم السلام) چنین رویه ای نبوده است، لذا استنباط می شود که حجاب امری اجتماعی نیست و حکومت حق دخالت را ندارد. در جواب باید گفت؛ اولاً سیره از جمله دلایل لُبی بوده که باید به قدر متیقن آن عمل نمود و از اطلاق آن به مانند ادله لفظیه نمیتوان بهره جست؛ با این وصف اگر بپذیریم در صدر اسلام، با پدیده بی حجابی برخورد الزام آور یا بازدارنده نمی شده، تنها نتیجه آن، عدم لزوم مداخله حکومت است نه عدم جواز آن؛ ثانیاً اگر گزارش های تاریخی نمایانگر تسامح معصوم علیه السلام در برابر اجرای حکم می بود، میتوانست به عنوان قرینه ای در کنار قرائن دیگر ملاحظه شود که چنین چیزی هم ثابت نیست بلکه با ادله روایی قابل نقض است.^{۶۵}

دوم آنکه: آنچه در مقام واقع قابل مشاهده است، گزارش های تاریخی حاکی از حساسیتهای معصومان علیهم السلام و جامعه اسلامی به این پدیده است؛ از جمله: پیامبر اکرم (ص) در فرمانی خطاب به عمرو بن حزم

^{۶۴} طوسی، محمدبن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، مکتب المرتضویه، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۳۰۲.

^{۶۵} غلامی، علی، ۱۳۹۱، مسأله حجاب در جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ص ۹۳.

که به عنوان والی نجران منصوب شده بود، می فرمایند: «این بیانی است از سوی خدا و رسول او... و مردم را از اینکه لباس کوچکی بپوشند که عورتشان آشکار شود، بازدارد و از اینکه کسی موهایش را پشت سرش انباشته کند، نهی می کند»^{۶۶}.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در زمان خلافت و به عنوان حاکم به مردم عراق می فرمایند: «آیا شرم نمی کنید و به غیرت نمی آید که زنانتان راهی بازارها و دکانها میشوند و با افراد بی دین برخورد می کنند»^{۶۷}.

سوم آنکه: به نظر میرسد ملازمه ای بین فردی بودن عملی و عدم قرار دادن مجازات در صدر اسلام نباشد؛ زیرا برای اینکه برای عملی مجازات تعیین شود، ملاکهای خاصی وجود دارد نه آنکه ملاک فردی یا اجتماعی بودن آن باشد. برخی مجازاتها در اسلام در چهار حوزه حدود، قصاص، دیات و تعزیرات است و ملاک جرم انگاری در قسمت های مختلف تفاوت می کند و در هیچکدام تلازمی بین فردی بودن و مجازات وجود ندارد؛ به طور مثال جرم زنا یا استعمال مواد مخدر و روان گردان یک جرم فردی محسوب میشود، با این حال برای آن مجازات تعیین شده است. لذا پایه استدلال درست نمی باشد. با این اوصاف اگر ادعا شود چون شارع برای بی حجابی مجازات تعیین نکرده، پس هم اکنون نیز نباید مجازات برای آن قرار داده شود؛ این ادعا، ادعای دیگری است که ملاک برای جرم انگاری را تعیین و تصریح شارع دانسته است و پرواضح است که این مسأله ربطی به فردی یا اجتماعی بودن یک حکم ندارد.

چهارم آنکه: نکته ای که در بحث جرم انگاری بی حجابی قابل توجه است توجه به عنصر زمان و مکان است. در چند دهه اخیر ایده دخالت حداکثری حکومتها در شؤونات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مطرح شده درحالیکه در دوران گذشته بسیاری از مداخله ها توسط خانواده، طایفه و مردم انجام می گرفت و دولت نقش ناظر و هدایتگر کلی و مداخله گر موردی را ایفا می کرد. در جوامع گذشته غالباً دولت ها کوچک بودند و نیروهای انتظامی را تعدادی اندک تشکیل می دادند که مأمور مقابله با ناامنی و پاسخ به مراعات و اجرای

^{۶۶} همان، ص ۹۲.

^{۶۷} فاضل مقداد، مقدادبن عبدالله، ۱۴۱۹، کنزالعرفان فی فقه القران، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ص ۴۲۳.

حدود بودند؛ آن هم نه ضرورتاً به این دلیل که حکومت خود را ممنوع از مقابله با گناه و جرمی میدید بلکه به این دلیل که مردم خود اقدام میکردند و دولت ضرورتی به مداخله در هر امری نمی دید؛ بنابراین عدم تصدی گری دولتی در مواردی چون حفظ حجاب این نتیجه را نخواهد داشت که دولتهای جدید که شأن خود را مداخله در بسیاری از امور می دانند نیز حق دخالت در موضوعاتی چون حجاب را ندارند.^{۶۸}

پرواضح است که مداخله دولت در امور اجتماعی، همواره به معنی برخوردهای خشن و قضایی مثل پیش بینی مجازات یا اعمال آن نیست. بلکه می توان گفت بین ترویج مسایل فرهنگی، از جمله حجاب و عفاف و تدابیر فرهنگی و عقلانی در این خصوص ملازمه وجود دارد.

گفتار دوم: ادله قرانی

از جمله ادله قرانی در این زمینه عبارتند از:

بند اول: عدم تصریح به اجتماعی بودن

قاسم امین یکی از نظریه پردازان مسلمان عرب که تحصیل کرده پاریس بود. تحصیل در فرانسه، تأثیر خاص خود را بر او گذاشته بود. قاسم امین ابتدا کتاب تحریر المرأه را نگاشت و پس از آن در کتاب المرأه العصريه یا المرأه الجديده به پاسخگویی به انتقادهایی که از وی شده بود، پرداخت. وی بحث حجاب را مانع بر سر راه رشد و ترقی زن می دانست و معتقد بود حجاب یک امر فردی است؛ وی در این باره مینویسد: «اگر نهی در متون دینی باشد که بر وجوب حجاب، دلالت کند، قطعاً دلیل بر اجتماعی بودن آن نیست، چون نه در قرآن و نه در روایت، مطلبی نیست که بر اجتماعی بودن حجاب دلالت کند، پس اگر واجب بودن آن ثابت

^{۶۸}قرآنی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ یازدهم

میشد، قطعاً اجتماعی بودن آن به دست نمی‌آید؛ زیرا آن حکم، تنها بر وجوب آن دلالت می‌کرد نه بر اجتماعی بودن آن»^{۶۹}.

نویسنده دیگری می‌نویسد: «تقریباً در همه کتابهای تفسیر آمده که دلیل نزول آیات حجاب، جدا سازی زنان آزاده از کنیزان به جهت جلوگیری از آزار مردان بوده. حال با وجود، آیا میتوان حجاب را یک امر اجتماعی دانست؟»^{۷۰}.

مبنای استدلال فوق بر این پایه است که حکمتهای مطرح شده در آیات، با اجتماعی بودن حجاب سازگار نیست؛ اما با بررسی آیات حجاب، مشخص می‌گردد که اولاً؛ خداوند متعال به برخی حکمتهای این واجب اشاره کرده است از جمله حفظ حرمت و احترام زن، کاهش خطا و خطر و مصونیت زن، پرهیز از مفسده و طهارت قلبی انسانها و بیان این حکمتها به معنای این نیست که تمام فلسفه حجاب در این امور نهفته است؛ بلکه قرآن کریم به بخشی از این وجوه اشاره کرده است. ثانیاً؛ هر چند حفظ احترام، پرهیز از مفسده و یا طهارت قلبی و ... یک امر شخصی محسوب می‌شود ولی تعریف و لوازم آنها منحصر در حوزه شخصی نیست؛ مثلاً در مورد احترام، این مسأله در تعامل با سایرین شکل می‌گیرد و به فرموده علامه طباطبایی که در تفسیر آیه آورده است: «پوشاندن همه بدن به شناخته شدن به اینکه اهل عفت و حجاب و صلاح و سدادند، نزدیکتر است، در نتیجه وقتی به این عنوان شناخته شدند، دیگر اذیت نمی‌شوند، یعنی اهل فسق و فجور متعرض آنان نمی‌گردند». نشان از آن دارد که احترامی که در این مسأله بیان شده، در اثر برخورد با افراد دیگر باید حاصل شود و البته کسی نمیتواند ادعا کند که به واسطه آزادی شخصی نمیخواهد از این احترام برخوردار باشد؛ زیرا این آزادی شخصی با حکم حجاب که یکی از حکمتهای آن حفظ احترام است، مقید شده است^{۷۱}.

^{۶۹}آمین، مهدی، ۱۳۸۱، مسأله الحجاب فی القرآن، وقفه مع الدكتور محمد شحرور، المهنج، شماره ۲۶، ص ۲۰۳.

^{۷۰}جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، حق و تکلیف در اسلام، مصطفی خلیلی، قم، اسراء، چاپ سوم، ص ۱۳۷.

^{۷۱}غلامی، علی، ۱۳۹۱، مسأله حجاب در جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ص ۶۸.

همینطور این نکته درباره طهارت قلبی نیز جریان دارد. هر چند جنبه شخصی بودن طهارت در اینجا نمود بیشتری دارد؛ اما وقتی به این حکمت مورد اشاره قرآن در مورد حجاب دقت میکنیم در می یابیم که «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...» نیز بیانگر نحوه ارتباط زنان و مردان است و به تأثیر نگاه نامحرمان به یکدیگر در قلوب آنان اشاره دارد.^{۷۲}

آنچه بیان شد اشاره به برخی حکمتهایی بود که در آیات آمده که بیانگر جنبه اجتماعی بودن مسئله هم هست و گرنه آنچه در فلسفه حجاب از جنبه های مختلف بیان شده اعم از حکم عقل و جامعه شناسی و روانشناسی و ... عمدتاً نظر به جنبه اجتماعی است تا فردی.

بند دوم: استدلال قرآنی بر فردی بودن حجاب

دکتر محمد شحرور از قرآن پژوهان نواندیش سوریه است که دیدگاههای متفاوت در برابر حجاب ابراز کرده است، گاهی حجاب را نفی و گاهی هم به عنوان تکلیف شخصی معرفی می کند. وی با استناد به جمله «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»^{۷۳} می گوید: «در قرآن زینت به معنای زیبایی در مورد سه چیز به کار رفته است: الف. زیبایی شیئی. ب. زیبایی مکانی. ج. و ترکیبی از این دو یعنی زیبایی شیئی و مکانی. مراد از زینت در آیه یاد شده، زیبایی مکانی است و مراد زیبایی بدن زن است و نه جواهرات و آرایش زن. از عبارت (وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا) مشخص می شود که زن دو گونه زینت دارد. زینت ظهری و زینت مخفی. آنچه خداوند در خلقت زن ظاهر ساخته است زینت ظاهری است، مانند سر، شکم، پشت، دستها و پاها؛ و آنچه خداوند در ساختار خلقت زن مخفی نموده است زینت مخفی است»^{۷۴}.

کاملاً روشن است که از نگاه شحرور، فقط پوشانیدن قسمتی از جیب که طبق معنای او مربوط به باطن ساختار وجود زن است، واجب می باشد. سپس شحرور با بیان این مقدمات در واژه شناسی زینت و جیب

^{۷۲} همان، ص ۶۹.

^{۷۳} نور/۳۱

^{۷۴} شحرور، محمد، ۱۹۹۹، کتاب و القرآن قراءه معاصر، دمشق، برگرفته از سایت رسمی محمد شحرور، www.shahrour.org

اظهار می کند که این نوع پوشش هم فردی است؛ وی می نویسد: «این میزان در حجاب یک حکم شخصی است و در جهت تعالی اخلاقی زن است و در واقع به دنبال تربیت او و جلوگیری از انجام یک رفتار منافی اخلاق از طرف اوست نه حکمی که بتوان با قانون و پیگرد قانونی آن را بر زن اعمال نمود».

گرچه آقای شحرور مدعی است که دیدگاه وی حاصل تعمق در قرآن است؛ اما توجه به اندیشه وی و مقایسه آن با آیات قرآن و نیز توجه به تضاد دیدگاه های او، بی ربطی نظرات او با قرآن به وضوح نمایان است. لازم به ذکر است نقد مفهوم واژه هایی که شحرور آورده تنها به دلیل بیان تعارضات گفتار او که منجر به نتیجه گیری خاص او که فردی بودن حجاب است، می باشد.

وی بیان میدارد که زینت سه نوع است اما زینت در آیه مورد نظر، فقط زینت مکانی که جسم زن باشد است؛ بنابراین زیورآلات و آرایش مورد نهی قرآن نیست؛ برای بررسی این مطلب باید منظور از زینت و مورد آیه مشخص شود؛ ابن منظور در یک بیان کلی زینت را یک اسم جامعی میداند که شامل هر آنچه زینت دهنده باشد، است.

باتوجه به روایات متعددی که در این خصوص بیان گشته، مصداق زینت را عام دانسته و شامل خود اندام نیز شود؛ حتی اگر خالی از زیورآلات و آرایش باشد و همانطور که بیان شد، این معنا با اطلاق لفظ زینت در آیه مورد بحث نیز سازگاری بیشتری دارد. البته در فقه اسلامی در استدلال بر وجوب پوشاندن اندام زن جز آنچه خود بخود آشکار است یعنی صورت و دست، دلیل های دیگری نیز وجود دارد که حتی با فرض اختصاص زینت در آیه مورد بحث به زیورآلات همان دلایلی در اثبات وجوب پوشش کفایت میکند. از آنچه بیان شد، تعبیر شحرور از زینت و اختصاص آن به زینت جسمانی قابل پذیرش نیست^{۷۵}.

^{۷۵} ایازی، محمدعلی، ۱۳۸۷، نقد و بررسی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب، حجاب و مسئولیت ها و اختیارات دولت اسلامی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ص ۱۲۲.

مبحث دوم: تشخیص قضایی در قبال بدحجابی

گفتار اول: مجازات عمل حرام و تعارض آن با جمهوری اسلامی

اصول حاکم بر حقوق کیفری همچون پایه هایی ستبر موجب قوام حقوق کیفری و مانع تضییع حقوق متهم میشوند یکی از مهمترین این اصول، اصل قانون بودن جرم و مجازات است که در اصول مختلف قانون اساسی مانند اصول ۳۶ و ۱۶۹ و بند ۴ اصل ۱۵۶ مورد تصریح قرار گرفته است..

به موجب این اصل رفتاری ارتكابی توسط فردی نباید جرم شناخته شود و یا مورد مجازات قرار گیرد مگر اینکه قبلاً قانونگذار وظیفه افراد در قبال انجام یا عدم انجام آن فعل مشخص شده باشد و افراد به تکالیف خود آشنا شده باشند تا از پریشانی امنیت قضایی و تضییع حق شهروندی افراد جلوگیری شود. وفق این اصل تقنین جز اختیارات قوه مقننه است چرا که ما در قانون اساسی اطل تفکیک قوا را داریم و قضات صرفاً در محدوده قانون یعنی کف و سقف مجازات سلطنت میکنند و نباید بهانه جلوگیری از اخلال در نظم و حمایت از عفت و اخلاق در جامعه، دلیل ورود قضات به حیطة تقنین باشد. بنابر مطالب فوق الذکر معصیت بودن عملی یا خلاف اخلاق و زشت بودن آن دلیل بر مجازات آن عمل نبوده مگر اینکه صراحتاً در قانون مجازات مورد جرم انگاری قرار گرفته باشد در غیر این صورت اصولاً باید اصل برائت جاری گردد.^{۶۶}

وقتی قانونگذار در قانون اساسی اصل قانونی بودن جرم و مجازات را مورد پذیرش قرار داده اصولاً باید به لوازم این پذیرش هم تمکین نماید و تا انجایی که ممکن است از کلمات و عبارات مبهم که فضا را به جهت تفاسیر موسع قضات مستعد میکند بپرهیزد چرا که این امر به وضوح اصل قانونی بودن جرم و مجازات را مورد هجمه قرار میدهد.^{۶۷}

^{۶۶} حبیب زاده، محمدجعفر، محقق داماد، مصطفی، ۱۳۷۴، جایگاه اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق ایران، نشریه دانشگاه شاهد، شماره ۹، ص ۲۲.

^{۶۷} کوراهی مقدم، کیانوش، ۱۳۷۹، ضمانت اجرای کیفری فعل حرام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۱۰۹.

بنابر این قاضی محکمه می‌تواند در موارد مجاز در امور کیفری مثل نقصع اجمال یا ابهام قوانین وفق ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری واصل ۱۶۷ قانون اساسی به منابع فقهی و فتاوی معتبر رجوع نموده و حکم موضوع را اصدار نماید این در حالیست که به نظر میرسد جواز رجوع به منابع فقهی و فتاوی معتبر به دلیل حساسیت حقوق افراد در امور کیفری و پذیرش اصل قانونی بودن جرم و مجازات در قانون اساسی تسری این موضوع به حقوق کیفری جایز نباشد. اما قانونگذار عادی بر خلاف این نظر با تصویب ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و آوردن عبارت عمل حرام و ذکر نکردن مصادیق آن، به طور شبهه آوری به قاضی اجازه صدور حکم بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی را می‌دهد. اما از آنجا که این نظر مقنن عادی به جرم انگاری خارج از حیطه قانون منجر می‌شود و صلاحیت قوه مقننه واصل تفکیک قوا را مخدوش مینماید منافات آن با اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصول فوق الذکر محرز می‌باشد.^{۷۸} فلذا اگر بخواهیم اصل ۱۶۷ قانون اساسی را طوری تفسیر نماییم که با سایر اصول در قانون اساسی و اصول شرعی مغایرت ننماید باید از خلق و جعل جرم توسط مراجع به این اصل پرهیز داشته باشیم. بنابراین در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مراجع به منابع فقهی با قانون اساسی و موازین شرعی مغایر است. مراتب فوق ایجاب مینماید که مقنن نسبت به اصلاح ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مبادرت و در اصلاح آن توجه بیشتری به اصول قانون اساسی و قواعد شرعی داشته باشد چرا که قاضی ماذون صرفاً در امور کیفری به دلیل حساسیت های ذکر شده صرفاً در حیطه قانون مجاز به اصدار حکم است و همین موضوع ایجاب مینماید که در مواردی که جرم انگاری در قانون صورت نگرفته قاضی رای بر براءت اصدار نماید.

گفتار دوم: مرجع تشخیص و تعیین مجازات بدحجابی

در این گفتار سوالی که مطرح است این است که نظام حقوق کیفری ایران در چه وضعیتی مجازات تعزیری را بر اعمال حرام بار میکند؟ سوالی دیگری که در این قالب مطرح است براساس ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی می توان هر عمل حرامی را مورد مجازات قرار داد؟

^{۷۸} مهرپرور، حسین، ۱۳۸۴، دیدگاههای جدید در مسائل حقوقی، انتشارات اطلاعات، تهران، ص ۱۲۲.

ابتدا باید به این نکته اشاره نمود که از نظر فقها هر گناهی، کیفری را به دنبال دارد. و گناه هم عبارت است از فعلی که خداوند انجام آن را واجب و یا ترک آن را واجب دانسته است. در اینجا به دنبال تشخیص مرجع تعزیر هستیم. اگر با نظر به قاعده التعزیر بما یراه الحاکم بیان داریم که تشخیص میزان مجازات و نوع تعزیر، بستگی به صلاحدید قاضی پرونده دارد اما بنا به دلایل زیر این امر غیر قابل قبول است:

الف) براساس روایات صحیحه تشخیص کیفر تعزیری از جمله تکالیف امام و والی می باشد. همچنین در صحیحه سماعه در خصوص مجازات افرادی که شهادت دروغ دهند، بیان داشته است: «یجلدون حدا لیس له وقت فذلک الی الامام». که این معنی را دارد که به آنان حد میزنند که دارای زمان خاصی نیست و بستگی به نظر امام دارد.^{۷۹}

ب) فقهای امامیه نیز تاکید کرده اند که تعزیر از وظایف رهبر و امام جامعه است. علامه حلی بیان داشته است: «هر کس گناهی مرتکب شود امام باید او را تا مقداری که به حد نرسد تعزیر نماید». امام خمینی در تحریرالوسیله بیان داشته هر فردی حرامی را انجام دهد بر امام و نایب اوست که او را تعزیر کند. امام خمینی (ره) وقتی فقهای شورای نگهبان عدم ایراد شرعی داشتن تعیین میزان مجازات تعزیری توسط قضات محاکم را به ایشان ابراز داشتند، می فرماید: «نظر فقهای شورای نگهبان بر فرض حاکم شرع بودن قضات شاغل در محاکم است این در حالیست که بیشتر این اقایان شروط قضاوت شرعی را دارا نیستند که به نظر اینجانب حتی با اذن هم نمیتوان آنان را حاکم شرع تلقی نمود و قضاوت آنان از باب اظطرار است به همین خاطر دستور داده شده که تعزیرات درجه بندی شده و موقتا اعمال شود».^{۸۰}

از طرف دیگر صلاحیت حکومت در تشخیص کیفرهای تعزیری، از جمله صلاحیت های انحصاری می باشد.^{۸۱} چرا که شناسایی چنین صلاحیتی برای سایر مجتهدین جامع الشرایط، موجب دخالت تعداد کثیری از مجتهدین در محدوده وظایف و اختیارات ولی امر می شود که با موضوع تمرکز قوا در منصب رهبری

^{۷۹} موسوی خمینی، روح الله، بی تا، تحریرالوسیله، موسسه مطبوعات دارالعلم، جلد ۲، ص ۴۷۷.

^{۸۰} موسوی خمینی، منبع پیشین، ص ۴۸۱.

^{۸۱} عوده عبدالقادر، ۱۳۷۳، حقوق جنایی اسلام، ترجمه اکبر غفوری، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، جلد ۱، ص ۱۷۲.

که از اصول حکومت اسلامی است مغایرت خواهد داشت. به همین لحاظ در تبصره ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ آمده است: «چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد». این حکم هرچند در قانون آیین دادرسی مدنی آمده است، به طریق اولی در امور کیفری هم جاری است و اختصاص به امور مدنی ندارد^{۸۲}.

قضات دادگاه ها اعم از مجتهد و ماذون، حق مراجعه به منابع فقهی برای تشخیص مصادیق عمل حرام و تعیین مجازات آن را ندارند. ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی نیز صرفاً تعریف ناقصی از مجازات تعزیر ارایه داده است و به هیچ وجه از منطوق و مفهوم آن استفاده نمی شود که قاضی حق دارد با مراجعه به منابع فقهی، مصادیق عمل حرام و مجازات آن را تعیین کند. بر مبنای قانون اساسی وظیفه تعیین جرایم و مجازاتهای تعزیری به قوه مقننه واگذار گردیده است. بنابراین در حقوق موضوعه ایران، یگانه مرجع صالح برای تشخیص و وضع و اعلام عناوین مجرمانه قوه مقننه است.

گفتار سوم: نقد متن ماده ۶۳۸ ق. م. ا.

به ماده ۶۳۸ ق. م. ا. نقدهایی به شرح ذیل وارد است:

بند اول: قید «کیفر عمل»

در این ماده، قید «کیفر عمل» شامل کیفر حدی و تعزیری است که هر دو فرض، از نظر فقهی و حقوقی اشکال دارد؛ زیرا از دیدگاه فقهی، جمع مجازاتها پذیرفته نیست. همچنین از نظر حقوقی نیز با اصول حقوق جزا و وقواعد تعدد که در این قبیل موارد، اشد مجازاتها را پذیرفته (نه جمع مجازاتها را) منافات دارد^{۸۳}.

^{۸۲} حسینی، محمد، ۱۳۸۳، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، سمت، چاپ اول.

^{۸۳} جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی: «مسالك الافهام»، قم، مؤسسه معارف اسلامی، چ اول، ۱۳۴۱ق.

بند دوم: قید «انظار عمومی»

اشکال مهمتر اینکه لازمه صدر ماده ۶۳۸ ق.م.ا. این است که مجازات‌های تعیین شده در شرع به عنوان حد و مجازات‌های تعیین شده در قانون مجازات، به مواردی اختصاص داشته باشد، که جرم به صورت غیر علنی انجام شود؛ چون اگر علنی و در انظار عمومی باشد، طبق ماده ۶۳۸ ق.م.ا. علاوه بر کیفر عمل، تنها به دلیل علنی بودن، مجازات مضاعفی دارد! در حالی که هیچ فقیه یا حقوقدانی چنین ملازمه‌ای را نمی‌پذیرد؛ زیرا اصل، اقتضا می‌کند استحقاق مجازات مقرر در شرع و قانون اعم است از اینکه فرد جرم را به صورت علنی و در انظار عمومی یا غیر علنی و خصوصی مرتکب شده باشد، مگر در موارد خاص مصرح در قانون یا شرع، مانند روزه خوری در ماه رمضان در ملا عام که نفس علنی بودن آن موضوعیت داشته و مورد حساسیت شارع است و حتی از سوی کسی که مجوز شرعی برای روزه نگرفتن دارد باید حرمت علنی آن حفظ شود؛ لذا نمی‌توان با وضع قانون کلی مانند: ماده ۶۳۸ ق.م.ا. برای ارتکاب علنی تمامی جرایم، مجازات جداگانه مقرر نمود تا لازمه و معنای قانونگذاری سابق این شود که تمامی قوانین سابق ناظر به ارتکاب اختصاصی جرایم باشد.^{۸۴}

بند سوم: قید «جریحه‌دار شدن عفت عمومی»

از جمله معایب دیگر ماده ۶۳۸ این که از دو بخش تشکیل شده است که عبارتند از: ابتدای ماده به عمل حرامی توجه دارد که مجازات خاصی برای آن در نظر گرفته شده است و در زیر آن به عملی اشاره دارد که کیفر معینی برای آن در نظر نگرفته است اما عفت عمومی را جریحه دار می‌کند. جریحه دار کردن عفت عمومی عبارت است از ارتکاب هر عمل از امور جنسی در انظار و اماکن عمومی از قبیل رابطه با جنس مخالف، پوشش، رفتار، گفتار و یا نمایش تصاویر که این تمایلات را نمایان کند یا قضای حاجت در انظار که نوعاً موجب نفرت مردم می‌شود. اهمیت مقوله جریحه دار کردن عفت عمومی از آنجا خودنمایی می‌کند که امروزه این امر مبتلا به، جامعه ما شده است، از طرفی عمده افرادی که به ارتکاب این جرم دستگیر

^{۸۴}جوادی آملی، عبد الله: «کتاب الصلاة»، تقریرات بحث مرحوم سید محمد محقق داماد، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۵ ق.

می شوند، قشر جوان و نوپای جامعه هستند که با وجود جوان بودن جمعیت جا دارد در برخورد با این نسل حساس و آینده ساز با تامل بیشتری رفتار شود.

در نهایت می توان گفت در نظر گرفتن کیفری بیشتر برای مرتکب عمل حرام در انظار عمومی، دلیل متقن شرعی ندارد، تنها در شرایطی این امر ضرورت دارد که عفت عمومی را جریحه دار کند که در این حال قابل جرم انگاری مستقل و کیفر بیشتری است.

بند چهارم: قید «گناهان کبیره»

علاوه بر آنچه که مطرح شد تعدادی از علمای امامیه حکم ماده فوق را مختص به گناهان کبیره می دانند. اما ماده ۶۳۸ تمام گناهانی که در انظار عمومی انجام شده باشد، قابل کیفر دانسته است. باید به این مورد نیز اشاره شود که در این خصوص باید جانب احتیاط را در جرم انگاری مد نظر داشت دیدگاه شرعی نیز با این رویکرد موافق است.

بند پنجم: قید «عمل حرام»

در قانون گذاری ایران، از عمل حرام تعریف واضح و روشنی نشده است بنابراین مشخص نیست منظور از عملی است که از دیدگاه مراجع تقلید حرام باشد؟ یا منظور مشهور فقها است؟ اگر فعل حرام را عملی بدانیم که در فقه و شرع حرام اعلام شده است، در این صورت اعمالی مثل دروغ گفتن و یا غیبت کردن و ... هم مشمول این ماده خواهند شد. یا همانطور که در محشای دکتر گلدوزیان می خوانیم، خوردن گوشت سگ یا خوک و ... نیز به صورت علنی از مصادیق فعل حرام مذکور در این ماده می باشد. پس با این تفسیر چنان چه فردی در معبر عمومی و به صورت علنی، مثلا در یک خیابان یا پارک مبادرت به دروغ گفتن راجع به امری و یا غیبت کردن در مورد شخصی نماید و یا اقدام به خوردن گوشت خوک کند عملش مشمول این ماده قرار خواهد گرفت. که این تفسیر به هیچ عنوان معقول نبوده و نمی تواند منظور نظر مقنن

بوده باشد. پس بهتر بود ق.گذار مصادیق افعال حرامی را که مشمول حکم این ماده قرار می گیرند به نحوی از انحاء مشخص میکرد تا بدین وسیله از برداشت های متفاوت و تصمیمات و قضاوت های نادرست و خودسرانه جلوگیری میکرد. بنابراین باتوجه به مثالهای آورده شده درخصوص عمل حرام دیدگاه مشهور فقها مدنظر قانون گذار است.

بند ششم: تفاوت میان گناه و جرم

براساس ضرورت ماده ۶۳۸ باید بین گناه و جرم تفاوتی قائل نباشد، چرا که در رابطه مطلق عمل حرام این حکم صادر شده است؛ اما به دلایل مختلفی، بین این دو، تفاوتی مطرح شده است، این تفاوتها برمی گردد به معنای قید عمل حرام که پیشتر مطرح شد. حرام و حلال، واجب، مستحب، مکروه و مباح احکام و قوانین و مقررات تکلیفی است که متعلق آن افعال و اشیاء خارجی است و وظیفه و مسئولیت انسان را در برابر آن مشخص می کند؛ ولی متعلق گناه یا بزه و جرم، عملکرد انسان است؛ یعنی رعایت نکردن حرام و وارد شدن در منطقه ممنوعه، جرم و گناه است. مثلاً وقتی گفته می شود که خوردن شراب یا غیبت مؤمنی حرام است، همانند دستور راهنمایی و رانندگی است که می گوید عبور از چراغ قرمز ممنوع (یا حرام) است. همان گونه که در صورت رعایت نکردن قانون راهنمایی، فرد مرتکب جرم و مجرم یا بزهکار شمرده می شود، کسی که به حریم ممنوع و قرق شده خدا نزدیک شود و به خط قرمزها (حرام ها) اعتنائی نکند، مجرم و گناهکار به شمار می رود.^{۸۵}

^{۸۵} کاتوزیان، ناصر: «فلسفه حقوق»، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ اول، ۱۳۷۷.

مبحث سوم: آیین دادرسی بزه بی حجابی

مراحل دادرسی کیفری جرایم جزایی عبارتند از: کشف، تعقیب، تحقیق، صدور حکم و اجرای حکم صادر شده.

گفتار اول: مرحله کشف

مرحله ابتدایی از مراحل دادرسی کیفری جرایم جزایی؛ کشف می باشد. این امر به وسیله نهادهای زیر بوجود می آید.

بند اول: دادسرا

دادسرا نهادی است که وظیفه ی کشف و تعقیب جرائم را دارد. واز طرق مختلفی به انجام این وظیفه میپردازد، از جمله روش های فوق، استفاده از گزارش های ضابطان دادگستری^{۸۶} اساسی ترین شیوه کشف جرم به وسیله (نهاد تعقیب) یعنی دادسراست^{۸۷} این مهم در بند الف ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مورد تصریح قرار گرفته است.

ضابطان موظف اند پس از آگاهی از رخ دادن جرم، جهت حفظ آثار و نشانه های جرم و پیشگیری از فرار متهم یا پنهان شدن او، اقداماتی را که مهم است، انجام دهند و مراتب را به دادسرا اعلام نمایند. (ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط دارند، با دادستان است).

در برخورد با این جرم ضابطان دادگستری؛ در راستای انجام وظایف قانونی خود مبادرت به انجام اقدامات لازم در راستای حفظ آلات، واثار جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم مینمایند اگر جرم مشهود باشد این اقدامات بلافاصله پس از اطلاع از وقوع جرم است که باید بدون فوت وقت گزارش اقدامات به اطلاع مقامات قضایی برسد و اگر جرم غیر مشهود یا وقوع آن محل تردید باشد این اقدامات باید به دستور مقامات قضایی انجام شود البته ضابطان حسب ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری در مواردی که خود ارتکاب جرم

^{۸۶} ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم... به موجب قانون اقدام می نمایند

^{۸۷} حسینی، سیدمحمد، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۱۲۹-۱۳۸.

محل تردید باشد باید تحقیقات لازم را در حدود قانون بعمل آورده و نتیجه جهت اخذ تصمیم مقتضی به دادستان اعلام نمایند^{۸۸}.

در ایران ضابطان به دودسته عام و خاص تقسیم میشوند و ضابطان عام که ماموران نیروی انتظامی هستند که طبق ماده ۲۹ آیین دادرسی کیفری و قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹ باید آموزش های لازم را دیده باشند و ضابطان خاص هم شامل مقامات و مامورانی است که در حدود وظایف قانونی خود ضابط محسوب میشوند. در درون نیروی انتظامی اداره خاص در راستای مقابله با مفاسد اجتماعی و انسجام فعالیت های مرتبط و پرهیز از موازی کاری یا به صورت جزیره ای عمل کردن، تحت عنوان اداره کل مبارزه با مفاسد اجتماعی تاسیس شده است. هم چنین (اداره کل اماکن عمومی) این نیرو مسئولیت مقابله با تخلف فروشندگان لباس زن که در آنها حجاب شرعی رعایت نشده را، دارد. از این رو، نیروی انتظامی وظیفه دارد که بصورت مداوم و منسجم و قانونمند با ناقضان قانون در زمینه حجاب به طور جدی برخورد نماید و پس از توقیف آنان را به مقامات قضایی تحویل دهد. ارشاد هنجار شکنانی که خود به مسئولیت قانونی خود واقف هستند خارج از حیطه وظایف نیروی انتظامی است. عدالت کیفری تاکید دارد که صاحبان و مسئولین اجرایی حقوق جزا با اهتمام به انجام مسئولیت های قانونی خویش، از ورود به زمینه های دیگری که در صلاحیت کاری ایشان نیست، خودداری نمایند.

بند دوم: نیروی مقاومت بسیج

یکی از ضابطان خاص نیروی مقاومت بسیج مردمی است که در چارچوب قوانین خاص ضابط دادگستری محسوب میشود.

مقنن اهتمام خاصی به برخورد و تحت پیگرد قرار دادن هنجار شکنان اخلاقی و قانونی داشته و به همین علت علاوه بر نیروی انتظامی به نیرو های بسیج هم اجازه ورود و داشتن عنوان ضابط را در این موارد داده

^{۸۸} موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا، تقریرات الحدود و التعزیرات، ج ۱، ص ۲۹۷-۲۹۸.

است که در مواقعی که نیرو های انتظامی حضور نداشته و یا امکان دخالت موثر آن ها وجود ندارد این نیرو به عنوان جایگزین وارد شده و به وظایف قانونی خود در این رابطه عمل نماید. ستاد امر به معروف و نهی از منکر به عنوان اتاق هماهنگی و هدایت این نیروها در جهت انجام صحیح وظایف خود عمل میکند. نیروهای مردمی بسیج مانند نیرو های انتظامی وظیفه دارند از ابتدای کشف جرم تا تحویل مراجع قضایی اقدامات لازم را در جهت حفظ آثار و ادله ارتکاب جرم انجام دهند.

ماده چهار قانون^{۸۹}، خطاب به ضابطان در این مرحله، حکم به متوقف کردن افرادی نموده که بدون حجاب در اماکن عمومی حضور پیدا کرده اند. پیش از تصویب این قانون، دادستان عمومی تهران در سال ۱۳۶۰، دستور بازداشت افراد بی حجاب را به همه مأموران انتظامی صادر کرده بود^{۹۰}.

چون وفق قانون آیین دادرسی مدنی به ضابطان اجازه اخذ تامین داده نشده فلذا مشخص است که مقصود مقنن از توقیف صدور قرار بازداشت موقت نیست در واقع قانونگذار به دنبال تحت نظر بودن متهم از هنگامی که عمل جرم صورت گرفته تا زمانی که وی تسلیم مراجع قضایی میشود بوده است. این عمل از آن سو حائز اهمیت است که بدون حجاب شرعی، وضعیت ظاهری زن را می توان به آسانی تغییر داد تا آثار جرم از بین برود و از این رو ثابت نمودن آن در دادگاه با مشکل روبه رو می گردد، به ویژه آن که اعتبار گزارش های ضابطان دادگستری نزد مقام قضایی مطلق نیست و به مورد وثوق بودن آن نزد وی بستگی دارد.

بنابراین ضابطان دادگستری در راجهت انجام وظایف قانونی خود باید که حفظ ادله و آثار جرم جزئی از آن هاست باید مجرم را تحت نظر قرار داده و به مراجع قضایی تحویل دهد. تخلف ضابطان از این مسئولیت، ضمانت اجرای انتظامی و کیفری دارد. این تحت نظر قرار دادن نباید از ۲۴ ساعت تجاوز نماید. همچنین

^{۸۹} نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس هایی که استفاده از آنها در ملاءعام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه دار می کند

^{۹۰} حسینی، سیدمحمد، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۱۳۲.

اگر زنان مجرم در برابر ضابطان دادگستری مقاومت کنند مشمول ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی و سبب اعمال مقررات تعددمیشوند.

بند سوم: ریاست قوه قضاییه

کشف جرم توسط دادسرا تنها محدود به گزارش ضابطان قضایی نمی شود. در سال ۱۳۸۳، ریاست این قوه در چارچوب وظایف و اختیارات خود که در بند الف ماده یک قانون وظایف و اختیارات رییس قوه قضاییه مورد تصریح قرار گرفته اقدام به تاسیس ستاد حفاظت اجتماعی نمود. فعالیت این نهاد تحت نظارت دادستان است و عهده دار شناسایی مفاسد اجتماعی و پاکسازی جامعه از آن هاست. روش فعالیت این ستاد به این گونه است که با دعوت از افراد جامعه اقدام به عضوگیری از میان آنان نموده و با گردآوری اطلاعات بدست آمده از این افراد و پالایش آن در موارد مقتضی موارد لازم را جهت تعقیب به دادسرا ارجاع مینماید. هرچند که معاون اجرایی قوه قضاییه در همان بدو تاسیس این نهاد بیان داشت که این ستاد جهت ایجاد آرامش و اسایش مردم و تعالی نظم عمومی فعالیت خواهد داشت و در مباحث مربوط به حجاب ورود نمی کند لکن این ستاد میتواند به عنوان بازویی کمکی و موثر که از داخل قوه قضاییه سر برآورده به این معضل کمکی شایان نماید.

گفتار دوم: مرحله تعقیب و تحقیق

دادسرا و دادستان به عنوان نماینده جامعه مسئولیت تعقیب متهم را دارا می باشند. بعضی جرائم قابل گذشت و برخی از آن ها غیر قابل گذشت و دارای جنبه عمومی هستند. داشتن جنبه عمومی در بزه به این معناست که در ارتکاب این جرم حقی از حقوق عمومی و جامعه ضایع شده که این موضوع نیازمند دخالت دادستان به عنوان نماینده جامعه در جهت بر طرف کردن این نقص در حقوق جامعه است. این وظیفه برای دادستان در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری مورد تصریح قرار گرفته است. نداشتن حجاب شرعی هم یک جرم

دارای جنبه عمومی محسوب میشود. در نظام حقوقی ایران دادرسی برپایه سیستم قانونی بودن تعقیب است. در این روش، دادسرا وظیفه دارد هر زمانی که جرم صورت گیرد، باید مجرم را تحت تعقیب قرار داد. این موضوع سبب میشود که بزه های ارتكابی تحت پیگرد قانونی قرار گیرند و مجازات به عنوان عامل بازدارنده و دارای اثر پیشگیری از جرم مورد تاکید قرار گیرد. از این رو، دادسرا در مقابله با جرم نداشتن حجاب شرعی، هرگز حق استنکاف از تعقیب متهم را ندارد، با همه ی این توضیحات در قانون آیین دادرسی کیفری جدید چون جرائم درجه هفت و هشت به طور مستقیم در دادگاه مطرح میشود نتیجتاً تعقیب و تحقیق این جرائم نیز در دادگاه انجام میشود فلذا هرچند که جرم نداشتن حجاب شرعی غیر قابل گذشت میباشد ولی وفق ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری این جرم مستقیماً در دادگاه مطرح میشود و از صلاحیت دادسرا خارج است.

بند اول: مرحله تحقیق

دادگاه موظف به انجام تحقیقات مقدماتی در رابطه با جرم صورت گرفته است. ناگفته نماند قانون به ضابطان مجوز این امر را داده است که در مواردی که جرم مشهود است و شرایط اقتضا دارد ضابطان میتوانند خود تحقیقات لازم را در جهت حفظ اثار وادله جرم یا جلوگیری از فرار متهم انجام داده و نتایج را بدون فوت وقت به اطلاع مقام قضایی برسانند. باتوجه به آنچه که مطرح گشت جرم بی حجابی در انظار عمومی، مستلزم تحقیق است و در این خصوص ضابطان و مقامات دادگاه عهده دار وظیفه تحقیق در جهت تکمیل پرونده هستند.

به عبارتی دیگر، این گونه پرونده ها بدون نیاز به اعمال تحقیقات مقدماتی توسط مقامات تحقیق به دادگاه مربوط ارجاع می شود.

گفتار سوم: مرحله دادرسی

همانطور که توضیح داده شد این جرم به طور مستقیم در دادگاه مطرح میشود و در این مرحله اساسی دادگاه صالح در خصوص بی گناه یا متهم بودن تصمیم گیری می کند. نکته مهم در این خصوص احراز صلاحیت دادگاه است. این جرم در صلاحیت دادگاه کیفری دو میباشد که به جرائم با درجه اهمیت کم تر رسیدگی میکند. اما در مواردی نیز بر مبنای ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری و قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب رسیدگی به این قبیل از جرایم به دلیل امنیتی تلقی شدن در دادگاه انقلاب صورت می گیرد. از این جهت این وظیفه برای مقامات تحقیق ایجاد میشود که انگیزه و نحوه ارتکاب این جرم را که موثر در صلاحیت دادگاه می باشد مورد توجه قرار دهند چرا اگر این جرم در راستای تشویق و تحریک علیه نظام و با همکاری معاندین و باندهای ضد انقلاب انجام شود در صلاحیت دادگاه انقلاب است. برای نمونه، کشف حجاب عمدی که در مقاطعی در مناطقی خاص در تهران آن هم به شیوه ای خاص مانند رفتن به یک بلندی و کشف حجاب انجام میگرفت اقدامی هماهنگ شده و دارای پشتوانه ی عظیم رسانه ای و مالی دولت های متخاصم با جمهوری اسلامی بود. طبیعتاً این نوع ارتکاب جرم با یک هنجار شکنی قانونی که چه بسا به دلایل ضعف اعتقادی صورت میگیرد متفاوت است. فلذا بر خورد با آنان نیز باید متفاوت و در تحت صلاحیت های جداگانه بررسی شود.

پس از احراز صلاحیت و ارجاع پرونده به دادگاه صالح دادرسی وفق قانون و با بهره گیری از آزادی دلیل در امور کیفری نسبت به اثبات جرم از طریق طرق قانونی مانند گزارش ضابطان دادگستری و شاهدین تعرفه شده در پرونده و یا اقرار مرتکب و سایر قرائن مبادرت می ورزد^{۹۱}. نداشتن حجاب شرعی علاوه بر خلاف اخلاق حسنه بودن و خلاف نظم عمومی بودن، در بیشتر موارد، گویای عدم وجود سلامت اخلاقی و تعالی شخصیتی و کم رنگ بودن اخلاق دینی در فرد است. لذا این موضوع باید در هنگام صدور رای مورد توجه دادرسی قرار گرفته و وی با در نظر گرفتن این نکته از ظرفیت های قانونی مصرح در ماده ۲۳

^{۹۱} پروین، خیرالله، ۱۳۹۲، الزامات و آموزه های حقوق اساسی، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ص ۸۹.

قانون مجازات اسلامی در راستای برطرف کردن این موضوعات و با تکیه بر سیاست های بازپروری مجرم و بر گرداندن وی بدون زمینه های ارتکاب جرم به جامعه استفاده نماید.

گفتار چهارم: مرحله اجرای احکام

مرحله پایانی در رابطه با دادرسی های کیفری اجرای احکام می باشد. این حکم توسط دادسرا و واحد اجرای احکام کیفری به اجرا در می آید. با توجه به ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ که مجازات جرم بی حجابی را حبس و جزای نقدی بیان کرده و چون مطابق قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ جرائمی که مجازات قانونی آن ها تا سه ماه حبس باشد به مجازات جایگزین حبس محکوم میشوند و از طرفی مجازات های جایگزین حبس بیشتر ماهیت بازپروری و ایجاد کنترل اجتماعی در فرد دارند تا اینکه صرفا به دنبال سزادهی باشند فلذا اجرای دقیق و مفید این نوع از مجازات ها بسیار مهم میباشد. برای اعمال مجازات های نقدی نیز محکوم باید مبلغ جزای نقدی را به خزانه واریز و رسید آن را به واحد اجرای احکام تحویل نمایند.

گفتار پنجم: تحلیلی بر نمونه آراء قضایی

در گذشته ای نه چندان دور، تفاوت بین نظام های حقوقی جهان از لحاظ منابع حقوق بسیار فاحش بود: از یک سو در نظام های مبتنی بر حقوق نوشته که کشورهای اروپای قاره ای و حقوق اسلامی، مهمترین نمایندگان آن بودند رکن اصلی قانون بود و تصمیمات قضایی دادگاه ها بنا بر اصل نسبی بودن آراء محاکم، تنها میان اصحاب دعوی واجد اثر بود؛ از سوی دیگر در نظام های مبتنی بر رویه قضایی که در کشورهای چون انگلستان و آمریکا شکل گرفته بود، حقوق، انباشت تصمیمات قضایی دادگاه ها بود و می توان گفت قانون، نقشی فرعی داشت. امروزه اینچنین دیدگاهی نسبت به قانون و رویه قضایی، در هر دو گروه از کشورها دچار تغییر و تحول جدی شده است. در کشورهای رویه ای، نقش قانون، بارزتر و برجسته تر شده و در نظام های مبتنی بر حقوق نوشته، نقش تصمیمات قضایی بسیار پررنگ تر گشته است.

در نظام حقوقی ایران، اهمیت شناخت آراء و رویه محاکم، دیرزمانی است که مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته است.

بند اول: عدم رعایت حجاب شرعی در انظار عمومی

در تاریخ: ۱۵/۱۱/۱۳۹۱ به شماره: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۷۰۱۴۲۰

موضوعات مرتبط با این نمونه رأی و مرجع صدور

این نمونه رأی که در شعبه ۲۷ دادگاه تجدید نظر استان تهران صادر شده است درباره این موضوعات می باشد: انظار عمومی، بدحجابی، تشویق به فساد، حجاب، عدم رعایت حجاب، فعل حرام، مهمانی خصوصی

چکیده رای

صرف بدحجابی در مجلس مهمانی تشویق به فساد محسوب نمی‌گردد بلکه مصداق عدم رعایت حجاب شرعی در انظار عمومی است

رای بدوی

در این پرونده و به موجب کیفرخواست شماره ۳۰۰۲۴۷۲-۱۳۹۱/۷/۱۲ صادر شده از دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۱ تهران ۱- پ.ح. فرزند ی. ۳۹ ساله ۲- پ.ح. فرزند ی. ۳۱ ساله (هر دو مطلقه) ۳- ع.ط. فرزند ع. ۳۱ ساله (ردیف ۲ و ۳ دارای سابقه کیفری ص ۷) متهم هستند به تشویق به فساد ۴- ح.ت. فرزند ح. ۲۳ ساله و مجرد و مسلمان و فاقد سابقه کیفری متهم است به ارتکاب فعل حرام. دادگاه با بررسی گزارشات و تحقیقات به عمل آمده و نحوه دستگیری متهمان و دفاعیات متهم ردیف چهارم در جلسه دادگاه و اگر چه متهمان ردیف اول تا سوم در جلسه دادگاه حاضر نشدند اما دادگاه عمل ارتكابی متهمان را منطبق با ماده ۶۳۹ و ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی ندانسته و همان گونه که در متن گزارش اولیه صفحه یک آمده است متهمان اُنات بدحجاب بودند و صرف بدحجابی تشویق به فساد محسوب نمی‌گردد لذا دادگاه برخلاف کیفرخواست صادر شده عمل ارتكابی متهمان ردیف اول تا سوم را عدم رعایت حجاب

شرعی در انظار عمومی تشخیص و به استناد تبصره ماده ۶۳۸ قانون یاد شده هر یک از متهمان ردیف اول تا سوم را بابت آن و با اختیارات حاصله از بند یک ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین و نیز بخشنامه شماره ۱۴۰۲/۱۰۰-۹۰۰۰/۱۸-۱۳۹۱/۱/۱۸ ریاست محترم قوه قضائیه مبنی بر افزایش تعرفه‌های خدمات قضایی به پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم می‌کند. اما در خصوص اتهام نامبردگان دایر بر تشویق به فساد و نیز در خصوص اتهام متهم ردیف چهارم (ح.ت.) دایر بر ارتکاب فعل حرام به جهت فقد دلایل اثباتی و به استناد ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری رأی بر برائت نامبردگان از بزه‌های اخیرالذکر صادر و اعلام می‌گردد. این رأی نسبت به محکومیت متهمان ردیف اول تا سوم غیابی و ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شعبه و سپس ظرف بیست روز قابل اعتراض در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد و نسبت به برائت نامبردگان و نسبت به متهم ردیف چهارم حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

رای دادگاه تجدید نظر

در خصوص تجدیدنظرخواهی خانم پ. و پ.ح. و ع.ط. نسبت به دادنامه‌های شماره ۱۰۸۸-۱۰۹۱ مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۲ صادره از شعبه ۱۰۸۹ دادگاه عمومی تهران که به موجب آن ضمن رد واخواهی نسبت به دادنامه غیابی شماره ۱۰۶۷ مورخ ۱۳۹۱/۹/۷ رأی بر محکومیت تجدیدنظرخواهان به پرداخت جزای نقدی به لحاظ انتساب اتهام عدم رعایت حجاب شرعی در انظار عمومی صادر، نظر به اینکه در این مرحله از رسیدگی از ناحیه تجدیدنظرخواهان ایراد و اعتراض موجهی که موجبات نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته را فراهم نماید، ارائه و عنوان نگردیده است و تجدیدنظرخواهی با هیچ یک از شقوق مندرج در ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی در امور کیفری منطبق نمی‌باشد، دادگاه ضمن رد تجدیدنظرخواهی به عمل آمده در اجرای بند الف از ماده ۲۵۷ قانون مذکور دادنامه موصوف را تأیید و استوار می‌نماید این رأی قطعی است.

توضیح: نمونه رای های منتشر شده در دادراه اعم از نمونه رای بدوی، نمونه رای تجدید نظر و نمونه رای دیوان از نمونه رای های منتشر شده از سوی قوه قضائیه و مراکز و پژوهشگاه های وابسته به قوه قضائیه برگرفته شده است..

بند دوم: قراردادن تصویر بدون حجاب در شبکه های اجتماعی

در یک پرونده کیفری فردی که تصاویر بدون حجاب همسرش را در شبکه های اجتماعی (فیسبوک) منتشر کرده بود، با شکایت همسرش به اتهام انتشار تصاویر مبتذل تحت تعقیب قرار گرفت که دادگاه بدوی و تجدیدنظر طی دو مرحله رسیدگی ماهوی به پرونده، رای خود را در این خصوص صادر کردند .

خانم ع - همسر آقای ف، با حضور در دادسرای ناحیه ۳۱ تهران از همسرش به اتهام انتشار تصاویر بدون حجاب در فیسبوک شکایت می کند؛ بازپرس پرونده قراردادن تصاویر بدون حجاب را مصداق قانون مجازات اسلامی و قانون جرایم رایانه ای دانسته و برای آقای ف (متهم) قرار جلب به دادرسی صادر و متعاقب آن هم برای متهم، کیفرخواست صادر می شود.

در واقع دادسرا با استناد به ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه ای مبنی بر این که «هرکس به وسیله سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا حامل های داده، محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از ۹۱ روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.» متهم را مجرم شناخته و صدور حکم مبنی بر محکومیت متهم را از دادگاه جزایی خواستار می شود.

دادگاه جزایی عمومی تهران (سابق و کیفری ۲ فعلی) در جریان رسیدگی به پرونده با انکار متهم در خصوص انتشار این تصاویر مواجه شده و متوجه می شود که صفحه موصوف در فیسبوک توسط شاکی ساخته شده و حتی عکس های موجود در این صفحه نیز توسط خود شاکی در این صفحه قرار داده شده، اما پس از این که بین زن و شوهر در زندگی زناشویی اختلافاتی پیش آمده، خانم مدعی شوهرش می شود که آقا این عکس ها را بدون اجازه همسر منتشر کرده است.

در جریان دادرسی، دعوا دچار انقلاب شده و این بار شوهر مدعی خانم می‌شود که با انتشار تصاویر بدون حجابش در شبکه اجتماعی، مرتکب جرم شده است. البته دادگاه، فارغ از این اختلافات و این که تصاویر توسط چه کسی در صفحات اجتماعی آمده، در موضوع ورود کرده و استدلال کرده است که «نظر به مفهوم ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای و ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و معنای انتشار، صرف قرار دادن تصویر بدون حجاب در صفحه فیسبوک جهت معرفی خود اگرچه نفس عمل مذموم و قبیح است، اما فاقد وصف انتشار است و بنابراین به جهت عدم احراز عنصر مادی به استناد قانون آیین دادرسی کیفری رأی بر براءة نامبرده از بزه مذکور صادر و اعلام می‌گردد».

رای دادگاه تجدیدنظر

با تجدیدنظرخواهی از سوی شوهر خانم مبنی بر این که نباید برای همسرش حکم براءة صادر شود و انتشار این تصاویر جرم است، دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موضوع رسیدگی و در نهایت حکم صادر کرده است که «با توجه به لایحه تقدیم شده از سوی تجدیدنظرخواهان و دادنامه و دیگر محتویات پرونده، ادله لازمه کافیه بر قابلیت نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته از نظر شکلی و ماهوی نمی‌باشد، بنابراین با رد آن دادنامه تجدیدنظرخواسته به استناد بند الف از ماده ۲۵۷ از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری تأیید می‌کند. رأی صادره قطعی است».

تحلیل پرونده

برای تحقق هر جرمی وجود سه عنصر ضروری و لازم است؛ اول عنصر مادی جرم، یعنی متهم باید رفتاری مرتکب شده باشد که قانونگذار آن را جرم دانسته باشد. دوم عنصر معنوی جرم است، یعنی متهم باید به صورت عمدی و با سوءنیت رفتار مجرمانه را صورت داده باشد. سوم، عنصر قانونی جرم بوده و به این معنا است که در قانون باید برای آن رفتار مجرمانه، مجازات تعیین شده باشد تا بتوان با استناد به آن، فرد مجرم را محکوم و مجازات کرد. حالا درخصوص پرونده ذکر شده، با بررسی رای دادگاه بدوی و ابرام رای بدوی در دادگاه تجدیدنظر می‌توان نتیجه گرفت که قراردادن تصاویر بدون حجاب در شبکه اجتماعی

گرچه گناه شرعی محسوب می‌شود، اما به دلیل عدم شمول لفظ «انتشار» بر قرارداد این تصاویر در شبکه‌های اجتماعی، عنصر مادی جرم محرز نشده است. به بیان دیگر نمی‌توان رفتار متهم در قرارداد تصاویرش را رفتار غیرقانونی قلمداد کرد و در نتیجه جرمی به وقوع نپیوسته است.

بند سوم: رابطه ضعف حجاب با عدم التزام به احکام اسلامی

در تاریخ: ۳۰/۱۰/۱۳۹۱ به شماره: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۲۰۲۴۷۸

موضوعات مرتبط با این نمونه رأی و مرجع صدور

این نمونه رأی که در شعبه ۲۲ بدوی دیوان عدالت اداری صادر شده است درباره این موضوعات می‌باشد: گزینش، رد صلاحیت، ضعف حجاب، عدم حجاب، التزام به احکام اسلامی، احکام اسلامی، حجاب، التزام عملی، فرمان امام خمینی (ره)

چکیده رأی

به صرف استناد به ضعف حجاب و نه عدم حجاب، نمی‌توان افراد را متهم به عدم التزام به احکام اسلامی نمود

رأی دیوان

خواسته شاکی اعتراض به رأی مشتکی عنه فوق‌الذکر [رأی هیأت مرکزی گزینش]، مبنی بر رد صلاحیت استخدام آزمایشی موضوع نامه شماره ... می‌باشد. با بررسی محتویات پرونده گزینشی واصله چون علت عدم احراز شرایط عمومی شاکیه مزبور ضعف حجاب بوده و هیأت مشتکی عنه به استناد بند ۲ ماده ۲ قانون گزینش صلاحیت مشارالیه را مردود اعلام نموده است. از آنجایی که مستند قانونی اخیرالذکر مبتنی بر وصف «التزام عملی به احکام اسلام» بوده و اگر چه تأیید شارع مقدس به حفظ حجاب اسلامی انکار ناپذیر

است لیکن به صرف استناد به ضعف حجاب (نه عدم حجاب) نمی‌توان افراد را متهم به عدم التزام به احکام اسلامی نمود و مفهوم واقعی التزام ریشه در اعتقاد درونی و ایجاد جلوه بیرونی آن است و ضعف حجاب با مصادیقی که در پرونده گزینشی داوطلب استخدام فوق‌الذکر وجود دارد، مشمول بند ۲ ماده ۲ قانون گزینش نیست و همان‌گونه که از متن فرمان مورخه ۱۳۶۱/۱۰/۱۵ رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رضوان... تعالی علیه مشهود و ملموس است، جلوگیری از هر گونه افراط و تفریط در گزینش افراد مورد تأکید معظم‌له بوده و از هر گونه تندروی در این خصوص می‌بایست اجتناب به عمل آید. بنا به مراتب مذکور نظر به ضرورت بازنگری مجدد در این خصوص و بر اساس تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون گزینش مصوب ۱۳۷۴ و به استناد مادتين ۱۳ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ضمن صدور حکم به ورود شکایت [اعتراض به رد صلاحیت اشتغال]، رأی معترض‌عنه را نقض و رسیدگی مجدد به موضوع به همان هیأت ارجاع می‌شود. این رأی (دیوان) وفق ماده ۷ قانون اخیرالذکر قطعی و مطابق ماده ۳۴ همان قانون بلافاصله پس از ابلاغ لازم‌الاجرا خواهد بود.

بند چهارم: کشیدن روسری

در تاریخ: ۱۷/۰۹/۱۳۹۲ به شماره: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۱۰۱۲۱۱

موضوعات مرتبط با این نمونه رأی و مرجع صدور

این نمونه رأی که در شعبه ۴۱ دادگاه تجدید نظر استان تهران صادر شده است درباره این موضوعات می‌باشد: توهین، کشف حجاب

چکیده رأی

کشیدن روسری مصداق بزه توهین است.

رأی بدوی

در خصوص اتهام آقای م.غ. فرزند الف.، ۲۶ ساله، باسواد، متأهل و فاقد سابقه کیفری، دایر بر ایراد ضرب و جرح عمدی نسبت به خانم س.الف. فرزند ح. و توهین به خانم ز.ز. از طریق کشیدن روسری از سر ایشان؛ با عنایت به اوراق و محتویات پرونده، شکایت شاکی، گزارش مرجع انتظامی، اظهارات شهود و مطلعین و دفاعیات بلاوجه متهم و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده انتساب بزه فوق به متهم محرز و مسلم است و مستنداً به مواد ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۶، ۴۶۲، ۴۸۸، ۷۰۹، ۷۱۴ از قانون مجازات اسلامی حکم محکومیت متهم به پرداخت یک و نیم درصد دیه کامل بابت دیه حارصه پس سر و ساعد راست و نیم درصد دیه کامل بابت ارش تورم و کبودی پس سر در حق شاکی س.الف. صادر و اعلام می‌گردد و در خصوص بزه توهین مستنداً به ماده ۶۰۸ از قانون مجازات اسلامی حکم به محکومیت متهم به تحمل پنجاه ضربه شلاق صادر و اعلام می‌گردد و در خصوص شکایت خانم ز.ز. علیه متهم دایر بر فحاشی و افترا و ایراد ضرب و جرح عمدی به لحاظ انکار متهم و فقد دلیل کافی مستنداً به ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری رأی بر برائت متهم موصوف صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره حضوری و ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در مرجع تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

رای دادگاه تجدید نظر

در این پرونده آقای م.غ. به طرفیت خانم ز. و س.الف. از دادنامه ۶۰۱۲۱۴-۹۲/۶/۲۳ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزایی کهریزک در مهلت مقرر قانونی تجدیدنظرخواهی نموده است که به موجب دادنامه فوق‌الذکر از جهت جرم ایراد صدمه بدنی عمدی به خانم س.الف. و توهین به خانم ز.ز. از طریق کشیدن روسری از سر ایشان به مجازات مقرر برای جرم توهین و پرداخت دیات صدمات وارده حسب مواد استنادی قانونی ۷۰۹ و ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی و ۶۰۸ محکوم گردیده است و از اتهام توهین به خانم ز.ز. و افترا و ایراد ضرب و جرح عمدی تبرئه گردیده است. حال با توجه به اظهارات اطراف نزاع و نظریه پزشکی قانونی و با عنایت به این که صدمات وارده دارای دیه کمتر از خمس دیه کامله می‌باشد در اجرای بند دال از ماده ۲۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری قابل تجدیدنظرخواهی نبود و

رد می‌گردد و اما جرم توهین با توجه به انکار تجدیدنظرخواه و عدم دلایل کافی محرز نمی‌باشد و طبق بند الف بند یک از قسمت ب از ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری رأی نقض و طبق ماده ۱۷۷ قانون مذکور تبرئه می‌گردد و رأی قطعی است.

مبحث چهارم: سیاست‌های پیشگیرانه از بی‌حجابی

سیاست جنایی خط مشی و دیدگاه‌های مسئولین و سیاستگذاران امور امنیتی، انتظامی، قضایی و تقنینی جامعه را درخصوص راه‌های پیشگیری، کنترل و مقابله با بزهکاری و پدیده‌های ناامنی بیان می‌کند. امروزه سیاست جنایی، تنها تدابیر سرکوبگر را در برنمی‌گیرد، بلکه پیشگیری از بزهکاری، سالم‌سازی محیط اجتماعی و اصلاح و درمان را نیز شامل می‌شود. وضعیت نا به سامان پوشش در جامعه امروز ایران نمونه بارز حرکت جامعه به سمت تحقق آنومی و بی‌هنجاری در آن است. این وضعیت البته در وهله اول نشان دهنده شکست و ناکامی سیاست‌های سی ساله نظام دینی در ترویج فرهنگ حجاب و عفاف است. امری که به معنای معروف نشدن حجاب و منکر نشدن بی‌حجابی در منظر شهروندان است. بنابراین در ادامه این مبحث برآن شدیم تا سیاست‌های پیشگیرانه از بی‌حجابی را مورد بررسی قرار دهیم.

گفتار اول: اقدامات پیشگیرانه

در اصطلاح جرم‌شناسی، پیشگیری شامل اقداماتی است که در قالب شناسایی و ارزیابی خطر جرم و اتخاذ راهکارهای لازم برای جلوگیری از وقوع آن صورت پذیرفته و هدف آن کاهش نرخ بزهکاری است. در هر حال بحق پیشگیری را آن دسته از حقوق دانانی پیش کشیدند که نظام کیفری را برای کاهش اثرات بزه کافی نمی‌دانستند.

از نظر جرم شناسی پیشگیرانه، جرم شناسان درباره پیشگیری غیرکیفری از جرم در دو بخش پیشگیری وضعیت مدار و پیشگیری فرد مدار بحث می کنند که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

بند اول: پیشگیری وضعیت مدار

پیشگیری وضعی ایجاد تغییرات در اوضاع و احوال خاصی است که انسان متعارف در آن ممکن است مرتکب جرم شود. ایجاد تغییر در مراحل ارتکاب جرم یعنی جاذبه زدایی از سیبل جرم، بالابردن هزینه، سخت کردن ارتکاب جرم و خطرناک کردن آن^{۹۲}. تعریف دیگری نیز از پیشگیری وضعی ارائه شده است: تدابیری که فرصت ها و مناسبت های جرم را کاهش می دهد^{۹۳}.

در پیشگیری وضعی سعی بر این است که از طریق سلب یا کاهش فرصت ها و موقعیت های ارتکاب جرم و کنترل و مدیریت صحنه آن، وقوع جرم دشوار گردد. هدف از آن ایجاد وضعیتی است که در آن مجرم به رغم تصمیم به ارتکاب عمل مجرمانه، از محقق نمودن قصد خود ناتوان گردد. همچنین با از بین بردن عواملی که باعث تحریک یا تشویق افراد به ارتکاب جرم می شود، از وقوع جرم پیشگیری به عمل آید^{۹۴}.

درخصوص رعایت نکردن حجاب شرعی نیز، ساماندهی مسائل مربوط به پوشش از جمله اقداماتی است که می تواند فرصت ارتکاب این جرم را کاهش دهد. چرا که لباس و نوع پوشش افراد در یک جامعه یکی از مولفه های فرهنگی است و لباس هر فرد باید نمایانگر نوع زندگی، شیوه تفکر و باورهای او و جامعه اش باشد. لازمه موفقیت هر حاکمیتی در عرصه های عمیق تربیتی این است که به امور ظاهری که می تواند در فرایندهای تربیتی نقش داشته باشند، اهمیت دهد. هنگامی که در عرصه اندیشه و فرهنگ، الگوهای برتر پوشش به جامعه دینی معرفی شود؛ ولی افراد در بازار عرضه، مدل ها را مطابق معیارهای دینی و فرهنگی نیابند، عملاً وضع پوشش به حال خود باقی می ماند و حتی سیر نزولی پیدا خواهد کرد. حاکمیت دینی

^{۹۲} توکلی، محسن، ۱۳۹۰، پیشگیری اجتماعی از بدحجابی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی نراق، ص ۱۴.

^{۹۳} نحفی ابرنآبادی، علی حسین، ۱۳۸۲، تقریرات درس جرم شناسی، دوره کارشناسی ارشد، مجتمع آموزش عالی آزاد قم، تنظیم کننده مهدی

سیدزاده، ص ۱۸.

^{۹۴} همان، ص ۱۹.

باید به اختصاص یارانه هایی بیندیشد که بتواند به تولیدکنندگان در امر تولید ماتو و چادرهای پوشیده تر یاری رساند. در این میان تبیین صحیح جایگاه لباس در قوانین دینی و عرفی، جلوگیری از ورود مدها و لباس های غیرمتناسب با فرهنگ اسلامی ایرانی، همچنین برخورد قاطع با عوامل ترویج فرهنگ های مبتذل در جامعه امری ضروری است.

از جمله برنامه های این نوع پیشگیری عبارتند از:

برنامه های تبلیغی ترویجی فرهنگ حجاب و عفاف مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۰ در راستای مصوبه ۴۲۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی:

مصوبه چهارم این برنامه، برنامه هایی را در جهت حمایت از طراحی، تولید و عرضه پوشش اسلامی به تصویب رسانده است که با توجه به تعریفی که از پیشگیری وضعی ارائه شد، این برنامه ها می تواند در کاهش موقعیت ها و زمینه های رعایت نکردن حجاب شرعی تاثیر زیادی داشته باشد. با توجه به این که یکی از دلایل مهم رعایت نکردن حجاب شرعی از سوی بانوان نبود مدل های مناسب ایرانی اسلامی در بازار پوشاک است، توجه بیش تر به این موضوع و حمایت از پوشاک داخلی، می تواند یکی از راهکارهای مهم جهت کاهش فرصت و زمینه برای رعایت نکردن حجاب شرعی باشد.

آیین نامه راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب مصوب ۱۳۸۴/۱۰/۱۳ جلسه ۴۲۷ شورای فرهنگ عمومی:

در این مصوبه ابتدا سیاست ها و راهکارها در ۱۶ بند ذکر شده و پس از آن وظایف تخصصی دستگاه های قانونگذار و اجرایی در جهت حمایت از الگوهای ایرانی اسلامی و پیشگیری از رعایت نکردن حجاب شرعی به تفکیک بیان شده است. برای نمونه وظایفی که در این آیین نامه بر عهده وزارت بازرگانی قرار داده شده، گامی در جهت عرضه هر چه بیشتر پوشاک ایرانی اسلامی و حمایت از تولیدات داخلی و نیز نظارت بر واحدهای تولید و توزیع پوشاک است تا بدین ترتیب برای ارتکاب جرم رعایت نکردن حجاب شرعی کمتر فراهم گردد.

برخی از این وظایف عبارتند از: متنوع سازی لباس هایی که دارای پوشش و سبک اسلامی هستند به منظور افزایش دامنه انتخاب مصرف کنندگان این سبک از پوشش و جذب سایرین، افزایش وساماندهی و استمرار نظارت بر تولیدکنندگان البسه در داخل، تقویت توان تولید پوشاک در داخل با حمایت از کارآفرینان در این زمینه و تولید کنندگان، نظارت بر مکان های عمومی؛ رفع خلا های قانونی در این زمینه مانند ممنوعیت ورود و عرضه پوشاک دست دوم در فروشگاه ها.

بند دوم: پیشگیری فردمدار

منظور از پیشگیری فرد مدار، پیشگیری از طریق اعمال و اقداماتی است که بر خود فرد تاثیر می گذارد و بدین ترتیب خلائهای فردی را پر می کند. در پیشگیری فردمدار علاوه بر خود فرد به خانواده، مدرسه، محیط دوستان نیز می بایست توجه شود. پیشگیری فردمدار نیز خود شامل پیشگیری رشد مدار و پیشگیری اجتماعی است.^{۹۵}

پیشگیری رشدمدار پیشگیری از بزهکاری از طریق اتخاذ اقدامات مختلف در طول رشد فرد است. ویژگی این نوع پیشگیری آن است که علاوه بر خود فرد، شامل اشخاص و محیط هایی می شود که وی مجهز به وسایل مقاومت در مقابل جرم نکرده اند. پیشگیری رشد مدار نشان می دهد که مداخله به هنگام و به موقع درباره کسانی که به خاطر وضعیت خانوادگی در معرض ارتکاب جرم هستند، می تواند جلوی بزهکاری و استمرار تمایلات مجرمانه را در آن ها بگیرد. در پیشگیری رشد مدار در دوره های مختلف رشد جسمانی و عقلانی، یک سلسله اقدامات مناسب صورت می گیرد تا در آینده طفل مرتکب جرم نشود.^{۹۶}

پیشگیری اجتماعی یعنی مداخله در محیط اجتماعی عمومی و شخصی فرد. محیط اجتماعی عمومی مانند محیط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که نسبت به همه مشترک است و محیط اجتماعی شخصی که خاص خود فرد است مانند خانواده، همسالان و ...

^{۹۵} نجفی ابرنآبادی، علی حسین، ۱۳۸۲، منبع پیشین، ص ۱۴.

^{۹۶} همان، ص ۱۵.

از نظر جرم‌شناسی پیشگیری اجتماعی مبتنی بر علت‌شناسی جرم است. یعنی پیشگیری اجتماعی از جرم، مستلزم قبول این واقعیت است که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند. عوامل اجتماعی باید این عوامل جرم‌زا را خنثی کند. در پیشگیری اجتماعی تلاش می‌شود تا با انجام برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، رفاهی و نظایر آن‌ها و درمان نارسایی‌های اجتماعی و بالابردن ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی، شرایط یک منطقه و نیز وضعیت بالقوه اعتلا یافته و این روند به کاهش میزان جرم بینجامد.

باتوجه به آنچه که مطرح گشت در برخی مصوبات و آیین‌نامه‌ها برخی از نهادها موظف شده‌اند که با تاثیرگذاری بر محیط‌های مختلفی که فرد از آنها تاثیر می‌پذیرد، افراد جامعه را به سمت رعایت هر چه بیشتر حجاب و عفاف ترغیب و تشویق نمایند. در ادامه برخی از این راهکارها که در بحث پیشگیری فردمدار مطرح می‌گردد بیان می‌شود:

۱- آیین‌نامه راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ حجاب و عفاف مصوب ۱۳۸۴/۱۰/۱۳ جلسه شورای فرهنگ عمومی:

این آیین‌نامه وظایف تخصصی دستگاه‌های قانونگذار و اجرایی را در جهت پیشگیری از رعایت نکردن حجاب شرعی به تفکیک بیان نموده است و در این راستا از ۲۶ دستگاه قانونی و اجرایی نام برده شده است. از آن‌جا که در پیشگیری فردمدار، پیشگیری هم از طریق اتخاذ اقدامات مناسب در طول رشد فرد و هم از طریق مداخله در محیط اجتماعی عمومی و شخصی فرد صورت می‌گیرد. موارد مطرح شده در این آیین‌نامه به نظر موارد مهم و کلی است که اگر وارد حوزه‌ی اجرا شود، بعد از مدتی اثرات مهم و قابل توجهی بر فرهنگ حجاب جامعه خواهد داشت. صدا و سیما به عنوان مهمترین وسیله‌ی ارتباط جمعی، متأسفانه در طی این ۳۰ سال، به جای گسترش فرهنگ حجاب، به فرهنگ ضد حجاب روی آورده است و این وضعیت در شبکه‌های برون‌مرزی آن شدیدتر به چشم می‌خورد.

۲- برنامه تبلیغی ترویجی فرهنگ عفاف و حجاب:

مصوبه سوم این برنامه با توجه به الگوپذیری زیاد کودکان نوجوانان و جوانان از مربیان و آموزگاران و اساتید خود، وظایفی را بر عهده مهدکودک ها، مدارس و دانشگاه ها در راستای پیشگیری رشد مدار و پیشگیری اجتماعی قرار داده است.

در حوزه مهدکودک ها مقرر شده است که طرح جامعی درخصوص نحوه رفتار مربیان و مدیران با کودکان با رویکرد عفاف و حجاب و شیوه های تربیتی کودکان توسط بهزیستی تهیه شود. برای نمونه دستورالعمل جامع درخصوص پوشش و رفتار مدیران و مربیان در راستای الگوپذیری کودکان و نیز تهیه و ارائه برنامه آموزشی، تربیتی و لوح های فشرده مناسب برای نهادینه کردن عفاف و حجاب متناسب با شرایط سنی و فرهنگ محلی کودکان.

همچنین در ای مصوبه باتوجه به اهمیت بحث خانواده ها و همراهی آن ها با برنامه های تبلیغی حجاب و عفاف فرزندان در مدارس، مقرر شده است که انجمن اولیا و مربیان طرح مناسبی را برای آموزش و اقلان سازی خانواده ها با موضوع عفاف و حجاب ارائه نماید.

گفتار دوم: اقدامات اداری و انضباطی

علاوه بر وضع مجازات کیفری برای مرتکبین جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، در تعدادی از قوانین و آیین نامه، جرم بی حجابی را به عنوان یک تخلف اداری انضباطی مد نظر قرار می دهند و حسب مورد مرتکب را مشمول تنبیهات اداری مربوط می سازند. در این گفتار برخی از این قوانین و آیین نامه ها ذکر می گیرد.

الف) قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷

متأسفانه نداشتن حجاب شرعی حتی در نهاد های حکومتی روندی رو به رشد داشته و این موضوع بیشتر از هر چیزی ریشه در عدم توجه مسئولین نهاد های مذکور به نقض قانون در این مراکز و نهاد ها دارد قوه

قضایه نیز از این قاعده مستثنی نیست ، به طوری که رییس قوه قضایه در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۷ بخشنامه ای در این خصوص به واحدهای قضایی، اداری و سازمان های وابسته به قوه قضایه ابلاغ کرد.

ب) قانون بازسازی نیروی انسانی وزارت خانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت

این قانون که ۶۳ ماده و ۲۶ تبصره دارد و در ۵ مهرماه ۱۳۶۰ به تصویب رسید.

بند ۵ ماده ۱۸ این قانون، نداشتن حجاب شرعی را عملی خلاف اخلاق عمومی جامعه دانسته است.

ماده ۲۰ این قانون انواع مجازات ها را به ترتیب درجه و اهمیت بیان کرده است که از توبیخ کتبی با درج در پرونده شروع شده و به انفصال دائم از خدمات دولتی و موسسات وابسته به دولت ختم می شود.

ج) آیین نامه اجرایی مدارس

آیین نامه اجرایی مدارس در ۱۱۰ ماده و ۵۲ تبصره، در ۲ مرداد ماه ۱۳۷۹ به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید. قانون گذار در این آیین نامه به پوشش دانش آموزان دختر اشاره کرده است. این قانون نوع لباس را بیان نموده، ولی به حدود پوشش و شیوه پوشش اشاره ای نکرده است.

مطابق ماده ۷۶ این آیین نامه، دانش آموزان متخلفی که راهنمایی ها و چاره جویی های تربیتی، در آن ها مفید و موثر نمی افتد، با رعایت تناسب به یکی از روش های مذکور در آیین نامه مورد تنبیه قرار می گیرند. این روش ها از تذکر و اخطار شفاهی تا انتقال به مدرسه دیگر را در برمی گیرد.

د) آیین نامه حفظ حدود آداب اسلامی در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی

این آیین نامه در یک صد و بیست و یکمین جلسه شورای اسلامی عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۶ به تصویب رسید.

مفاده این آیین نامه حدودی را برای برخوردها و معاشرت های دانشگاهیان علی الخصوص دانشجویان طی چند بند برشمرده است. نحوه پوشش دانشجویان و روابط استاد و دانشجو از مهمترین موضوعاتی است که در این حوزه به چشم می آید.

این دو موضوع را شاید بتوان جزء بیشترین موضوعات ارجاعی به کمیته های انضباطی دانست. قانون گذار در این حوزه و در آخرین بندهای خود جدیت بیشتری نیز از خود نشان داده و به صورت منجر به انشای حکم اقدام کرده است.

روابط میان استادان و دانشجویان و کارمندان باید مطابق با مقررات دانشگاهی و ضوابط اخلاق اسلامی باشد و هرگاه کسی خلاف آن را مشاهده کرد، بنابر اصل نهی از منکر به متخلفان تذکر داده و اگر تذکر او موثر واقع نشد، مراتب را به مقامات مسئول دانشگاه اطلاع دهد. زنان در محیط کار و تحصیل باید از پوشش اسلامی استفاده کنند و از پوشیدن لباس های تنگ و زننده و آرایش و تبرج پرهیز کنند.

در این آیین نامه برخی اصول و قواعد وضع شده تا با اجرای آن ها دانشگاه ها به هدف نهایی مصوبه یعنی رعایت شئون و حدود آداب اسلامی نزدیک شوند. اما نکته قابل توجه این است که در بسیاری از مفاد این آیین نامه، عبارات طوری تنظیم شده است که مخاطبان آن را بیش تر از آن که الزا آور بدانند، توصیه نامه اخلاقی تصور می کنند. نکته آخر آن که، طبق بند که آخرین بند این آیین نامه نیز هست، فصول بعدی این آیین نامه متعاقبا به تصویب شورای عالی فرهنگی خواهد رسید. امروز که حدود ۲۱ سال از تصویب این آیین نامه می گذرد، هنوز مصوبه ای در اجرای این بند تصویب نشده است، مگر یک الحاقیه که نه به عنوان یک بخش بلکه به صورت ماده واجده و در موضوع سفرهای دانشجویی در سال به تصویب شورای عالی فرهنگی رسیده است.

ه) آیین نامه انضبای دانشجویان جمهوری اسلامی ایران

این آیین نامه در ۱۴ ماده و ۵۴ بند و ۳۰ تبصره در جلسه ۳۵۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۷۴/۶/۱۴ به تصویب رسید.

ماده ۶ آیین نامه مذکور، حدود اختیارات و وظایف کمیته های انضباطی دانشگاه و کمیته مرکزی انضباطی را شامل رسیدگی به چهار دسته از جرایم و تخلفات دانسته است که یکی از آن ها تخلفات اخلاقی است و در ذیل تخلفات اخلاقی، از عدم رعایت پوشش اسلامی یا استفاده از پوشش و آرایش مبتذل نام برده شده است.

ماده ۷ نیز تنبیهاتی را برای تخلفات مذکور در ماده قبل، مقرر نموده است که برخی از این تنبیهات عبارتند از: احضار و اخطار کتبی، توبیخ کتبی، محرومیت از تسهیلات رفاهی دانشگاه، منع موقت از تحصیل تا مدت معین، اخراج دانشجو از دانشگاه ...

به طور کلی پس از بررسی آنچه که مطرح گشت، می توان گفت تاثیرگذاری مکانیزم کیفر در کنترل و پیشگیری از وقوع جرم از دیرباز و به خصوص پس از ظهور علم جرم شناسی، مورد نقد و بررسی فراوان قرار گرفته است و در مواردی به کلی مردود دانسته شده و در مواردی دیگر به صورت مشروط مورد قبول واقع شده است. با این حال باید اذعان نمود که هرچند بی حجابی یکی از معضلات فرهنگی اجتماعی جامعه است که حل آن نیازمند اقدامات و سیاست گذاری های فرهنگی است، اما صیانت از جامعه اقتضا می کند که هر پدیده اجتماعی هنگامی که بنا بر نص قانون جرم محسوب می گردد، با مواجهه قانونی با آن یعنی با اعمال مجازات های مقرر از کیان اجتماعی حراست شود.

فصل چهارم: سیاستهای اجرایی و مشارکتی جمهوری اسلامی ایران در قبال بی حجابی

مبحث اول: سیاست‌های اجرایی جمهوری اسلامی ایران

گفتار اول: دیدگاه امام در رابطه با بدحجابی

با الزامی شدن حجاب در اماکن و معابر عمومی جامعه در کشور همه در مورد رعایت حجاب خود را ملزم دانسته و آن را رعایت مینمودند از سال ۱۳۶۲ به بعد کشور به کم کم با پدیده جدیدی به نام بدحجابی رو برو شد همین امر مقنن را بر آن داشت که در تصویب قانون مجازات در سال ۱۳۶۲ به این مسئله توجه نماید و برای خاطیان مجازات ۷۲ ضربه شلاق را در نظر بگیرد.^{۹۷} با این حال، فرمایش امام در مسئله حجاب در این دوره را باید در سه موضوع مستقل تحلیل کرد:^{۹۸}

- اول آنکه تأکید امام راحل در ابتدا حجاب در مراکز دولتی بود و نه فضای کل جامعه بود.
- دوم آنکه امام در مورد حجاب در اعلان عمومی فقط نحو خاصی را مورد اشاره قرار نداده هرچند از صحبت های ایشان میتوان فهمید که تأکید ایشان بر حد اعلی حجاب یعنی چادر بوده است.
- در نهایت، سوم آنکه، امام راحل در مسئله تعرضی عده ای به بانوان به علت نداشتن پوشش مناسب این اقدام را خلاف شرع اعلام کرده و این موضوع را وظیفه نهاد های مسئول و نیروهای کمیته دانستند.

گفتار دوم: دیدگاه رهبر انقلاب در قبال مسئله حجاب

بعد از سال ۱۳۶۸ و به رهبری رسیدن حضرت ایت‌الله خامنه‌ای بدحجابی همچنان روندی فزاینده داشته است. هرچند قوانین جزایی هم در این دوره مانند ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی به عنوان مهم ترین جرم انگاری در مورد حجاب وجود داشته است.^{۹۹} در همین راستا، شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۴

^{۹۷} اولین قانونی که درخصوص پوشش زنان به تصویب رسید، ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات بود که در حال حاضر به صورت تبصره ای به ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ الحاق شده است.

^{۹۸} جاوید، محمدجواد، ۱۳۸۸، تاملی در ابعاد نظری و عملی حجاب، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ص ۲۳

^{۹۹} اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۲، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ پنجم، ص ۱۲۸.

، قانون راه کارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب را به تصویب می رساند؛ قانونی که هدف از ارائه آن، درونی و نهادینه کردن حجاب و عفاف، با مشارکت و توجه جدی همه نهادها و دستگاه ها به صورت مستمر و هدفمند است.

هرچند ماقم معظم رهبری همواره همگان را به تبعیت از قانون و عمل کردن در چار چوب قوانین فراخوانده لکن در فرمایشات معظم له نیز صراحتی بر اجبار زنان به حجاب دیده نمیشود، بالعکس همواره دفاع منطقی از اصول اسلامی در قالب امر به معروف و نهی از منکر بصورت لسانی دیده می شود. حتی ایشان در مواردی این مسئله را نقض دانسته که ممکن است در هر انسانی دیده شود و میفرمایند این موضوع نباید موجب دلسرد شدن عده ای از انقلاب و آرمان هایش شوند. این وسعت دید لزوم کار فرهنگی را در کنار راهکار های حقوقی نمایان میسازد. موضوع اصل حجاب و حدود و ثغور فراتر از حکم شرعی و واجب آن هرچند از سوی قانون گذار دولت اسلامی می تواند موضوع الزام قانونی باشد، باید همواره به خاطر داشت که این حکم همیشه حکم ی ثانویه و مصلحتی است و در صورت رفع شرایط الزام و اضطراب بازگشت به وضع اولیه حکم در حدود شریعت، و نه کم و بیش، واجب و لازم است.^{۱۰۰}

گفتار سوم: حجاب اسلامی و سیاست های آموزش همگانی

اصل هشتم قانون اساسی ناظر به امر به معروف و نهی از منکر است ولی باید به این نکته دقت داشت که اول باید زمینه هایی که وظیفه ی حکومت در اصل سوم بیان شده ایجاد شود سپس به سراغ اصل هشتم رفت. این زمینه ها مربوط به آموزش همگانی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر است.^{۱۰۱} به نظر میرسد بهترین راه کار در این مورد گنجاندن و بسط این موضوع در آموزش های دوران تحصیل است. چرا که اگر آموزش و عمل در این باره از دوران تحصیل در مدرسه شروع وزمینه های آن در فرد به طور آموزشی و عملی ایجاد شود این مسئله قطعاً هنگام ورود فرد جامعه و ایفای نقش توسط وی در جامعه میتواند بسیار

^{۱۰۰} اقلی پور، آرین، ۱۳۸۶، نقش دولت در نهادینه سازی حجاب، فصلنامه کتاب زنان، سال دهم، شماره ۳۸

^{۱۰۱} باقری، شهلا، ۱۳۹۰، زن، دین و جامعه، تحلیل جامعه شناختی از مسائل زنان و خانواده، تهران، محراب

نمایان تر از وضعیت فعلی بروز نماید. امر به معروف و نهی از منکر یم فضیلت اگر نگوییم فراموش شده حداقل بسیار کم رنگ در جامعه امروز است. مدرنیته و رسانه ها از یک طرف و مشغله های زندگی روزمره از طرف دیگر انسان ها به فردگرایی و حذر کردن از داشتن رابطه صحیح و منطقی با یک دیگر سوق میدهد و این موضوع سبب شده تا انسان امروز به امر به معروف و نهی از منکر به عنوان پدیده ای دور از ذهن و امری که انجامش منطقی به نظر نمی رسد بنگرد این درحالیست که اسلام با این حکم خود به دنبال ایجاد و بسط یک کنترل اجتماعی قوی از ناحیه خود جامعه بر خود جامعه بوده که قطعاً از هر ناظری تاثیر آن بیشتر است. این در حالیست که دانشمندان عصر حاضر را عصر ارتباطات نامیده اند ولی باید به این نکته توجه داشت که ارتباط برابری و برادری مطرح در اسلام که افراد مسلمان همانند دو برادر حافظ شئونات هم دیگر و حساس و متذکر نسبت به نقض ارزش های جامعه اسلامی هستند بسیار متفاوت از رابطه ای مدرن و غالباً یک سویه از طرف رسانه ها به منظور تاثیر در جهت سیاست و اقتصاد و تسلط بر جامعه بر بستر فضای مجازی و ماهواره ای است. سیاست گذاران عرصه آموزش باید نسبت به این موضوع حساس بوده و در جهت نهادینه سازی ارزش های اسلامی در آموزش و پرورش که بسیار ضروری است اقدام نمایند.

مبحث دوم: فرایند نظام سازی در حوزه حجاب

گفتار اول: نهادهای سیاستگذاری فرهنگی در قبال حجاب

الف) شورای عالی انقلاب فرهنگی

ایده آغازین انقلاب فرهنگی را باید در صدور پیام نوروزی امام خمینی (ره) در اول فروردین 1359 دانست. ضرورت ایجاد انقلاب اسلامی در دانشگاههای سراسر کشور، تصفیه اساتید مرتبط با شرق و غرب و تبدیل دانشگاه به محیطی سالم برای تدوین علوم عالی اسلامی در بند یازده این پیام نوروزی شورای انقلاب را بر آن داشت تا بر رسیدگی و نظارت بر این سه امر متمرکز گردد. این شورا در ملاقات با امام در بیانیه 1/ 29 / 1359 خود مقرر نمود که دانشگاه باید از حالت ستاد عملیاتی گروههای گوناگون خارج شود و بدین منظور سه روز مهلت بر چیده شدن دفاتر و تشکیلات گروه ها در دانشگاهها تعیین کردند متعاقب تعطیل رسمی

دانشگاهها، امام خمینی (ره) در 23 / 3 / 1359 فرمانی را مبنی بر تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی صادر کردند و این شورا، به جهت اعضا سه بار دچار ترمیم تشکیلاتی شد و در نهایت در تاریخ 1375/9/14 با پیام رهبری ضمن تعیین ترکیب جدید اعضای شورای عالی وارد مرحله جدید از حیات سازمانی شد. در این مرحله شورای عالی انقلاب فرهنگی موظف گردید در راس فعالیتهای خود به مدیریت فرهنگی جامعه در عرصه های مختلف بپردازد و با سیاستگذاری های اصولی خود زمینه را برای پیدایش جامعه ای بهره مند از حیات طیبه الهی فراهم سازد. شایان ذکر است که این شورا به سبب اقتدار سیاسی و اجتماعی اعضای آن در هریک از نهادهای مجریه، قضائیه و مقننه که در حاضر بالاترین مقامات رسمی سه قوه عضو این شورا هستند و هم چنین شرح وظایف مفصل و مبسوط خود بالاترین شورای سیاستگذار در زمینه فرهنگی کشور است که ماموریت خود را تعیین و تدوین مهمترین اصول و اولویت های لازم و ضروری در عرصه فرهنگ قرار داده و با تمسک به اندیشه ها و دیدگاههای حضرت امام خمینی و رهبری فعالیت می کند^{۱۰۲}.

ب) معاونت امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری

ایده اولیه معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری به سال 1361 با عنوان کمیسیونهای امور بانوان در وزارت کشور و به صورت آزمایشی در فرمانداری قم تشکیل شد و به دنبال آن کمیسیونهای امور بانوان در سال 1361 در سراسر کشور شکل گرفت. در سال 1361، به پیشنهاد ریاست جمهوری وقت، آیت الله هاشمی رفسنجانی، تأسیس دفتر امور زنان زیر نظر رئیس جمهور در شورای عالی انقلاب فرهنگی، تصویب گردید. این دفتر فعالیت خود را با هدف ارتقا و بهبود وضعیت زنان و ارتقای توانای یهای آنان برای شکوفایی و تحقق استعدادهای خود در جهت تعالی و توسعه جامعه اسلامی سامان داد. از زمان تشکیل تغییرات زیادی در دولتها پشت سر گذاشت و سرانجام با روی کار آمدن دولت نهم، و در اولین اقدام، حوزه عمل این مرکز را به مرکز امور زنان و خانواده توسعه داد و در تاریخ 4 خردادماه 1392 با تأیید و امضای معاونت برنامه

^{۱۰۲}سایت شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۸،

ریزی رئیس جمهور دولت دهم چارت جدید مرکز با نام معاونت امور زنان و خانواده تأیید و به مرکز اعلام شده است.

ج) مجلس شورای اسلامی

اولین نهاد قانونگذاری در ایران همواره و در طول ادوار تاریخ کشور مورد توجه جدی بوده است. مجلس نهاد قانونگذاری در ایران در ادوار مختلف تاریخ دستخوش تحولاتی بوده و نقش های مهمی را ایفا کرده و منشا بسیاری از اتفاقات مهم بوده است. براساس اصل هفتاد و یکم قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی صلاحیت عام قانونگذاری را دارا است و در عموم مسایل در حدود مقرر در قانون اساسی می تواند قانون وضع کند. مجلس شورای اسلامی علاوه بر وظیفه قانونگذاری، مسوولیت های نظارتی نیز بر عهده دار است.

گفتار سوم: نقش و اهمیت نهادهای آموزشی

اتخاذ سیاست عالمانه و جامع و تامین و طراحی برنامه ها و اقدامات مرتبط و متناسب در هر نظام رسمی ضرورت دارد. نظام آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران در کنار تکالیف آموزشی و اداری و پژوهشی دارای ماموریت های فرهنگی سترگی است. یکی از حساس ترین و مهمترین آنها که به نحوی با کارآمدی آن هم گره خورده است؛ تأمین محیطی عقیف و امن به لحاظ جنسیتی است تا با مدیریت رفتار فرهنگی روابط انسانی، دانشگاه را مستعد اهداف متعالی بدارد. این مهم مسبوق به رعایت حجاب اسلامی در شرایط مختلط، احتراز از اختلاط های غیر ضرور، عفت و پیشگیری های شخصی و محیطی در مناسبات خواهد بود. در ویرایش دوم سند دانشگاه اسلامی به مثابه پیشانی رهیافت و مواجهه نظام با دانشگاه به این مسأله مستقلاً پرداخت شده است.^{۱۰۳}

^{۱۰۳} امامی، مجید، طاهری، کاظم، مطهرنژاد، مجید، ۱۳۹۳، شبکه عوامل زمینه ها و راه حل های مسأله حجاب در دانشگاه های ایران؛ بایسته های برنامه ریزی فرهنگی با استفاده از نظریه زمینه ای، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال چهارم، شماره سوم، ص ۴۵۲.

دانشگاه‌ها از جمله مراکز حساس و مهمی هستند که در مصالح و مفاسد جامعه نقش تعیین‌کننده و موثری را ایفا می‌کنند. دانشگاه نقطه اساسی هر جامعه و کشوری است، اگر دانشگاه اصلاح شود آینده آن جامعه اصلاح خواهد شد. اگر دانشگاه فاسد بشود، سرنوشت آن جامعه فساد است. حجاب در اسلام نه یک مسئله فردی بلکه یک وظیفه اجتماعی دیده میشود و به همین دلیل در یک جامعه اسلامی که باید حاکمیت و افراد آن پاسدار ارزش‌های اجتماعی باشند حجاب باید مورد توجه و تلاش همه ارکان این حاکمیت و جامعه باشد. متأسفانه هنوز افرادی هستند که پوشش در انظار عمومی را مسئله‌ای شخصی میدانند در حالیکه اجتماعی بودن حجاب یک اصل است. در ادارات و نهاد‌های دولتی باید این اصل نصب العین همگان قرار گیرد و قبل از همه خود افراد شاغل در این نهاد‌ها و ادارات به آن عامل باشند. امروز بسیاری از زنان حاضر در جامعه همین زنان شاغل هستند که با توجه ایشان به حجاب میتوان عده‌ی کثیری از زنان را دارای حجاب شرعی دانست^{۱۰۴}.

مدرسه مرکز دیگر آموزشی است که فرد در ادامه تحصیلات خویش وارد آن می‌شود قطعاً مدرسه بعد از خانواده دومین نهاد پر تأثیر بر یادگیری و نهادینه‌سازی ارزش‌ها توسط فرد است. یک کودک خردسال قریب به ۱۲ سال در مدرسه آموزش میبیند که بعد از این مدت یک جوان بیرون می‌آید. آیا میتوان در مورد ارزش‌ها صحبت کرد و نقش این چنین نهادی را که در حساس‌ترین برهه زندگی همراه آدمی است نادیده گرفت؟ قطعاً خیر. چه بسا خانواده‌هایی که فرزندان خود را براساس اخلاق اسلامی تربیت می‌کنند ولی پس از وارد شدن در محیط مدرسه دچار انحراف می‌شوند. از آن جایی که معمولاً دانش‌آموزان، معلم خود را الگو و سرمشق خود قرار می‌دهند و از معلم یاد میگیرند، باید در گزینش معلمان و نظارت بر آنان سعی وافر انجام داد. سازمان آموزش و پرورش باید بیش از هر نهادی در راستای راستی‌آزمایی سلامت اخلاقی و دینی معلمان و مستخدمان خود قدم بردارد چرا که این قشر بیشتر از هر قشری انسان‌ساز هستند. تبلیغ عملی حجاب آنجا اتفاق می‌افتد که یک معلم اسوه و مظهر همه‌ی خوبی‌ها و کمالات در نظر دانش‌آموز میشود. اگر این معلم از نظر اخلاقی که حجاب نیز مظهري از ان است در سطح بالایی قرار

^{۱۰۴} همان، ص ۴۵۵.

داشته باشد قطعا فرایند شبیه سازی والگو پذیری دانش آموز از معلم نیز رخدادی خوشایند است. اهتمام به مثبت نگری و زیباسازی فرهنگ حجاب در تالیف کتب درسی، اجرای مسابقات فرهنگی-هنری-علمی با موضوع حجاب، تجلیل از دختران ممتاز با حجاب، ترویج الگوهای اسلامی در پوشش دانش آموزان و کادر مدرسه، غنی سازی اوقات فراغت دانش آموزان، در نظر گرفتن امتیازات برای کسانی که پوشش اسلامی را رعایت می کنند... از جمله کارهایی است که سازمان آموزش و پرورش برای گسترش حجاب باید در برنامه کاری خویش قرار دهد^{۱۰۵}.

ریشه کن کردن بی حجابی بدون حضور افراد جامعه و همت همگان ناممکن است. اگر زنان محجبه و مردان متعهد در جامعه نسبت به افراد بی حجاب حساس بوده و با تذکر آنان را مهمان جرئه ای از معرفت اسلامی نمایند قطعا این افراد هنجار شکن نیز برای رهایی از تذکر های پی در پی و برای همسو کردن خود با محیط اطراف تلاش می کنند. پس، برای نهادینه کردن حجاب، رسانه و مراکز آموزشی از مراکز مهم فرهنگ سازی و ترویج آن می باشد. هر چند که از سایر مؤسسات نیز نباید غافل شد. همه باید برای گسترش حجاب قیامی آگاهانه داشته باشند تا بانوان ایرانی الگوی تمام زنان جهان باشند و از حيله ها و توطئه های شوم مستکبرین رهایی یابند. فقط با حجاب اسلامی است که زن به جایگاه واقعی خویش در جامعه دست می یابد و می تواند در تمام عرصه ها حضوری پررنگ و موثر داشته باشد.

مبحث سوم: مسئولیت نهادها در قبال بی حجابی

گفتار اول: مجلس شورای اسلامی و طرح سامان دهی مد و لباس

مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۱۲ قانون ساماندهی مدل و لباس را به تصویب رسانید. در موارد مختلف این قانون نیز در جهت حمایت از پوشاک ملی و تولیدات داخلی وظایفی برعهده هر یک از

^{۱۰۵} فرجی، مهدی، حمیدی، نفیسه، ۱۳۸۹، پوشش و حجاب زنان ایران، سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی، ص ۶۵.

نهادهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، وزارت بازرگانی، وزارت خانه های تعاون، کار و امور اجتماعی و صنایع و معادن و سایر دستگاه های دولتی قرار داده شده است.

ماده (۱) قانون ساماندهی مد و لباس مصوب ۱۳۸۵ مقرر می دارد: به منظور حفظ و تقویت فرهنگ و هویت ایرانی - اسلامی، ارج نهادن، تبیین، تثبیت و ترویج الگوهای بومی و ملی، هدایت بازار تولید و عرضه البسه و پوشاک براساس طرحها و الگوهای داخلی و نیز در جهت ترغیب عموم مردم به پرهیز از انتخاب و مصرف الگوهای بیگانه و غیرمأنوس با فرهنگ و هویت ایرانی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است جهت پی ریزی ساختار مدیریتی موضوع این قانون، کارگروهی (کمیته های) متشکل از یک نفر نماینده تام الاختیار از هرکدام از وزارتخانه های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، بازرگانی و صنایع و معادن و سازمانهای صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران و مدیریت و برنامه ریزی کشور و سه نفر از نمایندگان صنوف ذی ربط (طراحان و تولیدکنندگان) و یک نفر نماینده از کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر تشکیل دهد.

از آن جا که مهمترین هدف از اجرای طرح ساماندهی مد و لباس تا حدودی تغییر رویکرد و گرایش به مدهای خارجی است، باید در تعریف پروژه و شیوه های اجرای آن علل رویکرد نسبی به مدل های خارجی را هم بررسی کرد.

در این جا سوالی که پیش می آید این است که اجرای قانون ساماندهی مد و لباس ایرانی تا چه اندازه می تواند از آشفتگی بازار عرضه الگوهای خارجی بکاهد و خود چگونه می تواند رغبت عامه مردم را در حمایت و مصرف پوشاک بومی برانگیزاند؟

درواقع مد و لباس ایرانی می تواند بازار ورود و عرضه پوشاک و مد خارجی را تعطیل کند که سلیقه و انتخاب مردم مدنظر مدیران مربوط باشد. البته از تبلیغات و آگاهی بخشی در جهت رویکرد مردم به مد و تولیدات داخلی و آثار اقتصادی آن نباید غافل شد.

الگوهای ارائه شده در نتیجه اجرای این طرح باید جوان پسند باشد. بنابراین باید در این مسیر به گونه ای حرکت کرد که وقتی جوان طرح ها، رنگ ها و مدل ها را با انواع غربی آن مقایسه می کند، برای رویکرد به طرح های داخلی رغبت بیشتری از خود نشان دهد؛ از این رو تنها در صورتی می توان به طرح ساماندهی دل بست که اصول حاکم بر آن کم کردن تبرج و تمایل به خودآرایی باشد، نه ایجاد زمینه های جدید برای خودنمایی.

گفتار دوم: سیاست های کلان فرهنگی و مسئله حجاب

فرهنگ اصیل ایرانی که همواره حیا و عفت از ارزش های مورد توجه آن بوده اند همیشه به حجاب به عنوان یکی از شاخصه های زنان اصیل نگریسته. وجود این موضوع در بطن فرهنگ موجبات دفاع فرهنگ ایرانی را از قانون الزامی بودن حجاب فراهم کرده است. فرهنگ در هر جامعه ای مانند هوای مورد نیاز برای تنفس افراد آن جامعه است. فرهنگ هویت انسان را میسازد و انسان با هویت تداوم حیات فرهنگ را رقم میزند. نظام خط مشی گذاری فرهنگی در افزایش نظام مندی عرصه های نرم افزاری جامعه نقش نسبتاً کلیدی ایفا می کند که بسترسازی فرهنگی مناسبی برای عرصه های سخت افزاری جامعه مثل سیاست و سیاست گذاری را فراهم می کند. اهمیت کمی و کیفی و ضرورت نظام سازی فرهنگ، میزان و ماهیت استحکام نظم فرهنگی، در تنظیم و حفاظت از نظام خط مشی گذاری فرهنگی تعیین کننده است. حال این سؤال مطرح است که مسئولان از چه مکانیزمی برای شکل دهی حجاب استفاده می کنند؟ مقررات، اعمال و ساختارها در طول زمان نهادینه می شوند و با درجاتی متفاوت از ثبات دوام می آورند. مکانیزم های متفاوتی را می توان برای نهادینه سازی به کار گرفت و بسته به این مکانیزمها، زمان و ثبات نهادینه سازی متفاوت خواهد بود. سازوکارهای نهادینه سازی حجاب عبارتند از: انضباط، نفوذ و زور. چرخه نهادینه سازی حجاب شامل شکل گیری (نوآوری و رشد) اشاعه، مشروعیت یابی و ثبات است^{۱۰۶}. نظام سیاست گذاری فرهنگی در

^{۱۰۶} خیدانی، لیلا، ۱۳۹۴، بررسی فرهنگ حجاب و عفاف و نگرش آن در بین دانشجویان، مجله پژوهش زنان، شماره ۱۲، ص ۷۴.

راستای نظام هنجاری برمبنای دو اقدام عمده است که شامل^{۱۰۷}: ۱- تنظیم هنجاری روابط بین واحدها بر مبنای اصول مشترک ارزشی که از طریق نهادینه شدن اجتماعی و نهادینه شدن فرهنگی میسر می شود؛ ۲- تنظیم هنجاری روابط درون واحدها از طریق درونی کردن فرهنگ. جوهره نهادینه شدن، تداوم یا ثبات است. در این فرایند، استانداردها، اعمال و ساختارها در جامعه ویژگی جاودانگی پیدا می کنند. این فرایند ممکن است: ۱) به عمد، برنامه ریزی شده و سیاسی باشد؛ ۲) غیرعمدی، برنامه ریزی نشده باشد؛ ۳) شناختی یا ترکیبی از این دو باشد.

براین اساس ازجمله ویژگی های عمده نظام سازی در خصوص ارتقاء فرهنگ حجاب این است که براساس تشکیل و تکوین هویت در ساحت طبیعی انسانی شکل بگیرد و قلمرو تداخلات زیست شناختی، اجتماعی و روانشناختی را مدنظر قرار داده و از این رهگذر بتواند برای خود دارای نظریه هویت جنسیتی و اخلاق جنسی باشد.

گفتار سوم: رسانه های ارتباطی و مسئله حجاب

بدیهی است در کنار شرایط مساعد اجتماعی برای ارزش تلقی کردن و الگوپذیری این فرهنگ، نیازمند درونی و نهادینه شدن آن در وجود افراد است. بدون شک رسیدن به این هدف مشارکت و توجه جدی همه نهادها و دستگاهها را به صورت مستمر و هدفمند می طلبد.

ازجمله دستگاه های اساسی در این خصوص رسانه های ارتباطی و علی الخصوص سازمان صدا و سیما است. در واقع پس از پیروزی انقلاب اسلامی دگرگونی های عمده ای در ساختار نظام کشور و فرهنگ مردم به وقوع پیوست، رسانه ملی نیز دستخوش این دگرگونی شد^{۱۰۸}.

^{۱۰۷} رهبر، محمدتقی، ۱۳۹۳، سبک زندگی اسلامی، و مسئله حجاب و عفاف، مجله پاسدار اسلام، شماره ۳۹۱، ص ۴۰.

^{۱۰۸} مختاریان پور، مجید، گنجعلی، اسدالله، ۱۳۹۰، نهادی سازی عفاف و حجاب در جامعه، رویکردی فرایندی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۲، ص ۳۲

گفتار چهارم: نیروی انتظامی و مقابله با بی حجابی

همانطور که ذکر شد عدم رعایت حجاب شرعی جرم است و از طرفی پلیس هم مامور به برخورد با مجرمان و هنجار شکنان است. در این مورد با توجه به چند بعدی بودن مسئله حجاب و به وجود آمدن نوعی حساسیت در این باره و عدم شفافیت در قانون در مورد نحوه مقابله پلیس با این موضوع سه دیدگاه عمده وجود دارد: دیدگاه اول که ناظر بر وظیفه پیشگیری و اصلاح نیروی انتظامی در قبال عدم رعایت حجاب است، دیدگاه دوم که بیان میدارد که نیروی انتظامی باید فقط با جرم مقابله کند و در مورد از بین بردن بد حجابی باید نهاد های مرتبط فرهنگی و اجتماعی را مسئول دانست و دیدگاه سوم فردی و شخصی بودن حجاب را بیان میکند و اعتقادی به ورود نیروی انتظامی در وادی ندارد.^{۱۰۹}

در باب مقابله نیروی انتظامی با هنجار شکنان در مورد حجاب، یک تحقیق با در نظر گرفتن دیدگاه مسئولین انتظامی، قضایی و روحانیون انجام شد و مشخص گردید که در این باب نظر های متفاوتی در مورد نحوه مقابله با حجاب وجود دارد. عده ای از فرماندهان نظر به عدم وجود انسجام و شفافیت در قانون اشاره داشتند و برخی از مسئولین به عدم هماهنگی قانون با عرف رایج و غالب جامعه در مورد حجاب پرداختند. ناجا به عنوان رکنی از حاکمیت علاوه بر دیده بانی از اجرای قانون در جامعه و وظیفه حفظ امنیت در جامعه و مقابله با بی اخلاقی های اجتماعی را دارد و لذا نقش و عملکرد پلیس، خصایص و مسئولیت های اجتماعی و چالش های پیش رو ناجا در مواجهه با فساد های اجتماعی و چالش های پلیس در چگونگی تصمیم گیری صحیح و روزآمد در مواجهه با این پدیده ها در چار چوب قانون از مسائل تحقیقات جامعه شناسی است. در مجموع مقابله ناجا با عدم رعایت حجاب بانوان بدون به کار بردن روش های عقلانی و بدون در نظر گرفتن حساسیت های امروز جامعه و با عدم مشارکت مردم، مشارکت

^{۱۰۹} صفار دستگردی، مهدی، ۱۳۸۲، بدحجابی در نگرش جامعه شناختی، فصلنامه کتاب زنان، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۲۳.

نهاد های مردمی و کمک دولت مردان عملکرد و مشروعیت و موقعیت اجتماعی ناجا را با وجود فداکاری های این نهاد در راه ایران اسلامی مورد هجومه قرار میدهد^{۱۱۰}.

سالم نگه داشتن فضای زیست عمومی و اجتماعی یک وظیفه همگانی، به ویژه برای پلیس است. دشمنان در چهار دهه گذشته، بیشترین امکانات و اقدامات مذبحخانه خود را صرف تهاجم فرهنگی و تضعیف ارزش های دینی و رسمی جامعه از جمله عفاف و حجاب کرده و تلاش دارند در این زمینه با شکستن سدهای هنجاری، نظم و امنیت عمومی و آرامش حاکم بر جامعه را مخدوش سازند.

از جمله طرح های جدید در این خصوص مقابله پلیس با بی حجابی در طرح ناظر است. بر اساس نص صریح قانون، پلیس موظف است با افرادی که عامدانه و بر اساس تبلیغات سوء دشمنان در داخل خودرو یا اماکن عمومی اقدام به برداشتن حجاب می نمایند برخورد کرده و آنها را به محاکم قضایی معرفی کند؛ دستور کاری که با استفاده از ابزارهای تکنولوژیکی، دوربین های ترافیکی و انتظامی و مشاهدات عینی مأموران پلیس در جریان است. طرحی که سخنگوی ناجا تاکید دارد به شناسایی خودروهای متخلف در زمینه کشف حجاب منجر می شود که در گام نخست، با ارسال پیامکی به صاحب خودرو، مجرمانه بودن این عمل به ایشان متذکر می شود و در صورت تکرار در دفعات بعد به فراخوان مالک خودرو به صورت حضوری و اخذ تعهد کتبی از ایشان می رسد و در صورت اصرار مالک یا سرنشینان خودرو به تکرار عمل مجرمانه، به حکم قضایی برای توقیف خودرو منتج می شود. طرح ناظر محدود به خودرو نیست. ترویج مفاسد اخلاقی و اجتماعی، یکی از برنامه های دشمن در کشور است که این کار را حساس تر و جدی تر می کند؛ پلیس به کشف حجاب به عنوان پدیده اجتماعی نگاه نمی کند و به این نتیجه رسیده که از خارج از کشور این موضوع هدایت می شود. مطابق قانون، کشف حجاب جرم محسوب شده و پلیس موظف به برخورد با بی حجابی چه در خودرو و چه در معابر عمومی است. همچنین به گزارش خبرآنلاین، جانشین فرمانده ناجا یادآور شد: هر گاه طرح مقابله از سوی نیروی انتظامی در یک مورد به اجرا گذاشته می شود،

^{۱۱۰}مجویبی منش، حسین، ۱۳۸۶، تحلیل اجتماعی مساله حجاب، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دهم، شماره ۳۸، ص ۱۱۲.

برخی‌ها به دنبال جوسازی هستند و این بی‌انصافی است که به این بحث‌ها توجه نمی‌کنند و می‌گویند شما کار دیگری ندارید همین یک کارتان مانده درحالی‌که وظیفه پلیس است با تمام وجود با بی‌قانونی برخورد کند و در این مورد کوتاه نمی‌آییم.

گفتار پنجم: بسیج همگانی و اصلاح وضع بی‌حجابی

حجاب و عفاف فضیلتی همگانی است که همگان باید به آن توجه داشته باشند و در جهت رشد و پویایی آن در جامعه تلاش کنند. با وضعیت بی‌حجابی که در جامعه رواج دارد، با این پدیده برخورد لسانی و تذکر نرم صورت گیرد چرا که برخی از جوانان نادانسته به این راه وارد شده‌اند که امکان دارد با امر به معروف متنبه شوند.

۱- نیروهای بسیجی پس از کسب آموزش‌های لازم در بُعد - نظارت اعم از محسوس و غیرمحسوس - جامعه و مراکزی مانند «مدارس، دانشگاه‌ها، مساجد و محلات و اداره‌ها و ...» درباره مسأله عفاف بر اساس ضوابط قانونی اقدام کنند.

۲- اطلاع‌رسانی در بخش عفاف توسط نیروی مقاومت بسیج از طرق مختلف.

۳- انجام کارهای فرهنگی و ارزشی در جامعه با توجه به فرهنگ عفاف.

۴- همکاری بسیج به عنوان معتمد و ضابط قوه قضاییه و ناجا در اماکن عمومی جامعه.

۵- ترویج فرهنگ عفاف در محیط‌های مأموریتی خود نظیر: «اداره‌ها، سازمان‌ها، کارخانجات و ...» در بین کارمندان، شاغلان و مراجعه‌کنندگان.

۶- آسیب‌شناسی بدحجابی و ابتدال فرهنگی با انجام فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی.

نتیجه گیری

قران کریم صراحتاً زنان مومنه را به تبعیت از حجاب و مراعات آن توصیه نموده است این توصیه نشان از کرامت ذاتی زن دارد که در مواجهه با دیگران باید با رعایت حجاب از عفت و حیا و کرامت خود صیانت نماید. این موضوع حجاب را ارزشمند کرده و در جامعه هنجار شدن آن را به دنبال دارد. این امر سبب شده که رعایت حجاب ضروری بوده و اختلال در مراعات حجاب شرعی موجب جریحه دار شدن وجدان عمومی و اخلاقی جامعه باشد. قانون اساسی که میثاق ملی و منشور حقوق ملت است آزادی را جز حقوق بنیادین افراد دانسته لکن این حق آزادی را توأم با مسئولیت قرار داده است و آن مسئولیت در برابر خدا در برابر جامعه و دیگر شهروندان است. نظم عمومی یکی از الزامات اجتماعی است چه این الزامات مربوط به جوامع با اندیشه مادی باشد چه نباشد آنچه مهم است این است که نظم عمومی با اینکه یک الزام اجتماعی مشروعیت خود را از توافق اعضای جامعه اخذ نمی کند بلکه مشروعیت خود را از احکام الهی اخذ می کند. پس نظم عمومی مبتنی بر ارزش های مشروع بنا می شود که اکثریت جامعه به آن پایبند هستند. باید صریحاً ابراز داشت که حجاب با حق آزادی و کرامت حقیقی انسان^{۱۱} که منبعث از فرهنگ، شریعت و تاریخ است نه تنها منافاتی ندارد بلکه حجاب زمینه ساز آزادی، امنیت و کرامت و تعالی انسان ایرانی مسلمان است. وقتی تعارضی میان حجاب، کرامت و آزادی وجود ندارد این خود نشان می دهد هیچ تعارض و منافاتی میان حجاب و حقوق شهروندی متصور نیست و عدم رعایت حجاب منحل به نظم عمومی می گردد.

انقلاب اسلامی در حال تجربه پنجمین دهه از حیات خود است و در هر برهه ای به نحوی بر اصول و ارزشمند بودن حجاب تاکید شده است. دهه ۱۳۶۰، دهه قانون گذاری و الزامی شدن حجاب . دهه

۱۳۷۰ ایام سازندگی و اصلاحات که رشد فزاینده بد حجابی را در پی داشت. ده ۱۳۸۰ تا امروز با رشد سریع و فراگیر شدن شبکه های اجتماعی و پیرنگ شدن نقش فضای مجازی در افکار و زندگی مردم بد حجابی رشد و به دنبال ایجاد گفتمانی در این زمینه در افکار عمومی بوده است. بنابراین در حال حاضر در جامعه ایران باید نگاهی همه جانبه و فراتر از صرف مسئله فقهی به حجاب داشتین موضوع در جامعه امروز جنبه های اقتصادی، فرهنگی و حتی امنیتی نیز پیدا کرده است. ولی کماکان رکن الزام فراگیر همگان به حجاب رکن قانونی بودن آن است. به بیانی دیگر حجاب در شمار سیاست های راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران است که بیش از دیگر از سیاست ها، از دگرگونی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کشورمان اثر پذیرفته است. اطلاق عنوان مجرمانه به بدحجابان و به ویژه پیش بینی مجازات اختیاری حبس یا جزای نقدی با وجود همه ایرادات وارد بر آن، نشان دهنده اهمیت بحث پوشش و حجاب در نزد قانونگذار ایرانی است. مهمترین راهکار نظام سیاست جنایی کشورمان برای اجرایی نمودن بیشینه ای حجاب روی آوردن به هنگام به پاسخ های کنشی و یا سزادهی و نیز افزایش نظارت های نهادهایی مانند پلیس فتا در دنیای مجازی است. در این راستا ضروریست تا با توجه به اهمیت موضوع حجاب در کشورما به عنوان ارزشی شناخته شده و دارای اهمیت قانونی فراگیر و روزآمد در این باره تصویب شود.

در حال حاضر، تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، رکن قانونی تشکیل دهنده جرم رعایت نکردن حجاب شرعی است. مجازات مقرر در این تبصره، تنها کیفر قانونی برای محکوم کردن بزهکار است. نداشتن حجاب شرعی، حالتی عدمی و ترک فعلی است که به حوزه امنیت اخلاقی جامعه اسلامی خلل وارد می سازد. همه زنانی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران ساکن هستند، در فرض رعایت نکردن حجاب شرعی، ناقض قانون و مستوجب مجازات به شمار می آیند. البته ارتکاب این بزه را برای مرتکبان دارای موقعیت های خاص می توان تخلفی صنفی و اداری نیز دانست.

وسیله ارتکاب جرم رعایت نکردن حجاب شرعی در تحقق این جرم طریقت دارد، ولی تولید لباس هایی که حجاب شرعی را تأمین نمی سازد، تهیه وسیله ارتکاب این جرم به شمار می رود؛ زیرا جرم رعایت نکردن

حجاب شرعی در شمار جرایم معاونت بردار است. مطلق بودن جرم مورد بحث، بر کفایت سوءنیت عام در تحقق عنوان مجرمانه یاد شده دلالت دارد.

برخورد قضایی با جرم بی‌حجابی از مرحله کشف جرم که به وسیله نهاد دادرسی و با کمک ضابطان قضایی صورت می‌پذیرد، آغاز می‌شود و تا صدور حکم از سوی مرجع قضایی صالح تداوم خواهد داشت. اصل بر آن است که در دادگاه‌های عمومی به جرم بی‌حجابی رسیدگی شود، ولی در موارد خاصی که نیازمند احراز قضایی است، مرتکب این بزه ممکن است به‌عنوان متهم به فعل مخل امنیت داخلی یا افساد فی‌الارض در دادگاه انقلاب محاکمه شود. قانون‌گذار و دادرسان می‌توانند محرومیت ناقضان قانون حجاب شرعی از حقوق اجتماعی را به‌عنوان مؤثرترین مجازات بازدارنده در نظر بگیرند.

علاوه بر اینها جهت کنترل جرایم منافی عفت همچون بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه تنها برخورد فیزیکی خشک و قانونی جواب‌گوی این قبیل جرایم نیست. باید ارزش‌های اخلاقی حاکم بر جامعه و شرایط اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی در این زمینه بهبود یابد و مقنن با اتخاذ سیاست جنایی مناسب، چارچوب‌هایی را در جهت حمایت از ارزش‌های اخلاقی حاکم بر جامعه و افراد و پیشگیری از ارتکاب این قبیل جرایم تعیین نماید و با اتخاذ سیاست کیفری مناسب در جهت کنترل و مهار بزهکاری و مبارزه‌ی سنجیده علیه بزهکار و پدیده‌ی بزهکاری نقش سازنده‌ای را ایفا کند.

پیشنهادها

۱. باتوجه به این که مبارزه بیشتر معطوف به معلول و پیشگیری ناظر به علت است، در زمینه‌ی پیشگیری از وقوع اینگونه جرایم باید زیرساخت‌های فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی را در نظر گرفت.
۲. پیشگیری از وقوع بدحجابی و بی‌حجابی را می‌توان به سازمان‌های مردم‌نهاد واگذار کرد. اگر پیشگیری از این قبیل جرایم صرفاً در دست دولتمردان و دستگاه قضایی باشد نمی‌تواند کارایی

لازم را در این زمینه داشته باشد، بلکه واگذاری چنین امر مهمی به سازمان های مردم نهاد که انگیزه ی بیشتری برای کمک به هم نوعان خود دارند مفیدتر است.

۳. الگوسازی جذاب و باورپذیر از شخصیت های محبوب ملی و اسلامی و جایگزین نمودن آنها با الگوهای غلط موجود در جامعه که از فرهنگ خارجی و نامتناسب با فرهنگ ایرانی به جامعه تزریق شده است.

۴. توجه به کانون های کنترل درونی به جای تکیه بر کانون های بیرونی

۵- تمرکز بر نهاد خانواده تشویق و توجیه والدین به نظارت هر چه بیشتر بر حجاب فرزندان از طریق

مدارس و مراکز آموزشی و فرهنگی

۶- لزوم شناسایی مراکز رسانه ای فعال خارج از کشور در این زمینه و برخورد با آنها

۷- کنترل مبادی گمرکی البسه و جلوگیری از واردات پوشاک نابهنجار در این زمینه.

۸- برخورد جدی با افرادی که در داخل کشور در جهت فعالیت رسانه های معاند فعالیت مینمایند.

منابع

- ابن درید، محمد، ۱۹۸۷، جمهره اللغه، بیروت، دارالعلم للملایین
- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۲، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ پنجم
- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، چاپ سی ام، نشر میزان
- اسدی، لیلا، ۱۳۸۴، بررسی قوانین کیفری ایران در امر پوشش مردم، مجله ندای صادق، شماره ۴۰، سال دهم
- اسکندری، مصطفی، ۱۳۸۹، ماهیت و اهمیت حریم خصوصی، حکومت اسلامی، سال ۱۵، شماره چهارم
- امامی، مجید، طاهری، کاظم، مطهرنژاد، مجید، ۱۳۹۳، شبکه عوامل زمینه ها و راه حل های مساله حجاب در دانشگاه های ایران؛ بایسته های برنامه ریزی فرهنگی با استفاده از نظریه زمینه ای، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال چهارم، شماره سوم
- امین، مهدی، ۱۳۸۱، مساله الحجاب فی القران، وقفه مع الدكتور محمد شحرور، المهنج، شماره ۲۶
- ایازی، محمدعلی، ۱۳۸۷، نقد و بررسی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب، حجاب و مسئولیت ها و اختیارات دولت اسلامی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول
- باقری میاب، شهلا، باقری، محمدرضا، ۱۳۹۲، الزامات همسویی نهادهای سیاست گذار و اجرایی در فرایند خط مشی گذاری فرهنگی عفاف و حجاب، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۳۳
- باقری، شهلا، ۱۳۹۰، زن، دین و جامعه، تحلیل جامعه شناختی از مسائل زنان و خانواده، تهران، محراب
- باقری، شهلا، ۱۳۹۰، نقد برنامه های پنج ساله توسعه و الزامات نظام سازی در حوزه زنان و خانواده، مجموعه مقالات سومین نشست الگوی اسلامی ایرانی

بیگی، جمال، حیدرقلی زاده، جعفر، ۱۳۹۲، ممنوعیت حجاب زنان مسلمان در کشورهای غربی و مغایرت آن با موازین حقوق بشری، دوفصلنامه حقوق بشر اسلامی

پرادل، ژ، ۱۳۹۲، تاریخ اندیشه های کیفی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ هفتم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، ص ۷۰.

پروین، خیرالله، ۱۳۹۲، الزامات و آموزه های حقوق اساسی، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول
توکلی، محسن، ۱۳۹۰، پیشگیری اجتماعی از بدحجابی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی نراق

جاوید، محمدجواد، ۱۳۸۸، تاملی در ابعاد نظری و عملی حجاب، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی: «مسالك الافهام»، قم، مؤسسه معارف اسلامی، چ اول، ۱۴۱۳ق.
جوادی آملی، عبد الله: «كتاب الصلاة»، تقریرات بحث مرحوم سید محمد محقق داماد، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۵ق.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، حق و تکلیف در اسلام، محقق مصطفی خلیلی، قم، اسرایی، چاپ سوم،
جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، زن در آینه جمال و جلال، محقق محمود لطیفی ریال قم، اسراء، چاپ نوزدهم
حبیب زاده، محمدجعفر، محقق داماد، مصطفی، ۱۳۷۴، جایگاه اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق ایران، نشریه دانشگاه شاهد، شماره ۹

حسانی، جلال الدین، حسنی، حمید، ۱۳۹۶، نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه در پرتو رویکردهای نظام سیاست جنایی ایران، همایش ملی عفاف، حجاب و سبک زندگی

حسینی زبیدی، محمدمرتضی، ۱۳۸۶، تاج العروس، دارالهدایه

حسینی، حسین، جهان دیده، زهیر، ۱۳۹۵، کیفیت حمایت از کاهش آسیب های اجتماعی بی حجابی در قلمروی قوانین کیفری، اولین همایش ملی آینده پژوهشی، علوح انسانی و امنیت اجتماعی

حسینی، سیدمحمد، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، ج ۱

حسینی، محمد، ۱۳۸۳، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، سمت، چاپ اول.

حکمت نیا، محمود، ۱۳۹۰، حقوق و مسئولیت های فردی و اجتماعی زن، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول

خیدانی، لیلا، ۱۳۹۴، بررسی فرهنگ حجاب و عفاف و نگرش آن در بین دانشجویان، مجله پژوهش زنان، شماره ۱۲

دورانت، ویل، ۱۳۶۹، تاریخ نمدن، ترجمه سهیل آذری، چاپ اول، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی ذوالفقاری، حسین، ۱۳۸۵، موانع و مشکلات ناجا در کنترل بدحجابی، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، شماره ۱۲

رهبر، محمدتقی، ۱۳۹۳، سبک زندگی اسلامی، و مسئله حجاب و عفاف، مجله پاسدار اسلام، شماره ۳۹۱ زیبایی نژاد، محمدرضا، ۱۳۸۷، نظام اسلامی و مساله پوشش زنان، نظام اسلامی و میاله حجاب، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چاپ اول

زینالی، امیرحمزه، ۱۳۸۸، مبانی مداخله حقوق کیفری ایران در حوزه فرهنگ و چالش های فراروی آن، تازه های عوم جنایی، نشر بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول

شادی، صالح، ۱۳۸۹، مجموعه قوانین و مقررات پوشش در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، نشر ورجاوند

شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۷۷، حقوق کیفری اختصاصی، تهران، انتشارات ژوبین، چاپ دوم

شاهیوند، عذرا، علیزاده، فاطمه، ۱۳۹۵، بررسی مفاد فقهی و حقوقی جرم بی حجابی، اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی

شحرور، محمد، ۱۹۹۹، الکتاب و القران قراءه معاصر، دمشق، برگرفته از سایت رسمی محمد شحرور،
www.shahrour.org

شریف الرضی، محمدبن حسن، ۱۳۹۰، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، نامه ۵۳.

شریف طاهرپور، محمد، ۱۳۸۹، راهکارهای تقویت حجاب و عفاف در جامعه، مجله مهندسی فرهنگی

شفیعی مازندرانی، سیدمحمد، ۱۳۹۰، چیستی حجاب اسلامی-معناسناسی حجاب از منظر آیات حجاب، مجله علمی پژوهشی پژوهش های فقهی

صانعی، یوسف، احکام بانوان، قم، انتشارات میثم تمار

صدر، شادی، ۱۳۸۲، آیا حکومت مسئول بی حجابی ایت؟، ماهنامه زنان، شماره ۱۰۳

صفار دستگردی، مهدی، ۱۳۸۲، بدحجابی در نگرش جامعه شناختی، فصلنامه کتاب زنان، سال ششم، شماره

۲۲

طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷، المیزان فی تفسیر القران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۳، مجمع البیان، تهران، مکتبه الاسلامیه

طیبی نیا، موسی، احمدی، حبیب، ۱۳۹۲، مدل یابی ساختاری حجاب و عفاف در جامعه، مجله زن و

جامعه، سال چهارم، شماره ۴

طوسی، محمدبن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، مکتب المرتضویه، چاپ سوم، ۱۳۸۷

علیمرادی، مهناز، مهدی، محمد، ۱۳۸۹، حجاب و پوشش در ادیان زرتشت، یهود و مسیحیت، فصلنامه معرفت ادیان، شماره ۳

عوده عبدالقادر، ۱۳۷۳، حقوق جنایی اسلام، ترجمه اکبر غفوری، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، جلد ۱

غلامی، علی، ۱۳۹۱، مساله حجاب در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه امام صادق فاضل مقداد، مقدادبن عبدالله، ۱۴۱۹، کنزالعرفان فی فقه القران، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول

فتاحی زاده، فتحیه، ۱۳۷۸، حجاب از دیدگاه قران و روایات، قم، نشر بوستان کتاب

فرجی، مهدی، حمیدی، نفیسه، ۱۳۸۹، پوشش و حجاب زنان ایران، سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی

فیومی، احمدبن محمد، بی تا، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، بی جا، موششه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت

قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قران، چاپ یازدهم

قلی پور، آرین، ۱۳۸۶، نقش دولت در نهادینه سازی حجاب، فصلنامه کتاب زنان، سال دهم، شماره ۳۸.

کاتوزیان، ناصر: «جایگاه حقوق اسلامی در نظم حقوقی»، مجله «کانون و کلا»، ۱۳۷۵.

کاتوزیان، ناصر: «فلسفه حقوق»، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ اول، ۱۳۷۷.

کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوق ایران، چاپ ۶۶، شرکت سهامی انتشار

کلینی، یعقوب: «اصول کافی»، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ سوم، ۱۳۶۷.

کوراهی مقدم، کیانوش، ۱۳۷۹، ضمانت اجرای کیفری فعل حرام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس

محبوبی منش، حسین، ۱۳۸۶، تحلیل اجتماعی مساله حجاب، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دهم، شماره ۳۸

محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۹۳، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، انتشارات دارالحدیث، مختاریان پور، مجید، گنجعلی، اسدالله، ۱۳۹۰، نهادی سازی عفاف و حجاب در جامعه، رویکردی فرایندی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۲

مدنی، سیدجلال الدین، ۱۳۷۰، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نشر همراه، چاپ اول

مطلق، شهلا، ۱۳۸۳، آنچه زنان و دختران باید بدانند، تهران، انتشارات سروش

مطهری، مرتضی، ۱۳۶۷، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا

مقدم، ابراهیم، ۱۳۹۶، نقد و بررسی جرم انگاری بدحجابی در مقررات کیفری ایران، فصلنامه دانش انتظامی خوزستان، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان خوزستان، سال ۵، شماره ۱۸

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول

منتظری، حسینعلی، ۱۳۷۰، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمودصلواتی، نشر تفکر، قم، جلد ۳

موسوی خمینی، روح الله، بی تا، تحریر الوسیله، موسسه مطبوعات دارالعلم، جلد ۲

موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا: «الدر المنضود فی احکام الحدود»، تقریر علی کریمی جهرمی، قم، دار القرآن الکریم، چ اول، ۱۴۱۲ق.

موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا، تقریرات الحدود و التعزیرات، ج ۱، ص ۲۹۷-۲۹۸.

- مهرپرور، حسین، ۱۳۸۴، دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، انتشارات اطلاعات، تهران
- نجفی، محمد حسن: «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام»، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲ق.
- نجفی، محمدحسن، ۱۳۹۲، جواهر الکام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- نحفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۲، تقریرات درس جرم شناسی، دوره کارشناسی ارشد، مجتمع آموزش عالی آزاد قم، تنظیم کننده مهدی سیدزاده
- نراقی، ملا احمد: «مستند الشیعه»، مشهد، مؤسسه آل البیت، چ اول، ۱۴۱۸ق.
- نمازی فر، حسین، سعادت، صالح، ۱۳۸۹، بررسی فقهی و حقوقی حجاب شرعی با رویکردی بر آرای امام خمینی، پژوهشنامه متین، شماره ۴۹.
- نوبهار، ر، ۱۳۹۰، اصل کاربرد کیمنه حقوق کیفری، مجله علمی پژوهشی آموزه های حقوق کیفری، دوره جدید، شماره ۱
- نورزاد، مجتبی، ۱۳۷۸، دخالت دولتها در امر پوشش مردم، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق شهید بهشتی
- نووی، محیی الدین بن شرف: «روضه الطالبین»، دارالکتب العلمیه، لبنان، بی تا.
- وردان، نرگس، ۱۳۹۳، رابطه و اثرات بدحجابی و بی حجابی در جوامع و پیگیری علت بروز آن، اولین همایش ملی فرهنگ عفاف و حجاب، بندر گز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر گز
- هاشمی، حسین، ۱۳۸۶، نقدی بر ماده ۶۳۸ ق.م.ا در جرم انگاری بدحجابی، فصلنامه شورای اجتماعی زنان، سال دهم، شماره ۳۷
- یزدخواستی، بهجت، ۱۳۸۸، حجاب زنان با رویکرد جامعه شناختی، مجله کتاب زنان، شماره ۳۸.

Abstract

one of the basic concerns of the islamic revolution , which is the flourishing of islamic revolution till date , is the veil issue . the factors such as the obligatory duty of veil and the fundamental teachings of the islamic revolution in islam have caused the veil to be obligatory until today . over recent years there have been criticism of this forced veil over the community , sometimes leading to a decline in veil . accordingly , the aim of this study is to investigate the legislative , judicial and executive policy of islamic republic of iran against veil . so in order to achieve this goal , analytical descriptive method is used . the results of this analysis indicate that the most important strategy of the criminal policy system of our country is to implement the maximum veil when it comes to action responses or retribution as well as increasing supervision of institutions such as cyber police in the virtual world . in this regard , it is necessary to recognize the importance of veil in our country as a valuable and updated legal significance in this regard .

key words : veil and chastity , criminal policy , judicial policy , executive polic



University of Judicial Sciences & Administrative Service

“M.A” Thesis:

On

Criminal law & criminology

Subject

Iran's criminal judicial and implementation policy of Non-veil

Supervisor:

Dr.Amir Masood Mazaheri Sichani

Adviser:

Dr.Jaffar Hassani

by:

Ismaeil Koochi

December 2019

